

ژوندون

ژوندون

پنجشنبه ۲۷ قوس ۱۳۵۴ -
۱۵ ذیحجه ۱۳۹۵ - ۱۸
دسامبر ۱۹۷۵

Ketabton.com



ښاغلی رئیس دولت و صدراعظم فرمودند.

ما باید همواره به عمق و حقیقت سنن انسانی دین مقدس اسلام توجه کنیم

پیام ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم بمناسبت عید سعید اضحی ۲۱ قوس ۵۴

خواهران و برادران عزیز :

این عید سعید اضحی را به همه شما هموطنان گرامی به برادران پشتو نستانی و بلوچ و به كافة مسلمانان جهان از صمیم قلب مبارکباد میگویم.

منهوم واقعی چنین روزهای فرخنده و متبرک این است که ما باید همواره به عمق و حقیقت سنن انسانی دین مقدس اسلام توجه کنیم و بدانیم که جهاد ماعلیه ظلم، تبعیض و نابرابری پایان ناپذیر است و این هدفها بسر آورده نمیگردند، مگر اینکه مادر شروع هر کاری باید به جهاد بانفسپای خویش برخیزیم و باور کنیم که بزرگترین قربانی ها، قربان شدن در راه عقیده و ایمان، در راه آزادی، شرف و حیثیت انسانی است.

اکنون که ما همه در قبال جامعه خود و جامعه انسانی مسؤولیت هایی داریم باید بدون شک و تردید متیقن باشیم که رسالت اشغال صدارای عقیده و ایمان در تمام اعصار جستجو و کشف راه هائیکه بتواند سعادت عمومی يك جامعه را ضمانت کند و نتواند در سعادت عمومیست که سعادت فرد تفهین شد نمیتواند.

آرزوی من این است که بهمه ما توان آن نصیب گردد که با احساسات برادری و برابری و صمیمیت بتوانیم در راه تعالی وطن عزیز خویش خدمت نماییم و در راه رضای خدای بزرگ (ج) و جهاد بانفسپای خویش موفق و سر خسر و گردیم.

در خاتمه یکبار دیگر این عید سعید اضحی را به هموطنان عزیز و كافة مسلمانان جهان از صمیم قلب تبریک میگویم و سعادت شما را تمنا دارم.



ښاغلی رئیس دولت و صدراعظم پس از نماز عید با معاونان صدارت عظمی مصافحه فرموده تبریکه آنان را می پذیرند.



ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم و ښاغلی پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی حین امضاء پروتوکول تمدید معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابل به بین افغانستان و اتحاد شوروی.



ښاغلی رئیس دولت و صدراعظم هنگام مصافحه با ښاغلی پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در قصر ریاست جمهوری.

اختصار وقایع مهم هفته

۱۹ قوس ۱۳۵۴ مطابق ۱۰ دسامبر ۱۹۷۵ در کابل و ماسکو صادر گردید.

از طرف ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت هشت شب ۱۹ قوس سیاقی به افتخار ښاغلی نیکولای پودگورنی صدراعظم هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در تالار وزارت امور خارجه ترتیب گردیده بود.

ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت یکنویم بعد از ظهر روز ۱۹ قوس در سیاقی اشتراک نمودند که از طرف ښاغلی نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به افتخار شان در قصر چپلستون ترتیب شده بود.

ښاغلی نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پس از يك مسافرت رسمی و دوستانه از کشور ما عصر روز ۱۹ قوس از کابل عازم ماسکو گردیدند.

ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم مهمان محترم شان ښاغلی پودگورنی را از قصر چپلستون تأمینان هوایی بین المللی کابل همراهی نمودند.

ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم نماز عید سعید اضحی را ساعت ۹ صبح ۲۱ قوس در مسجد ارگ ریاست جمهوری به امامت خطیب مسجد ارگ جمهوری اداء کردند.

رهبر ملی ما بعد از اداء نماز برای رفاه و آرامی ملت مسلمان و نجیب افغان و ترقی افغانستان عزیز در پرتو نظام جمهوری و پیشرفت و تعالی عالم اسلام دعا نمودند.

دوره دوم مذاکرات ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم و ښاغلی پودگورنی صدراعظم هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی که به تعقیب مذاکرات ۱۸ قوس زعمای دو کشور روز ۱۹ قوس نیز سه ساعت را در بر گرفت در فضای نهایت صمیمانه و دوستانه انجام یافت.

بعد از ختم مذاکرات ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم و ښاغلی پودگورنی صدراعظم هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی پروتوکول تمدید معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابل به بین افغانستان و اتحاد شوروی را برای مدت ده سال دیگر امضاء کردند.

اعلامیه مشترک افغانستان و اتحاد شوروی در ختم مسافرت ښاغلی ن.و. پودگورنی صدر هیات شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری افغانستان بتاريخ

فهرفته

باساس مشی دولت جمهوری برای دوصدو بیست خانواده بی زمین دیگر دروادی علمند زمین توزیع گردیده است .

منبع علاوه کرد همچنان توزیع زمین برای نه صدوشتاد خانواده دیگر در پروژه انکشاف وادی علمند ادامه دارد .

به ارزش چارده ملیون و سه صدوشتادو هفت هزار افغانی کود کیمیاوی و گندم اصلاح شده از ماه عقب تا هالوس امسال به زارعین ولایت پروان طور فرضه توزیع شده است .

یک منبع نمایندگی بانک انکشاف زراعتی در ولایت پروان گفت که به منظور بلند رفتن سطح حاصلات زراعتی یک هزارویکصدوشت تن کود و بیش از یکصدو بیست و پنج تن گندم اصلاح شده بذری برای استفاده در کشت تیر ماهی بدسترس زارعین گذاشته شده است .

دو کوبرایتف زراعتی بمنظور جمع آوری و صدور محصولات زراعتی دوازده قوس در ولسوالی سنگ چارک توسط والی جوزجان افتتاح شد .

یک منبع آن ولایت گفت: این کوبرایتف ها با اساس قانون کوبرایتف ها تشکیل شده است .

کوبرایتف تزار سرمایه ابتدایی دوصد هزار افغانی و بعضویت نود باغدار و کوبرایتف اتفاق به سرمایه ابتدایی دوصدو نود و هفت هزار افغانی باشمولیت دو صدو هفده عضو تشکیل گردیده است .

منبع افزود کوبرایتف ها مطابق بر اساسنامه فلاصدور کشمش پرداخته و در آینده به صادرات سایر محصولات زراعتی مبادرت می ورزند .

شاعلی محمد گل نجیب والی جوزجان هنگام افتتاح کوبرایتف ها گفت ولسوالی سنگ چارک از لحاظ تولید کشمش و محصولات زراعتی غنی بوده و سالانه مقدار زیاد تولیدات آن در بازار هارغه میگردد که با تاسیس کوبرایتف ها زمینه بیشتر مفاد مولدین متصور است .

صفحه ۳

پک ژوندون

دولت جمهوری افغانستان بر پروگرامهای معارف تجدیدنظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد برای اعطای بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوی و باروحیه وطن پرستی و خدمت بمردم پرورش خواهد داد .
از بیانات رئیس دولت و صدراعظم

پنجشنبه ۲۷ قوس ۱۳۵۴ - ۱۵ ذیحجه ۱۳۹۵ - ۱۸ دسامبر ۱۹۷۵

امتحانات سالانه

بدست آمده است بخصوص ص که نحوه تدریسی و طرز امتحان برای متعلمان صنف دوازدهم شکل تازه داشته است . بهمین اساس برای متعلمان که در امتحانات صنف دوازدهم موفق شده اند و خواهش نمود ل رادر پوهنتون دارند، نیز تسهیلات فراهم گردید که از همه مهمتر تعیین رشته های اختصاصی پوهنخی های ساینس و اجتماعات در امتحان کانکور می باشد . درینصورت علاقه و دلچسپی محصل از یکطرف و استعداد او در رشته های متذکره از طرف دیگر به نحوی بهتری محک زده میشود .

البته این تجویز تازه پوهنتون نیز یکنوع ریفورم در زمینه امتحان کانکور پوهنتون و در نهایت تعیین رشته مورد علاقه محصل بیک شکل بهتر میباشد .

امید داریم با تطبیق تدریجی ریفورم های تعلیمی ، معارف مابیشتر از پیش گامهای مؤثر در راه آموزش بهتر و تعمیم تعلیم و تربیه در کشور بردارد .

درسی، فراهم آوری تسهیلات مزید در امور درسی و ممد درسی و بالاخره تجربه، مربیون و نحوه آموزش تاثیر فوق العاده و بسزایی دارد بدینترتیب اگر آموزگار موفق باشد و پروگرام های درسی را بوجه مطلوب و شایسته تطبیق کند، لابد شاگرد موفق خواهد بود و نتیجه مثبت بدست خواهد آورد .

بدینگونه هر قدر میزان کامیابی در یک صنف و یا مکتب بیشتر باشد بهمان پیمانه مربیون و شاگردان در پیشبرد دروس موفق بوده اند و بلند رفتن گراف موفقیت شاگردان ، محصول سعی و کوشش هر دو جانب میباشد .

از قرار معلوم نتایج امتحانات سالانه امسال مکاتب و لایات سرد سیر کشور بسیار موفقیت آمیز و مطلوب بوده است و یکعتداد زیاد شاگردان با نتایج خوب به صنف های بلندتر ترفیع نموده اند که البته این نتیجه گیری مثبت در اثر تطبیق ریفورم های تعلیمی جدید معارف

امتحانات سالانه مکاتب سردسیر به پایان رسید و شاگردان با اعلام نتایج امتحان نمره یکسال کار و فعالیت شانرا اخذ کردند . نتایج که برای عده از آنها مطلوب است و رضایت بخش و برای عده هم تلخ و نا مطلوب . و این بخاطر سهیل انگاری و عدم پیگیری در آموزش دروس و فراگیری بهتر و یا عوامل گونه گون دیگر میباشد .

قدر مسلم اینست که موفقیت در هر کار بستگی به سعی و تلاش دوامدار دارد . پیروزی چیزی نیست که خود بخودی بسراغ آدم پیدا یسد بلکه سعی و زحمت زیاد را ایجا میکند و چه بسا که همین طعم تلخ عدم موفقیت درهای پیروزی و موفقیت رادر برابر انسان میگشاید .

و شخصی را به کار بیشتر و تلاش متداوم و امیدارد و در برابر آزمون های آینده بشکل جدی تر قرار میدهد . در موفقیت شاگرد، علاوه بر کار و کوشش خودش شیوه آموزش و تدوین پروگرام های منظم و بهتر



وقایع سیاسی هفته

از شفیق را حل

سفر رئیس جمهور فرانسه به مصر

سفر (ژسکاردستن) رئیس جمهور فرانسه که برای اولین بار به یکی از ممالک عربی شرق میانه و همسایه اسرائیل به سفر پرداخت به انور سادات رئیس جمهور مصر وعده داد تا در قسمت تأسیس فابریکات تولید اسلحه همکاری نماید. مصرین سیاسی اظهار عقیده می کنند که مصر به کمک عربستان سعودی، کویت، بحرین و قدراستینون

سفر (ژسکاردستن) رئیس جمهور فرانسه به مصر که روز چهارشنبه پایان یافت برای طرفین شمر امر واقع گردیده و تا نیرات طویل مدت آن بر سیاست شرق میانه احساس خواهد گردید.

برای مصر این سفر دارای چندین نتیجه بی مثبت بود که توقع آن قبل از آغاز سفر برده نمیشد. رئیس

صفحه ۴

اما را ت عربی يك هزار ملیون دلار سرمایه را برای تأسیس فابریکات تولید اسلحه اختصاص خواهد داد برای مصر این فابریکات نه تنها کار بیشتر پیدا خواهد کرد بلکه خود مصر را از نظر اسلحه متکی بخود ساخته و هم زمینه صا درات رابه سایر ممالک شرق میانه میسر خواهد گردانید.

اگر چه نوع عیت اسلحه و مقدار آن هنوز تثبیت نگردیده اما مسلم است که مصر به ساختن آن نوع اسلحه علاقمند است که از یکطرف احتیاجات خود آنرا مر فوع ساخته بتواند و از جانب دیگر از اسلحه ای که اسرائیل میسازد عقب نماند.

چون عجا لئا کمک نظامی اتحاد شوروی به مصر ر قطع شده است بعضی ها باین عقیده اند که بعید نخواهد بود که روزی مصر طیارات (مک - ۲۱) خود را باما شین های (دیسالت) فرا تسوی ویا «رولز - رایس» بر تانوی قوت بدهد در جهان غرب شاید فرانسه یگا نه مملکتی بوده باشد که حاضر شد فابریکات سلاح سازی به مصر بدهد.

نگاه سیاسی

از نظر سیاسی نیز سفر رئیس جمهور فرانسه به مصر حایز اهمیت میباشد بانمام فشاریکه امریکا بالای اسرائیل برای تخلیه سینا آورد مصر توانست صرف يك بر پنج شبه جزیره سینا را از حلقوم اسرائیل اشغالگر بدر آورد. اما هنوز هم چهار بر پنج حصه سینا بدست اسرائیل است و مصر چاره جز این ندارد که دیپلوماسی اش را بتمام شدت برای تخلیه کردن تمام سینا از دست اسرائیل بکار بیاورد.

چون انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیشرو است دیپلو ماسی امریکا در مورد حل معضلات شرق میانه نظربه گذشته بطی السیر گردیده و بکمان اغلب تا اخیر سال آتی عیسوی کدام ابتکار با قوت در آن دیده نخواهد شد.

دیپلو ماسی مصر و فرانسه متوجه اینست تا وضع صلح را حفظ نماید ولی در عین زمان از موقف مما لك عربی بانمام معنی پشتیبانی میکند در اثر سفر ژسکاردستن مصر توانست دیالوگ جدید رانه تنها بین قاهره و پاریس بلکه بین ممالك عربی و فرانسه که عضو بازار مشترک اروپا

نیز میباشد آغاز نماید دیالوگ قبلی اعراب و دول اروپای غربی در مرحله اول به ناکامی انجامید.

فایده فرانسه

در تمام این معاملات مفاد حاصله فرانسه هم از نظر مادی و هم از نظر نفوذ روز افزون نباید بدیده قلیل دیده شود فرانسه در بین دول غربی اولین مملکتی است که از زمان دوگول فقیه باینظر ف قوت ممالك عربی را مطمح نظر داشته است هم از نظر نفت و پول و هم از نظر وسعت مار - کیت ممالك عربی به مراتب قویتر از اسرائیل اند برای اسلحه تولیدی فرانسه واشیای صنعتی آن بهتر از ممالك عربی مارکیتی در دنیا وجود ندارد اعراب امروز بایول نقد معا مله میکنند. سخت متوجه انکشاف ممالك خود اند و در مراودات خود مملکتی را تر جیح میدهند که مشکلات سیاسی شانرا فهمیده و از آنها پشتیبانی نماید.

فرانسه در چند ماه اخیر این پشتیبانی اشرا به چند شکل تبارز داد:

* کورد و مور ویل را برای میانجیگری صلح به لبنان فرستاد. * وزیر خارجه فرانسه بایا سر - عرفات رهبر فلسطینی ها ملاقات نمود.

* بر خلاف امریکا و دیگر ممالك غربی، عکس العمل ضعیف در مورد تصمیم ملل متحد مبنی بر مساوی قرار دادن صهیو نیزم بانبعیض نژادی نشان داد.

* مو قف فلسطین ها را در مورد حق تأسیس يك دولت فلسطینی تایید نمود.

ژوندون

پیام بخوانندگان

و فتنه من قدمهای بنیادی و اساسی میگویم، همه چیز آن متناسب به امکانات مالی و همکاری مردم افغانستان است، ازینرو اینطور اطمینان داد که در یک روز یا یکسال یا چند سال همه مشکلات حل می گردد، مبالغه کرده خواهم بود و اگر شما هم فکر کنید که در یکسال مملکت آباد میشود مبالغه خواهد بود.

پس سعادت يك مملکت مربوط بهمت عالی مردم آن است. اگر نزد مردم آن يك ایدئالوژی و يك مفکوره ملی توأم با خود گذری، حس فداکاری و ایثار موجود باشد بدانید که آن ملت به یاری خدای بزرگ روزی به هدف نهایی خود خواهد رسید.

باید بدانیم در این دنیا بیکه ماوسمازیست میکنیم، يك ملت نمیتواند بحال فقر، فلاکت و غربت بسر ببرد.

امروز هر فرد بیکه خود را، اولاد این خاک میدانند و ذره عشق و علاقه بوطن دارد وظیفه اساسی، ایمانی و وجدانی اوست که برای سعادت افغانستان به طیب خاطر قربانی دهد، تا نسلیهای آینده سر فراز و آسوده زندگی گردد بتوانند، تا این نسل، برای سعادت ملی، خود را قربان نکنند، تا این نسل از خود غرضی ها و خود خواهی ها نگذرد و تا روزیکه بحیث يك برادر بدون تبعیض، بحیث يك ملت دور هم جمع نشوند و متحد نشوند تا آنزمان سر نوشتشان خوار و زار خواهد بود.

جوانان عزیز!

برای شما خطاب میکنم!

برای اینکه سر نوشت آینده این وطن بدست شماست!

اگر خواسته باشید با خواسته باشید قهرمانی مکتوب هستید سر نوشت آینده این خاک را بدست خود بگیرید.

پس ای جوانان عزیز!

ای فرزندان عزیز! خود را آماده خدمت سازید و وقتی شایسته خدمت شده متوجه شوید که علم بیاموزید صاحب يك ایدئالوژی ملی و وحدت فکر و عمل باشید.

برادران! ایدئالوژی های وارد شده هرگاه به تنهایی بدرد يك ملت نمی خورد، ملت مرد و قهرمان، آن ملت است که از آن همه ایدئالوژی ها از همه دنیا چیزهای بهتری که موافق به عنعنات ملی، منافع ملی و معتقدات دینی آن باشد استخراج و جمع آوری نموده بفکر و دماغ خود برای خوب شدن و وطن خویش ایدئالوژی نوی راخلق کند که در پرتو آن راه سعادت و اعتلاء رابه پیماید.

فرزندان عزیز!

از هم برای شما میگویم و این را کاملاً به قلب خود داشته باشید که خواسته باشید یا نه. سر و دست این ملت قهرمان بدست شماست. خوشحال ملتی که جوانان فهمیده، بادی و ایمان داشته باشد. لذا به شما جوانان میگویم که وظایف نهایت سنگین دارید و باید مسئولیت خود را درین راه خوب احساس کنید، چه کسی که مسئولیت را قبول نمی تواند آنرا نیز انجام داده نمی تواند. پس شما باید به آینده وطن تان فکر کنید، محرومیت های کشور را مطالعه کنید، درد های افغانستان را بدانید، این وطن برای خوش گذرانی يك طبقه خلق نشده است. چه زندگی يك ملت مربوط به يك طبقه خاص نیست بلکه مربوط به قاطبه مردم آنست که ملت را تشکیل میدهد تا وقتی که ملت راضی نباشد، از حکومت پشتیبانی نکنند هیچ زمامدار هیچ حکومت و هیچ دولتی حتی سنگی را بالای سنگی گذاشته نخواهد توانست. شما یقین داشته باشید که امروز بزرگترین و مقدس ترین وظیفه انقلاب دولت جمهوری اینست و خواهد بود که ماحظور و به چه صورت برای قاطبه ملت خوش خدمت کرده و شکل زندگی شانرا بهتر کرده میتوانیم، هدف ما هدف مقدس است و اینکار دشوار از قدرت يك شخص بیرون است. وقتی این هدف عالی برآورده شده میتواند که هدف خود، درد خود و مقصد خود را تشخیص کرده بتوانیم و بدون تبعیض بحیث برادر و برابر بسر منزل مقصود برسیم.

صفحه ۵

دین شماره

کجکی به ظرفیت تولیدی ۴۹۵ کیلووات برق ص ۶	دایورازگل احمد زهاب نوری
دلیب گمار کیست ؟ ص ۸	ترجمه : خان آقاسرور
هیجان امتحان پایان یافت ص ۱۰	دایور ازگل، سراب
گرافیک هنر ص ۱۲	دمتین ژباړه
کاوشی برای دریافت گذشته های دور ص ۱۴	ترجمه : رهپو
توس دختران از گل و سبزه مردم ص ۱۷	دایور از پیروز مند کپکدا ی
پاولووا رفاصه مشهور شوروی ازدواج کرد ص ۱۸	ترجمه : ارشادی
هنر در لابلای قرن ها ص ۲۰	تتبع و نگارش: از حامد نوید
تیم منتخب فوتبال بوطن برگشت ص ۲۲	دایوراز: بلیکا
مسافری از افریقا ص ۲۴	ترجمه : د، ز
کام تازه درجهت پیروزی زنان کارگر ص ۲۷	نوشته : راحله راسخ
گذارش خبر نویسان جهان ص ۳۰	ترجمه: میرحسام الدین برومند
فریاد های مرگ ص ۳۸	ترجمه : داکتر شهسوار
قصه ای از غصه ها ص ۵۲	نوشته : مریم محبوب

شرح عکس روی جلد رالطفا به صفحه ۱۷ مطالعه فرمائید.
عکس روی جلد شماره گذشته از شرار



این دستگاه دو سال قبل مطابق پروگرام انکشافی دولت آغسار گردیده بود که ظرفیت تولیدی نهایی آن به سی و سه هزار کیلو وات در آن پیش بینی شده است.

منبع افزود:

در قدم اول تمديد لین برق تارکز ولایات کندهار و هلمند برای استفاده فابریکات صنایعتی و تنویر این دو محل به طول دوصد و نه زده کیلو متر شامل پروگرام است که در آینده نزدیک تکمیل و فعال می گردد.

به قول همین منبع مصارف مجموعه پروژه برق کجکی در ساحه تمديد لینهای آن، تارکز هلمند و کندهار به بیست و چهار میلیون دالر یا سه صد و هفتاد میلیون افغانی می رسد.

منبع علاوه کرد:

با فعال شدن دو توربین برق کجکی پروژه مذکور آغاز به کار، نموده و مصارف آن توسط دو است جمهوری افغانستان و ایالات متحده امریکا پرداخته شده است.

چهارده میلیون دالر مصارف، استعاری این پروژه، از چوکات قرضه ای اداره انکشافی امریکا و یکصد و هشتاد و شش میلیون افغانی مصارف داخلی آن، از بودجه انکشافی دولت تمویل میگردد.

منبع علاوه کرد:

البته نصب و بکار انداختن توربین سوم این پروژه نیز شامل پروگرام ماست، که با فعال شدن توربین سوم کجکی، ظرفیت نهایی تولیدی آن به چهل و نه هزار و پنج صد کیلو وات برق میرسد.

منبع در مورد انرژی برق، در کشور گفت:

پروژه های تولیدی برق، از لحاظ اقتصادی تأثیرات مثبتی بر انکشاف سریع کشور دارد. دولت بادر نظر داشت جنبه های اقتصادی پلانهای پیرامون منابع انرژی برق دارد. تا با استفاده اعظمی از این منابع بر راه بهبود اقتصاد جامعه و فعال ساختن دستگاه های تولیدی استفاده گردد.

یکی از توربین های دستگاه تولیدی برق کجکی که ظرفیت ۱۶۵۰۰ کیلووات برق را دارد.

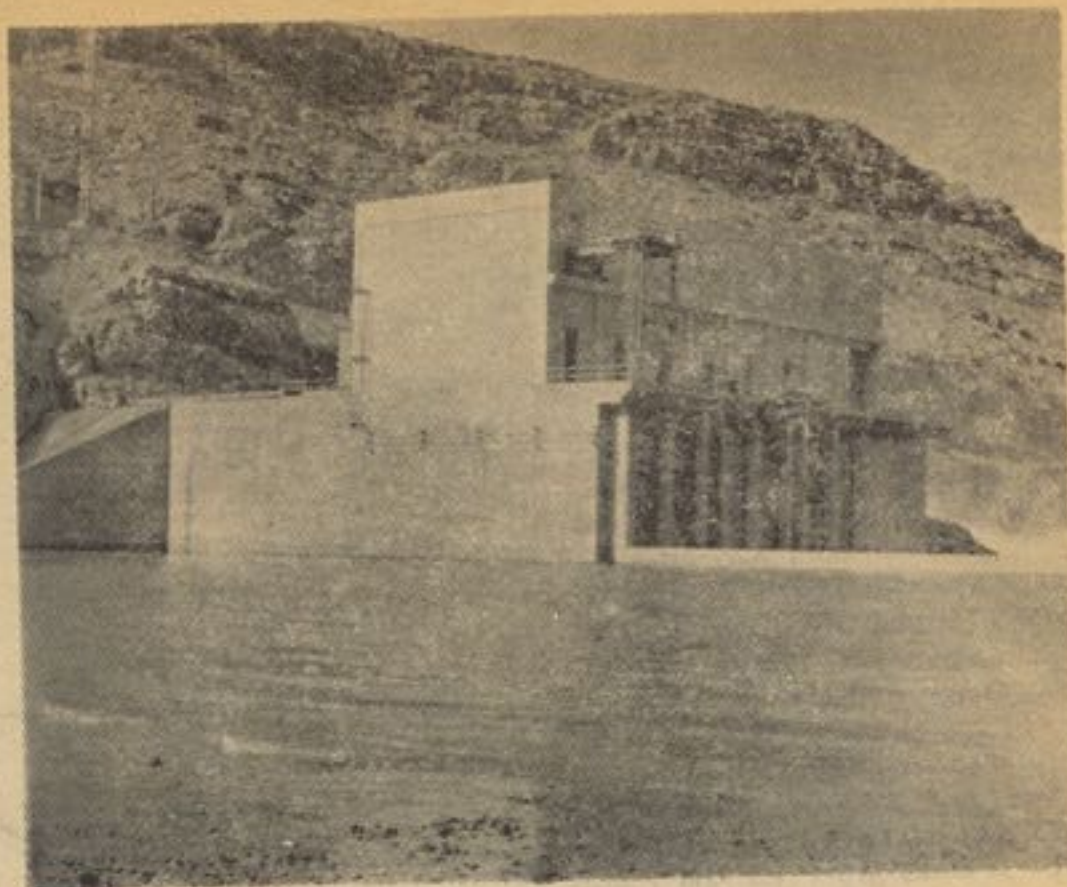
سراژین شماره، هر هفته سری بیکی از پروژه های برق می زنیم و گزارش های جالبی در باره موقعیت مقدار تولید و تأثیر اقتصادی آنها برای شما گرد می آوریم ...

دستگاه برق آبی کجکی، بر بالای دریای هلمند قرار دارد. آب دریا در قسمت کجکی به حد اعظمی مقدار خود میرسد. کاسه بند ذخیره آب کجکی فعلاً بیش از یک میلیارد و هشت صد میلیون متر مکعب آب دارد.

دستگاه برق کجکی از لحاظ اقتصادی ارزش زیادی دارد. انرژی برق این پروژه در ولایات هلمند و کندهار استفاده به عمل می آید. برق کجکی در انکشاف صنایع تولیدی و استعملا کی این دو ولایت نقش مهمی دارد. چه در پهلوی تنویر این دو منطقه زمینه بکار افتادن فابریکات را به حد اعظمی تولید فراهم ساخته و از نصب و مصرف ماشین های تولید برق دیزلی جلوگیری می کند.

یک منبع ریاست عمومی و احداث آب، و برق در برابر سوا لی پیرامون پروژه برق کجکی گفت:

کار مونتاژ و نصب توربینهای

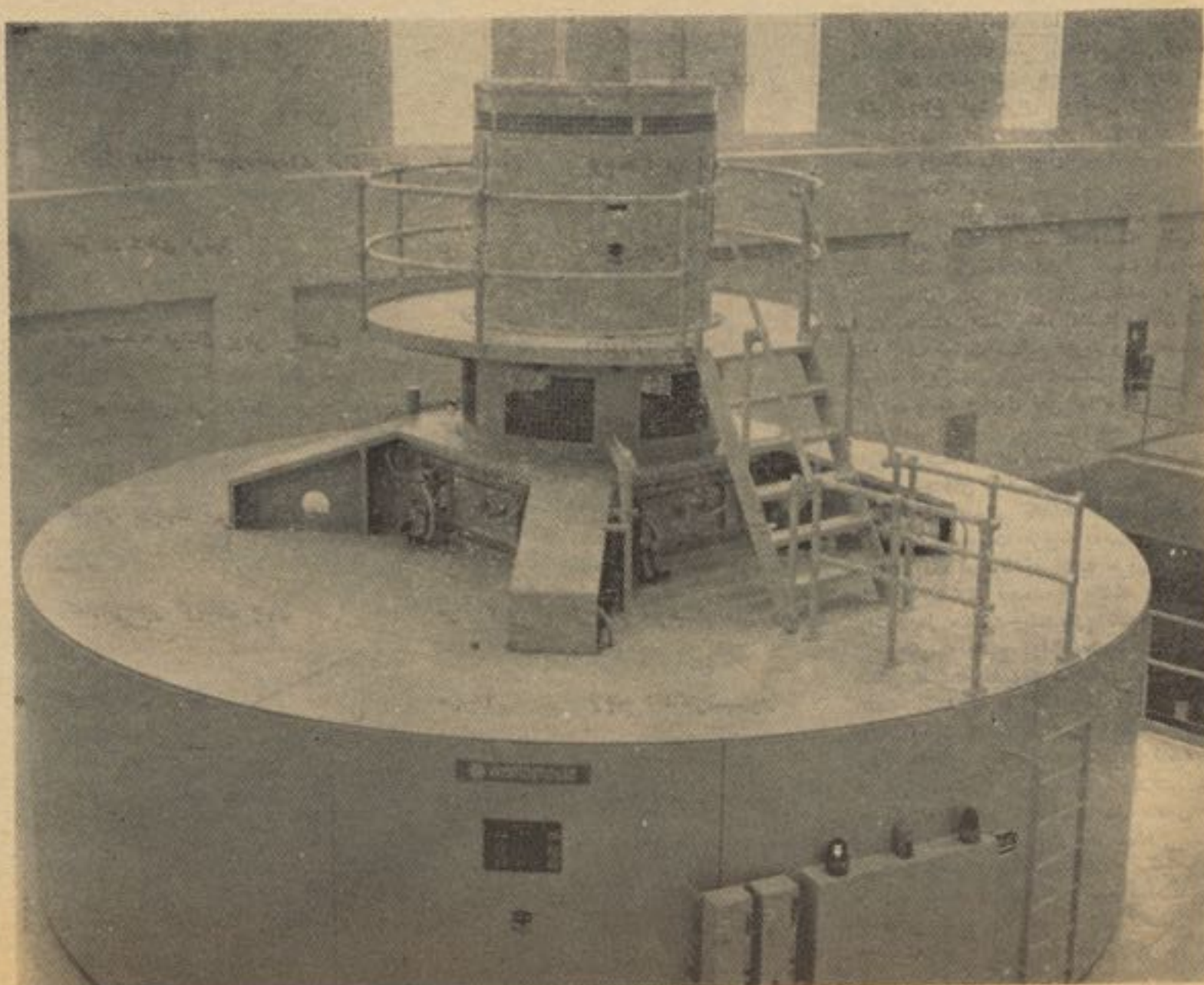


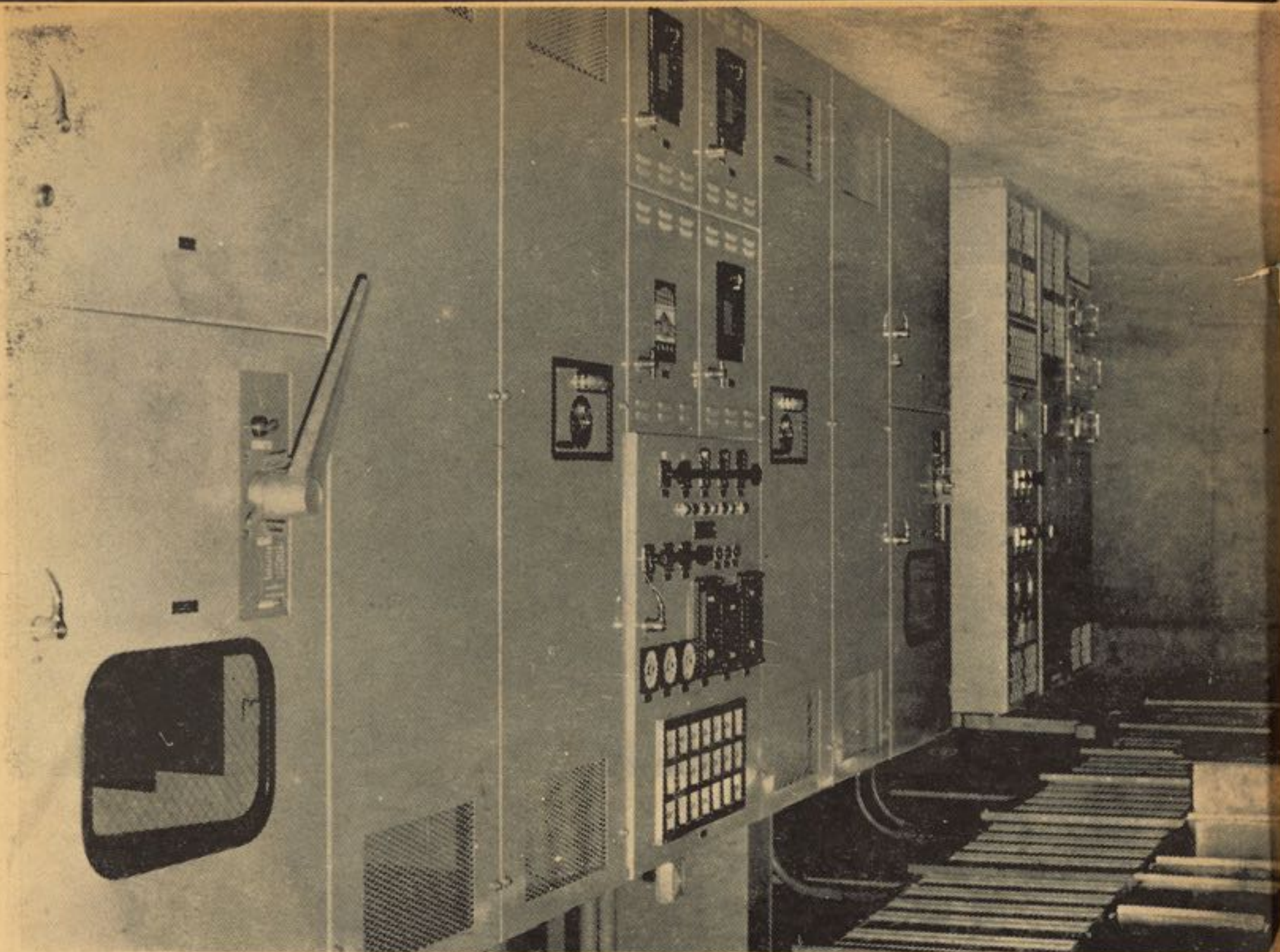
دور نمایی از دستگاه تولیدی برق کجکی

از گل احمد زهاب نوری

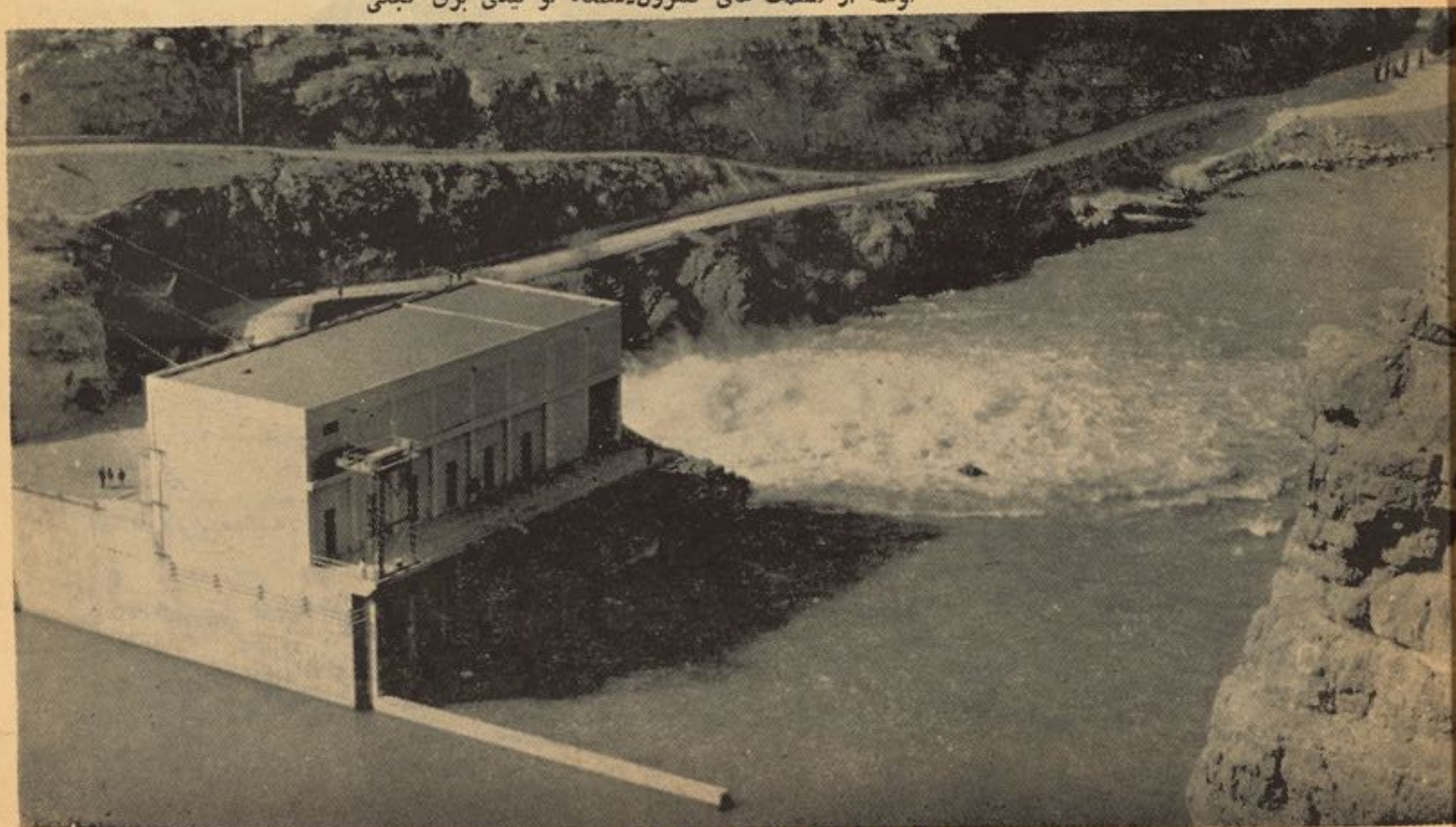
کجکی

به ظرفیت تولیدی ۴۹۵۰۰ کیلووات برق





گوشه از قسمت های کنترل دستگاه تو لیدی برق کجکی



منظره از دستگاه تو لیدی برق کجکی



دلیپ کمار در فیلم مدهوتی

آوان کود کی اش چگونه گذشت
و در آینده چه میخواست بشود .
عمر هنری دلیپ کمار «یوسف -
خان» چهره تراژیدی سینمای هند
گرچه وارد سی و یکمین سال خود
گردید، ولی هر گاه از نخستین
فلمش (جواربهاتا) که در سال
۱۹۴۴ به بازار آمد آخرین فلمش
«سگینه مہاتو» هنرش را بر رسی
نماییم در هر فلم و در هر قالب
خویش در خشیده و توانسته است با
توفیق کامل جایی برایش در قلبها
بدست آورد .

دلیپ کمار که در فلمهای
اخیرش عموماً تخنیک و احساس
دیالیتیک را در هم آمیخته و مرکب
تحسین آفرینی ، را خلق نموده ،
است ، در هر کجا بیکه نامی از
هنر بازیگری و یا هنر پیشه بمیان
می آید اسم دلیپ کمار در میان همه
مقام اول را حایز بوده و از هر
طرفی با احترام بی حد و حصری ،
یاد می شود .

ستاره های دیگر سینمای هند
بمقایسه دلیپ کمار که هر گاه
توفیق یابند و بتوانند دیدن چهره
هایشان را برای مدتی قابل
پذیرش همگانی نگه دارند ، بدین
شک در طول این مدت سی و یک
سال تعداد فلمهای شان از شماره
نود و پنج فلم تجاوز میکرد . ولی
دلیپ کمار که در پهلوی جمع آوری
پول نام و شهرت خود را نیز همواره
از نظر دور نداشته است ، تا حال ،
در کمتر از پنجاه فلم روی پرده آمده
است .

زیرا وی همواره از سیل پیشنهادات
فلمسازان تنها و تنها به آنانی
جواب مثبت می گفت که سناریو
و یادداشتان فلمش میتوانست چنگی
بدل این سمبول تراژیدی بسازند ،
و غلط نخواهد بود ، اگر بگوئیم
فلمی که بی بازار می آمد و روی
ریکلام آن دلیپ کمار نوشته میبود
مردم برای دیدن آن فلم سرو دست
می شکستند ، که این رش تماشا -

ژوندون



دلیپ کمار پدر تراژیدی سینمای هند



دلیپ کمار

ترجمه خان آقا سرور

از فلم فیر

نوشته بگرام سنگه

دلیپ کمار کیست و در طول عمر هنری اش در کدام فلمها روی پرده آمده است

او که در اوایل بمعاش سی و پنج کلدانشاگرد یک کانتین بود، چگونه به سینما راه یافت ...
روزی کف شناسی برا پیش پیشگویی کرد که اکتور معروفی خواهی شد ...

صفحه ۸



۳ - دلپ و وچنتی ما لا در فلم نیادور

- که از سال ۱۹۴۴ باینطرف روی لٹاچنتیس
برده آمده است با اسم عمبار یان
این بازیگر بی رقیب .
- ۱ - جوار بها تا ۱۹۴۴ -
مرید الله ، شمیم
- ۲ - پراتیما ۱۹۴۵ - سورن
لٹا
- ۳ - میلن ۱۹۴۶ - میرامسیرا، آشوک کمار
رنجنا
- ۴ - جگنو ۱۹۴۷ نور جهان
- ۵ - انو کهاییار ۱۹۴۸ نور جهان
- نرگس ، نالینی جیونت
- ۶ - گهر کی عزت ۱۹۴۸ ممتاز
شانتی
- ۷ - میله ۱۹۴۸ نرگس
- ۸ - ندیا کی بار ۱۹۴۸ کا متی
کوشل
- ۹ - شپید ۱۹۴۸ کا متی کوشل،
- ۱۰ - انداز ۱۹۴۹ نرگس -
راجکپور
- ۱۱ - شبنم ۱۹۴۹ کا متی کوشل
- ۱۲ - آرزو ۱۹۵۰ نرگس -
منور سلطان
- ۱۳ - بابل ۱۹۵۰ نرگس
- ۱۴ - جو گن ۱۹۵۱ نرگس
- ۱۵ - ریدار ۱۹۵۱ نرگس،
آشوک کمار
- ۱۶ - هل چل ۱۹۵۱ نرگس
- ۱۷ - ترانه ۱۹۵۱ مدھو بالا
- ۱۸ - آن ۱۹۵۲
- نادره - نمی
- ۱۹ - داغ ۱۹۵۲
- نمی - اوشاکون
- ۲۰ - سنگدل ۱۹۵۲
- مدھوبالا
- ۲۱ - شکست ۱۹۵۳
- نالینی جیونت
- ۲۲ - امر ۱۹۵۴
- مدھوبالا - نمی
- ۲۳ - فوت پات ۱۹۵۴
- مینا کماری
- ۲۴ - آزاد ۱۹۵۵
- مینا کماری
- ۲۵ - دیوداس ۱۹۵۵
- سجیتراس - وچنتی مالا
- ۲۶ - انسانیت ۱۹۵۵
- بینارای - دیوانند
- ۲۷ - اورن کپتولا ۱۹۵۵
- نمی
- ۲۸ - مسافر ۱۹۵۷
- سجیتراس
- ۲۹ - نیادور ۱۹۵۷
- وچنتی مالا
- ۳۰ - مدھومتی ۱۹۵۸
- وچنتی مالا
- بقیه در صفحه ۴۸

هفته روی وترین يك سينما به
نمایش باشد .
دلپ کمار که خوش دارد، همیشه
تنها باشد و بزندگی قسما تراژیدی
خودش بیندیشد توانسته است
درین او اخگر تراژیدی
راطوری بازآفرینی کند که عین
حقیقت است نه باز تابینی از حقیقت
که در فلمهای قدیمی اش آنقدر
مسحور کننده نبود، زیرا چنانکه
خودش هم می گوید تجارب طبیعی
حیات کمتر در هنر بازیگری قدیمه
اش دخیل بوده است .

دلپ کمار که در رولها یش در
واقع زندگی می کند، حتی در رو،
رول مختلف مانند (رام اور شیم)
آنقدر دقیق تمثیل نموده است، که
واقعا دو شخص جدا گانه یی بوده
اند که ایدا بیکدیگر شباهت نداشته
وندارند، که مثال های زنده یی
ازین قبیل تمثیل احساسی و ریالیستک
وی رادر کلمه فلمپایش و مخصوصا
«سگینه مہاتو»، مسافر، دیوداس
گنگاو جمن، و غیره ببوضاحت
تام مشا عده شده می تواند .
دلپ کمار که سینمارا می خواهد
نمایشگر داستانهای غیر از
موضوعات مروجی و میان تہی بوده
طرفداران زیادی داشته و هنوز هم دارد
پس نباید خود را بسایه دیوار کناره گیر
از نظر ها ناپدید نموده و زینده،
نخواهد بود که میوه هنر ش را
از هوا خواهان و دوست داران،
هنرش دریغ دارد .

این است فلمهای دلپ کمار



دلپ و سایرہ در صحنہ یی از فلم سگینہ مہاتو



دلپ کمار در مسابقہ کرکت
در بمبئی

چیان بخاطر آن نبود که فلمی را
می نگرند، بلکه عمله ایشا ناز آن
بود که بتوانند دلپ کمار را یکبار
دیگر به بینند .

فلمهاییکه در سال های ۱۹۴۰
مانند «دوشپید»، انداز، دیدار، داغ
نیارور و مدھو متی» ازین هنرپیشه
ببازار آمد، در هر فرصتی به
منزلہ سر مشق ستارگان پیشمار،
سینمای هند برونه و از هر قسمت
تمثیلی این فلمها استفاده می
بردند، چنانچه همین امروز چهره
های تازه به شهرت رسیده سینمای
هند مانند «راجیش کپنه و امیتا
بچن» نیز از مکتب دلپ کمار
به افتخار کامل پیروی می نمایند.
اگر چه فلمهای (ترانه)، امر، فوت
بات یهودی، لیدر، دل دیار، دلیا،
سنگهرش و داستان) نتوانست
آنطوریکه انتظار برده می شد برای
بازیگر رول اول افتخارات فوق
العاده یی بار آورد و با زار عایدات
برای سازنده گانش بدست
بیاورد ولی با آنهم نه تنها دلپ
از تمثیل خود در این فلمها ناراضی
نیست، بلکه فلمپایش هم توانست
مصرف فلم رابایک دستمزد کمتر
بجیب سازنده فلم سرازیر سازد.
مگر فلمپایی چون «آن»، «ارن» -
کپتولا، مغل اعظم و اندازه توانست
برای مدتی بیشتر از هفتاد و پنج



لحظاتی که باید شاگرد نتیجه‌ی یکساله را ببیند.



یکی از شاگردان درس هایش را تکرار میکند.

از تک سراب

هیچان امتحان پایان یافت

در شهر همه جاسخن از امتحان بود... جوانان از امتحان گفتگو داشتند... سالخور دکان، پدران و مادران نیز، بر امتحان چشم دوخته بودند... بر امتحان فرزندان صفحه ۱۰

شان... روزهای امتحان فرار سید... در... صحن لیه ها عیاهو بیاشد... رستی امتحان هیچان عجیبی دارد... آنها بیکه درس خوانده اند، آن هابیکه

برای رهنمایی درست‌شاگردان یکی از اهداف این وزارت بود.

منبع علاوه میکند:

در ساحة لیسه ها، به اساس ریفرم معارف، رشته های ساینس و اجتماعات در صنوف دوازدهم تعیین شد و از شاگردان بعضی لیسه های مرکز که شقوق ساینس و اجتماعات آن ها جدا گردیده، امتحان اختصاصی طوری گرفته شد، که هرگروپ از متعلمان رشته ساینس، مضامین مربوط و هرگروپ از شاگردان رشته اجتماعات مضامین اختصاصی خود را امتحان دادند...

منبع میگوید:

البته هدف از تعیین رشته در صنوف دوازدهم این است، تا جوانان در پایان تحصیلات ثانوی، به شقوقی که استعداد و علاقه دارند، رهنمایی و تشویق گردند... منبع وزارت معارف در پاسخ پرسش دیگری میگوید:

مکانکور پو هنتون که درین روز ها ادامه دارد، بصورت اختصاصی به دو قسمت ساینس و اجتماعات صورت می گیرد و جوانان مطابق ذوق و معلومات خود در قسمت مورد نظر حصه می گیرند...

یک منبع ریاست تدریسات ابتدایی وزارت معارف میگوید:

امتحان مکاتب ابتدایی مرکز و قسمتی از ولایات سرد سیر پایان یافت و شاگردان فعلا از رخصتی های زمستانی خود استفاده میکنند...

... لیسه هانیز روزهای آخر امتحان را سپری کردند. یکی از شاگردان لیسه رابعه بلخی در پایان امتحان تاریخ، گفت: انگیزه رقابت بین دختران در صنف و درس خواندن بصورت صحیح و بالاخره امتحان حقیقی سبب شده بود، تا تمام شب

هزار تالظه های پائین شب به درس خواندن بگذرانم... البته مانند من سایر دخترانی که آرزوی کامیابی را داشتند، سر سخته به تلاش آموختن درس های شان بودند...

ژوندون

زحمت کشیده اند و آن هابیکه در طی روزهای دراز سال باز یگوشی کرده اند... همه گرد می آیند، برپشته یز های امتحان می نشینند... قلم بدست می گیرند و در آزمون پایان سال، آنچه اندوخته اند، بار دیگر، بازگو می کنند...

در امتحانات سالانه مکاتب و لیسه ها، امسال یک انتظام بیسابقه دیده می شد، جوانان برای ماه های تحصیل، راضی به نظری رسیدند و این از اعتماد به نفس شان بود، از اعتماد به زحمات و حاصل شان حکایت میکرد و بالاخره از نتیجه سیستم تدریس بهتری که در سال های اخیر رویکار آمده... یک منبع وزارت معارف در برابر پرسشی گفت:

... با تطبیق ریفرم بنیادی دولت جمهوری افغانستان، معارف در کشور یا مفهوم وسیعی و بانایج سود مندی موقع خدمت یافت، همگانی شد، بروش استاد و شاگرد تاثیر انداخت و درس به مفهوم درس و دانش آموز بمنظور فرا گرفتن دانش در لیسه ها و مکاتب آمدند...

منبع می افزاید:

... با تطبیق قسمتی از پروگرام های ریفرم معارف در طی سال تعلیمی که پایان یافت، نحوه امتحان و تدریس، استفا ده اعظمی از وقت و بکار افتادن قوه استعداد و ابتکار شاگرد، قناعت بخش بود. توسط مکاتب ابتدایی و ارتقای دوره آن ارزش صنف به هشت صنف امسال مرحله دیگری را پیمود و بیشتر مکاتب ابتدایی دارای صنوف ارتقایی هشتم شدند، که البته این امر در بلند بردن سطح دانش و فکر اطفال مؤثر و نهایت سودمند است.

منبع افزود:

در ساحة معلمان مکاتب ابتدایی که اساس تحصیل جوانان را تشکیل میدهد، نیز وزارت معارف توجه داشت، بکار گماشتن معلمان ورزیده و مجرب در مکاتب ابتدایی

وی افزود :

روی همرفته در امتحانات امسال ارزیابی درست، برای گزینش شاگردان لایق و با استعداد، صورت گرفت. سوا لات امتحان طوری تنظیم شده بود، تا مقدار آموزش شاگردان، از آنچه که در طی سال خوانده بودند، بررسی شده بتواند.

یک منبع لیسۀ نادریه گفت :

شاگردان روز های آخر امتحان را میگذرانند و ما برای اینکه به سرعت بتوانیم نتایج عمومی را بدست بیاوریم و به نارغان موقع اشتراک در کانکور را بدهیم، ارزیابی نمرات را روی دست داریم. نتایج امسال قناعت بخش است و از علاقمندی شاگردان حکایت میکند.

لیسۀ حبیبیه امسال دو گروپ فارغان دارد، در رشته های اختصاصی سا ینس و اجتماعات.

یکی از شاگردان این لیسۀ در آخرین روز امتحان میگوید :

در سال های قبل وقتی کانکور را مدنظر می گرفتیم، بادلبرۀ عجیبی رویرو می شدیم اما امسال آنطور نیست، چه هر دسته می توانند، مطابق معلومات خود در رشته اختصاصی کانکور شرکت نمایند.

درین روزها هیجان امتحان لیسۀ ها در شهر کابل پایان یافته است و روز های استراحت و تعطیل را شاگردان آغاز نموده اند.



آمادگی برای امتحان، همه شاگردانرا به خود مصروف ساخته است.

یکی از استادان لیسۀ جمهوریت در مورد سوالات امتحان گفت: استاد از زحمات یکسالۀ خود میکند و منظور منظور از تحصیل دانش آموزی است، که از امتحان این نیست که شاگرد باید فقط این مرام در طی سال تعلیمی بر آورده می البته امتحان یک ارز یابی است، که برای امتحان درس بخواند و پس ... بلکه شود ...



شاید اینجا همه با پیروزی و موفقیت امتحان راسپری کرده باشد.

د امریکې په پوهنتونونو کې د ګرافیک هنر د ترمین ژباړه

ګرافیک هنر

ددغه هر کلي له لاری دی چه دنوموړی هنر په برخه کې د هنري څانګو یو زیات شمیر داوطلبان د ګرافیک هنرونو په څانګه کې خپل نومونه لیکي او وروسته بیا په هماغه څانګه کې د لوړو علمي درجو داخیستلو دپاره خپلو زده کړو ته دوام ورکوي. نننۍ زده کوونکي د پخوا زمانې د زده کوونکو په نسبت زیات امکانات لري او د پوهنتون په انتخاب کې نه یوازې د زده کړو څانګو ته بلکه د ازموینې څانګو دوسایلو ډول او څرنګوالی ته هم پاملرنه کوي.

د یو معتبره پوهنتون په یوه ګرافیک ستودیزو کې یوه ګټنه څرګندوی چه په دی ستو دیو کې دلیتو ګرافیک، حکاکي، او په زړه پورې چاپ دپاره د چاپ له وروستیو وسایلو څخه استفاده کېږي. نوموړی زیاتې چاپ ځانې دسترو چاپي کارونو دسره رسولو قدرت لري او د چاپ د ماشین ټول ډولونه له لاسي ماشینونو نه نیولی تر اتومات ماشینونو پورې لري، په دغو ستودیزو ګانو کې دغه راز د تور قلم په وسیله یا دلیتو ګرافیک او یا د سیلک دسکرین په روش د عکس د چاپولو وسایل شته په بل عبارت په دغو چاپخانو کې هم د کلیشي ډولونو عصری وسایل شته او هم د عکس اخیستلو د وروستی سیستم ماشینونه، اوزده

هنر پر مختللی یو له بین المللی لوبې په ترتیب سره جوړېږي او د زده کوونکو هنر مندانو، عقایدو، کتابونو او هغو مجلو د راځي ورکړې پروګرام عملی کيږي چه په ګرافیک پوري تړلی وي.

د ګرافیک هنر سره د خلکو د علاقې د پیاوړولو په اثر په ترتیب سره له پوهنتونونو څخه د نوموړي هنر د پیلو پیلو اړخونو په باره کې پوښتنې کيږي او ورځ په ورځ د هغو کسانو شمیر زیاتيږي چه د چاپ او ګرافیک په نندارتونونو کې ګډون کوي.

له دی امله داسې معلومیږي چه د پخوا په خلاف د خلکو له ناحیې څخه د ګرافیک هنر خواته پاملرنه مخ په زیاتیدو ده.

د پېژندنې سره علاقه یوه داسې پدیده نه ده چه د امریکې په یوې خاصی برخې پورې مخصوص وي خو یو داسې مشکل دی چه د امریکې د ګرافیک زیات هنر مندان ورسره مخامخ دي، پرته له هغو مشکلاتو چه د پوهنتون یو ماهر ورسره مخامخ دی په زړه پورې ټکي هغه زیات وړاندې تګ دی چه په دی څانګه کې له هنر څخه په وروستیو کلونو کې لاس ته راغلی دی. له ۱۹۴۰ کلونو څخه را په دېخوا و چه د ګرافیک څانګه د امریکې د پوهنتونونو د درسي پروګرام دیوې برخې بڼه غوره کړه. د هغو هلو ځلو په نتیجه کې چې د ګرافیک هنرونو د نندارې او د خورا ښو نمونو د راټولو او ساتلو دپاره وشوې ددغې دورې د چاپي کارونو په سل ګونو نمونې پاتې دي.

ددوهمې جېانې جګړې نه وروسته په امریکې کې ددغه هنر په وړاندې تګ کې خورا اغېزمن عامل دسر بازارو د زده کړې د څانګې د مرستې قانون دی چه دغه په اساس یو زیات شمیر هنر مندان چه د جګړې په علت یې د خپلې زده کړې جریان پری کړی و دنوموړي قانون د ښیګڼو څخه په استفادې سره پوهنتونونو ته راستانه شول او په خپلې علاقې وړ څانګه کې یې زده کړې ته دوام ورکړ، ددغه پروګرام د اجرا په نتیجه کې چې د چاپ او ګرافیک یو زیات شمیر کار پېژندونکو د زده کړې له سر ته رسولو وروسته په لېسو او پوهنتونونو کې د ګرافیک په تدریس پیل وکړ.

د چاپ هنر ۱۲ کاله مخکې په چټکۍ سره وده وکړه چه همدا اوس هم دوام لري. دغه پرله پسې پراختیا د تکنولوژي د پرمختګونو په مرسته ستره ورسیده او د خلکو پاملرنه یې نوموړي هنر ته را واړوله او څرنګه چه په نورو هیوادو کې هم ګرافیک

څو کاله دمخه یو امریکایي هنري منقد د پوهنتون د محصلینو د ګرافیک آثارو د نندارتون له کتنې نه وروسته دهغوی د هنري استعدادونو او ابتکارو رڼو داستاينې په باب یوه مقاله ولیکله او افسوس یې څرګند کړ چه ولې له دوی مره ذوق او ابتکار سره سره چه نوموړي محصلین یې د ګرافیک هنر په باره کې څرګندوی د هغوی د هنر اړخېست ته پوره پاملرنه نه کيږي. دغه انتقاد نن هم تر یوې اندازې پورې مصداق لري. ددی سره سره د هغو ذوق لرونکو هنر مندانو شمیر چه په دی څانګه کې فارغ التحصیل کېږي ورځ په ورځ زیاتيږي معمولا هغه کسان چه په امریکې کې د ګرافیک هنر په څانګه کې کار کوي ضروري پوهنتون لیدلی اود ښکلیو هنرونو په څانګه کې لیسانس او یا دلیسانس نه پورته تحصیلات لري. دوی غالباً دلیتو ګرافیک، حکاکي، سیلک اسکرین او ستر چاپ او د عکاسي د ټولو تکنیکونو په څیر د ګرافیک په ټولو څانګو کې پراخه معلومات او پوره تجربې لري. اوس نو وګورو چه دغه هنر مندان تر کومې اندازې پورې کولی شي چه په خپل کار او هنر کې یې یا لی شي؟



د شمالي کارولینا د پوهنتون یو زده کوونکی د لرګي په نقشي کار صفحه ۱۲ کوي.



دنوی مکسیکو د پوهنتون د زده کوونکو د چاپي آثارو د ګالري نندارتون یوه منظره



دسیاتل په ښار کښی دواشنگتن دپوهنتون دهنرونو په پوهنځی کښی دڅلور گونو کار خانو دیوی کارخانۍ یوه منظره



دفلوریدا دپوهنتون په گالری کښی دهنری نندارتون یوه خنډه .



دفلوریدا دپوهنتون دهنری نندارتون یوه بله منظره

کونکي دواړه طریقې زده کوی . معمولاً په پوهنتونونو کښی دچاپ ټول نوی او پخوانی وسایل په یو سالون کښی پږدی ، په داسی حال کښی چه پخوا په کار گاوو کښی د چاپ دسیستم یو ډول وجود درلود اوزده کونکي دچاپ د ډول ډول روشونو دیا ډولو دپاره له یوی کار خانۍ نه بلۍ کارخانۍ ته .

په نوی سیستم سره یعنی په یو سالون کښی دچاپ دډول ډول روشونو ، دستگاوو او ماشینونو په راټو لولو سره زده کونکي یو ډبل سره دټولو گرافیک هنرونو ارتباط عملاً رک کوی او دټو لوماشینونو د کار دطرز سره بلدپیری .

دگرافیک هنر زده کونکو او ددی فن ماهرانو ډول ډول عصری او آزمایشی طریقې او روشونه یو ډبل سره ونښلول او دهغو له ترکیب څخه خورا په زړه پوری آثار منځ ته راوړی . دا روحیه دهغه څه سره چه په پنځلسمه او شپاړسمه پیری کی یی وجود درلود او دهغه په نتیجه کښی دچاپ بیلو بیلو شکلونو تکامل وموند ورته والی لری .

په هماغی دوره کښی ؤ چه دچاپی تورو اختراع په لرگی او فلز باندی دحکاکی دهنر سره یو ځای شوه او دکتاپ دچاپ نوی هنر منځ ته راغی اوبالاخره دکتاپ دخپرولو دستر صنعت دپیدا یښت سبب شو ، البته دتکنو لوژی بدلونونه په همدی ځای پای ته ونه رسیدل ، ځکه ورو ، ورو دگرافیک دچاپ دهنر مند او ماهر دخلاقه فکر ځای دعکاسی ډول ډول ماشینونو او وسایلو ونیو دعکاسی دپیدا یښت نه مخکښی یو زیات شمیر گرافیک هنر مندان دکار داستاد یا کسبگر په نامه یا دیدل او دهغوی کار دهنر مندانو د آثارو کابی کول او ښکاره کول وو دهغه هنر مندان په واقعیت کښی دماشینونو په څیر وو او کار یی یوازی تقلید په زوره توگه کابی کول ؤ او خلاقه اړخ یی نه درلود خو ددوی له جملی نه یو لړ شمیر یی گرافیک هنر مندان ؤ چه کیدای شی هغوی دچاپ او دهمردیفو مجسمی جوړولو دپخوانیو استادانو په نوم وپیژنو ، په دی ترڅ کښی دپخوانیو استادانو په جمله کښی یو شمیر نور هم وو چه دگرافیک هنرونو په څانگو کښی یی مهارت تر لاسه کړی ؤ . زموږ په وخت کښی چه دهنر مند خلاقه قدرت دگرافیک هنرونو په

څانگه کښی دتکنو لوژی دنویس بدلونونو څخه دکتبی اخیستلو سره یو ځای شوی دی دچاپ په کار کی یی زیاته اغیزه کړی او هغه یی په منځ بیولی دی . دغه تحول له پوهنتونونو نه پرته په بل هیڅ ځای کښی دیادونی وړنه دی او داسی معلومیری چه ددغه پر مختک هیجان دپنځلسمی او شپاړسمی پیری دوختونو د شور او هیجان په څیر دی چه بشر هڅه کوی دارتباطونو نوی وسایل منځ ته راوړی .

داوسنی چاپ هنر مندان په څلورو فنی طریقو سره کار کوی . ستر چاپ ، حکاکی ، لیتو گرافی او سیلک اسکرین چه هره یوه دگرافیک هنر دبیلو بیلو برځو له نظره خاص ارزښت او اهمیت لری . شک نه شته چه دچاپ ، مرکب ، دستگاوو اودچاپ دوسایلو په څانگه کښی دتکنولوژی پرمختکو نو هریوه دچاپ دهنر مند دکار افق او دنظر ساحه زیاته کړی ده .

هنری منقدانو چه پخوا دزده کونکو دچاپی گرافیک دکارونو ارزښت ته دخلکودپا ملرنۍ دنشتوالی له امله گيله کوله اوس له هر ډول شک او تردید نه پرته دا خبره منۍ چه په دی برخه کښی زیات پرمختکو نه ترلاسه شوی دی . ځکه تقریباً دامریکی په ټولو هنری پوهنتونونو او گالریو کښی دزده کونکو چاپی کارونه ننداری ته وړاندی کیری او داسی ځایونه جوړ شوی دی چه دغه ډول هنری آثارونه یی دندارتونونه ورکړی ده او هغه پلوری . په زیاتو

هغو گالریو کښی چه پخوا دنقا شی او مجسمی جوړولو آثار پلورل کیدل اوس چاپی هنری آثار پلورل کیری خو دا تصور باید ونه کړو چه دبریا لیتوب دغه اندازه په کافی وی بلکه دگرافیک دڅانگی دزده کونکو دهنری کارونو دښودنی دپاره نوی لاری ولټولی شی ځکه هرڅومره چه استعداد لرونکی او ذوق لرونکی زده کونکی زیات تشویق شی ، په ښه و جبهه کولی شی چه نوی آثار منځ ته راوړی . په امریکی کښی ورڅ په ورڅ خلك دچاپ آثارو ته دیوی هنری څانگی په نامه زیاته پا ملرنه کوی اوددغه ډول آثرونو بازار تودپیری په داسی وخت کښی چه نقاشان او مجسمه جوړوونکی دخپلو آثارودپاره پاتی په ۴۸ مخکی

به صورت دلیغتر و عالی تر تصویر زندگی
کهن جوامع بشری را کشید .
همچنان دانش چون: روانشناسی ، جابجایی
شناسی و دیگران نیز در این راه خدمت
ستریکی انجام میدهند .

برخی از باستان شناسان در لابلای خاک
هابه کاوش نمی پردازند . آنان تر جیح
میدهند تا صورت نسبی ابدات تاریخی ، سنگ
قبور و بازمانده های جوامع ابتدائی چون:
زندگی ابروژن ها (پومیان استرالیایی .م .) و
چنگل نشینان پوتسوانا را از نزدیک مطالعه
کنند .

شیوه های جدید و کشف های نو به
باستان شناسان اجازه میدهد تا بروی برخی
عقاید و نظریات گذشته در این رشته خط
بطلان بکشند . تئوری های مبنی بر اینکه فلان
جای ((گهواره تمدن)) بود و فلز کاری و شهر
نشینی را به سایر نقاط انتشار داد و زجر حلات
شدید قرار دارد .

عقیده قدیمی مبنی بر اینکه سر خپوسان
امریکایی زیر تاثیر طبیعت تا مساعد زندگی
کوچگری داشتند نادرست میباشد . کشفیات
اخیر در امریکای لاتین نشان داده که جوامع
((می یان واتکان)) به مراتب از دولت های
کنونی در آن منطقه ، باشکوه تر و عظیم
تر بودند .

باستان شناسی جدید با خود نقد های هم
بهمراه آورده است .

ولی باستان شناسی جدید و کهن یک
فرضیه واحد را حایه میکنند و آن اینکه:
انسان کنونی باید از اشتیاق هات گذشته گشت
درس عبرت بگیرد و آن را تکرار نکند . توسط
تحلیل این پدیده که جوامع کهن چگو نه
با مشکلاتی چون : آلودگی - تکثر نفوس -
کمبود منابع - مساله جنگ و غیره دست و
پنجه نرم کردند میتوان راه حل های به
مشکلات موجود یافت . جمیس هیل باستان
شناس میگوید:

((اگر گذشته را خوب تشریح کنیم . آینده
را میتوان پیش بین بود))
این تشریح و توصیف با کشف آغاز
میکرد .

در سال های اخیر دانشمندان فزیک برای
باستان شناسان وسایل جدید برای پرده پر
داشتن از گذشته اختراع کرده اند . عکاسی
هوایی که توسط کمره های که در برابر طول
امواج مختلف عکس العمل نشان میدهد
تغییرات کوچک در تعقیق و کاوش را در بر
گرفته و ساختمان های باستان نی را که در دل
زمین پنهان باشد علامه گذاری می کنند .
دانشمندان فضای که در جستجوی منابع جدید
در زمین اند به دنبال مناطق کهن و باستانی
نیز می گردند .

ماشین های ساده نشانده هنده فلزات ،
قدرت ان را دارند تا اشیا فلزی را که در عمق



شهر تاریخی کار تازه زمانی مرکز تمدن فنیکی هارا می ساخت .

کاوش برای دریافت گذشته های دور

ترجمه : دهبو

زندگی دیروزی بشریت بروی کاوشگران
دانش باستان شناسی ، بازگشت . باستان شناس
سی انطوریکه طبیعت این دانش می خواهد
آهسته آهسته و با حوصله زیاد رد پای
گذشته را دنبال میکند ولی این دانش به
بنازگی در وسط انقلاب نوی قرار دارد .

دیگر مطالعه تاریخ ، تئوریا بون در بسته
فرما نروایان پارینه که زمانی مردان و زنان
با فرو شکوه بودند دریند نمی ماند . امروز
باستان شناسان سعی میکنند یک تصویر
کامل و تمام نهایی شهرهای کهن و اجتماعات
گذشته - معصو ما روش زندگی طبقات
عادی مردم - در آن جوامع را ، بیرون بکشند .
داکتر ویلیام گواز موزیم پو هنتون
پنسلوا نیامی نویسد که :

((ما دیگر تمام توجه خود را در معابد
باشکوه و قصرهای بابر ج های بلند متمرکز
نمی سازیم . اکنون ما علاقمندی زیادی به شناخت
رفاه تمام افراد جامعه و چگونگی اقتصاد
آنان داریم .))

این برخورد تازه به صورت چاره ناپذیر
نرم جدید را در باستان شناسی به میان آورد که
میتوان آنرا «باستان شناسی جدید» خواند
که ساحة وسیعتر را در بر میگیرد . برای
برده برداشتن از زندگی گذشته گان ، دانش
بشری وسایل نوی چون: کمپیوتر - معا سبه
ذره ای ، و حتی کمره های که بر اقماع مصنوعی
نصب است در خدمت دارد که بوسیله آن

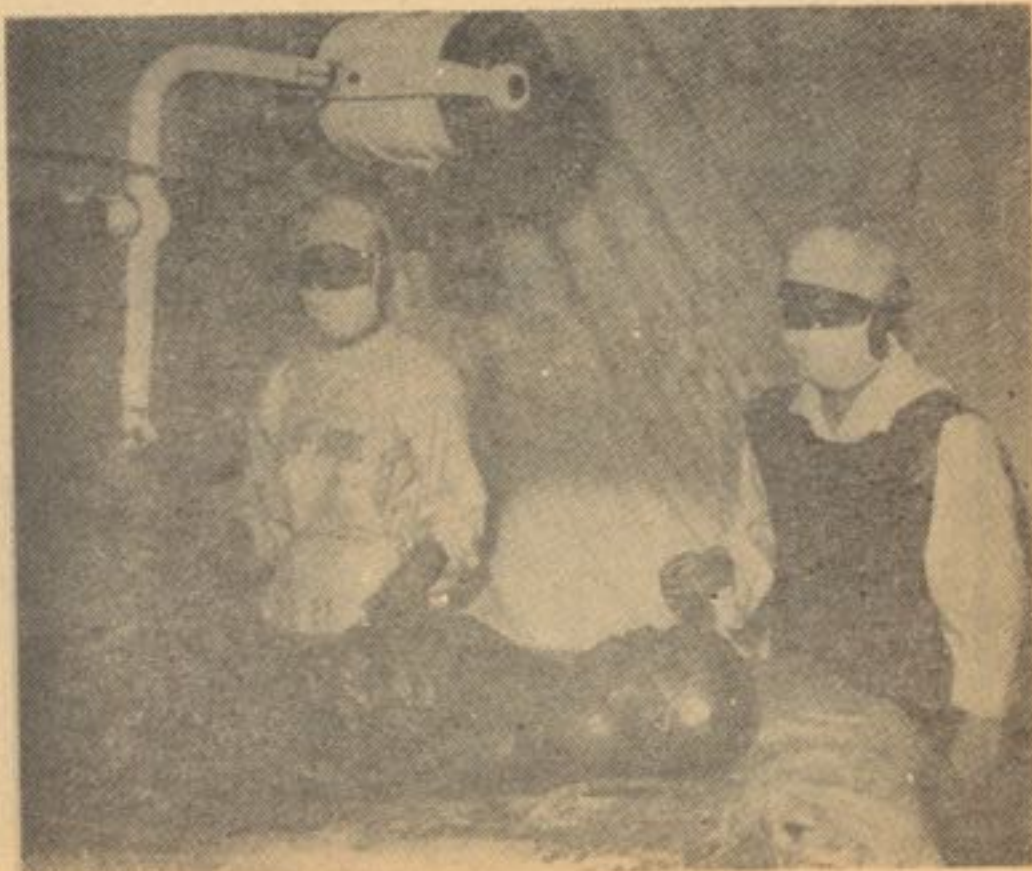
بر پایه های افقی سوار بود ، کار گرفتند .
بعد تر پس از آنکه خاک و گل را از روی
این آثار توسط فشار آب عقب زدند ،
کاوشگران بدون گشتی راه یافتند .

در عین حال اشیا مهم ویر از زمین توسط
بالونی به گشتی بی که در سطح آب به همین
منظور قرار داشت انتقال داده شد .

گشتی های غرق شده مواد فاضله دیروزی
میتواند در بجه های مطمئنی برای شناخت

در زرفای یکصد و چهل فنی بخیره ایژن
که کمی از سواحل ترکیه فاصله داشته و آن
را بنام گوه ((یامسی او)) می خوانند غواصان
بالباس های ضد آب در جستجوی لاشه گشتی
رومی آرند .

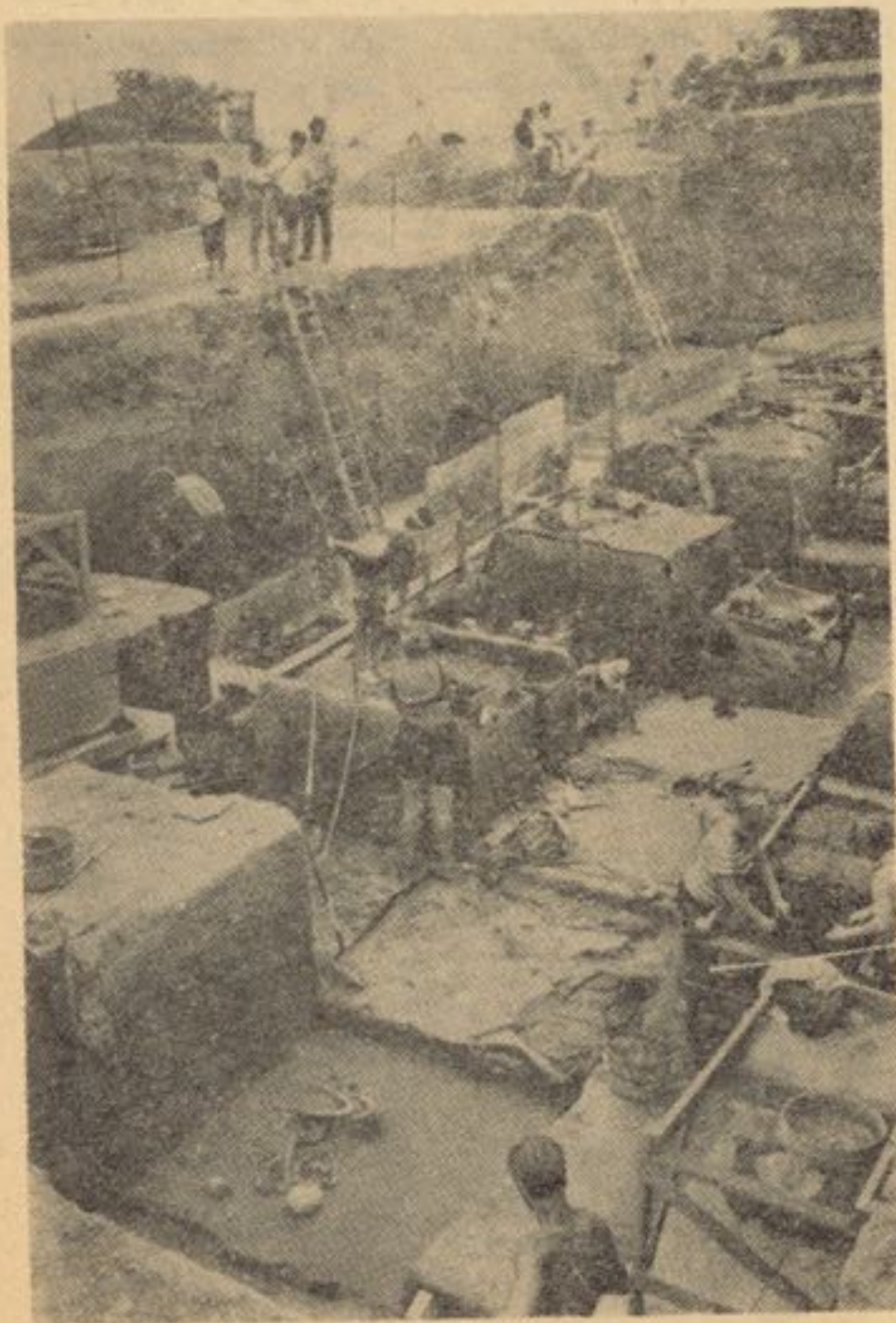
بعد از اینکه لاشه گشتی شکسته را توسط
یک کمره تلویز وئی بدقت دیدند از آن
عکاسی نموده برای دریافت عکس روشنتر
از رو شنایی انداز های قوی و کمره هاییکه



چند مرد پیری که ۲۰۰۰ سال عمر دارد .



این دختر موهایی شده از پای شل بود



در شهر کامپزویل ، باستانشناسان پرده از روی تاریخ بومیان امریکایی دارند .

۳۰۰۰ سال پیش پنهان شده باشد نشان بدهند . هفته پیش یک دلال نیویارکی توسط آله نشانداده فلز که آن را خودش هنگام تفریح در خانه ساخته بود توانست تا یک مجسمه مفرغی ((هادرین)) امپراتور روم را در بحیره کالیلی کشف کند . الیزابت رالف و گروه همکاری از موزیم یو هنتون پنسلوانیا با وسیله مجهز تری که بنام ((نمایش دهنده مغناطیس)) یاد می شود اکنون در شهر قدیمی سیارسیس یونان به کاوش مشغول اند .

انستیتوت تحقیقاتی ستانفورد مشغول تجربه راداری اند که شعاع مستقیما به زمین می تابند . انعکاس این شعاع اندازه و شکل گنجینه های تاریخی را که زیر هزاران خروار خاک غنوده اند نشان میدهد .

اکنون باستانشناسی در محدوده کاوش بر روی زمین در بند نهانده و بسوی کشفیات زیر دریایی روی آورده اند .

جورج باس بیش از پانزده سال است که روی لاشه های ویران کشتی های قدیمی که تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد می رسد در بحیره مدیترانه مشغول کاوش است .

اودریافت که بسیاری اموال کشتی های غرق شده در وضع بسیار عالی دست نخورده مانده اند . این باستان شناس ۴۱ ساله می گوید که :

((خود کشتی عاصحه ای گسترده برای کاوش باستانی بکار می رود . هر چیز که در آن زمان ساخته شده بود اکنون می توان در اینگونه کشتی ها یافت . جای شگفتی است که انبیا در زیر آب نسبت بر روی زمین محفوظ تر مانده اند .))

شیوه های که باس در تحقیقات زیر دریایی خود انجام میدهد از شیوه های کاوش خشکه تقلید شده است .

برای برهنه کردن اشیا از گل و لای هوای زیر فشار زیاد بکار می رود . برای انتقال اشیا از یک بالون کار می گیرند . نقشه های به اصطلاح ((هوایی)) توسط زیر دریایی ها یا غواصانیکه حامل کمره اند تکمیل میگردد . از آلات نشاند هنده فلز نیز کار گرفته میشود دستگاه تلفون زیر دریایی همیشه حیات تحقیقاتی را با سطح آب پیوند می دهد .

بزرگترین کشفی که در ساحة شناخت آثار باستانی بمیان آمده شیوه بکار بردن کاربن ۱۴ برای تعیین عمر اشیا قدیمی است . این روش توسط ویلارد لیبی کیمیا دان یو هنتون شیکاگو کشف شد .

این شیوه برای تعیین عمر اشیا که زمانی زنده بودند بکار می رود . موجودات زنده حیوانی و نباتی هنگام حیات مقدار کم رادیو اکتیف از کاربن معروف به کاربن ۱۴ می گیرند . هنگامیکه می میرند این عملیه پایان می یابد و ایزوتوپ های رادیو اکتیف با

شماره ۳۹



نقشه ای که کار تحقیق را در عمق بحر نشان میدهد.

میلاد ۸۰ هزار پیش از میلاد می رسد در جقوری مرگ ناشی از گر سنگی ویا ویرانی اینجا دانشمندان رشته های مختلف مانند نبات شناسی - حیوان شناسی - کیمیا احصائیه و غیره مشغول جمع آوری ارقام اند.

همچنان محل دیگری در کنار دریای شند هوای ویر چنیا زیر کاوش دا کتر ویلیام گاردنر از پو هنتون کاتولیک واشنگتن می باشد. در اینجا نیز نمونه های از زندگی مردمان بومی امریکا کشف شده است.

«مردمان اصلی امریکا که به سرخپوستان معروف اند، خشن، نامنظم و لوده نبودند، آنان زندگی ثابت و عالی بدون اینکه از تکنولوژی کار بگیرد داشتند»

باشندگان او لیه این قاره همیشه در لیه کار میکرد داشتند»

بفیه در صفحه ۵۶

ژوندون

ظروف گلی در گرفته تاکنون توسط جر یان رادیو اکتیف معلوم می شود. توسط گرم کردن نمونه این ظروف و بکار بردن آلات مجهز دانشمندان عقیده دارند که تاریخ دقیق ساختن ظروف گلی تعیین شده میتواند.

باستان شناسان پو هنتون پسنلوا نیا با بکار بردن این شیوه در دره بان چیانگ واقع تایلند که پیش از مدت ده سال است در اینجا مشغول کاوش اند به این نتیجه رسیده اند که برخی ظروف اینجا ۳۵۰۰ سال پیش از مسیح ساخته شده است.

به این ترتیب آلات مفرغی که در بان چیانگ ساخته شده ۵۰۰ سال قبل تر از اشیای مفرغی است که در شرق میانه ساخته شده است.

اکنون فکر میشود که ممکن عصر مفرغ در جنوب شرق آسیا طلوع کرده باشد نه در شرق میانه. ولی جستر گورمان رئیس هیات باستان شناسی عقیده دارد که امکان دارد عصر مفرغ در نقاط مختلف دنیا جدا از هم پیمان آمده باشد.

شواهد بیشتر زمانی به دست آمد که شیوه تعیین عمر توسط کاربن ۱۴ را در اروپا بکار بردند. با این روش فهمیده شد که برخی آثار در انگلستان و جزیره های ایری، کهن تر از اهرام مصر و غیره می باشد. ولی برخی دانشمندان می گویند که «روی نتایج تجربی نمی توان حکم قاطع صادر کرد».

در امریکای شمالی اکنون باستان شناسان مشغول مطالعه تغییرات اجتماعی جوامع مختلف اند. لوئیس بنفورد از پو هنتون



هيات باستانشناسی مشغول پرده برداشتن از روی تاریخ کهن

نوشته از: پیروز مند کوه گدا



ترس دختران از گپ و سخن مردم

سهمگیری دختران در فعالیت های اجتماعی نمایندگی از بسی باکی آنها نمی کند دختران به پشتیبانی و تشویق بیشتر مردم احتیاج دارند.

در پروگرام هنری پوهنخی ساینس که در ادیتوریوم پوهنتون برپا شده بود چهره پر درخششی در بخشهای موسیقی و نمایشنامه نمایان گشت.

که با استقبال پرشور تماشاگران مواجه گردید و نقش خود را به بهترین صورتی به پیش برد. نا مش خدیجه است و محصل سال دوم پوهنخی ساینس بوده و رشته کیمیا و بیولوژی را دنبال میکند.

این چهره هنری شیرین کلام با قد بلند و باریک و خوش ترکیبش سخت گیر است و مسحور

خدیجه دختریکه همیشه میکوشد تا بر نمایشنامه ها و کنسرت های پوهنتون سهم بگیرد.

کننده است معرفی این چهره به خوانندگان محترم ژوند و تشویق بیشتر او به ادامه سهم گیری در فعالیت های هنری آینده پوهنتون اساس گفت و شنودی را میسازد که با وی صورت گرفته است.

بروز مو عود پس از معرفی، خودش آهسته و آرام بر چوکی نشست به پاسخ دادن پرسش ها آماده گردید.

نخست خواستم تا از اشتراک خود در پروگرام های موسیقی و نمایشنامه پوهنخی خود و هم پیرامون سهمگیری دختران در فعالیت های سودمند اجتماعی گپ بزنند.

به آرامی و متانت گفت: من برای آن در بخشهای موسیقی و نمایش نامه فاکولته خود اشتراک کردم تا نخست راه ناهموار و دشوار سهم گیری فعالانه دختران را به این گونه فعالیت های سودمند اجتماعی هموار سازم و از سوی دیگر تشویق خانواده و علاقه خودم به حیث یک محصل پوهنتون انگیزه بود که بموجب سهمگیری من و رونق نمایشات پوهنخی گردید.

پیغله خدیجه پرسش دیگر مرا چنین پاسخ گفت: برای اینکه دختران به آرامی و متانت گفت: من برای آن در بخشهای موسیقی و نمایش نامه فاکولته خود اشتراک کردم تا نخست راه ناهموار و دشوار سهم گیری فعالانه دختران را به این گونه فعالیت های سودمند اجتماعی هموار سازم و از سوی دیگر تشویق خانواده و علاقه خودم به حیث یک محصل پوهنتون انگیزه بود که بموجب سهمگیری من و رونق نمایشات پوهنخی گردید.



خدیجه میخواهد تا ترس های که مانع پیشرفت زن است از میان بردارد.



روز ششم نوا مبر بالشوی تیاتر
کا نون بزرگ رقص با لت در شوروی
ازدواج دو هنر مند دلپا ختره
را اعلام داشت .

نادیزدا پاولو وا هنر پیشه
جوان و مشهور رقص با لت رول
عمده رادر بالت «گیسلی» به عهده
داشت. درین نمایشنا مه او لیسن
بار با پاولووا شخصی حصه داشت
که امروز شریک زندگی او یعنی
چسلاو جور دیف است.

قضیه طور یست که در آن چند روز
قبل از آغاز تمرینات نمایشنا مه
گیسلی در بالشوی تیاتر پاولو وا
با چسلاو جور دیف رقص معروف
تیاتر که بیست و هفت سال عمر
و در هنر تیاتر هم سیاه بقیه طولانی
رادارا است ازدواج کرد.

مراسم عقد نکاح این دو هنر -
پیشه با استعداد شوروی در یکی از



روز ششم نوا مبر پاولووا
عوض تمرین و مشق هنری به پای
میز عقد نشست و باین صورت،
زندگی نوی را آغاز کرد.

از منابع شوروی

پاولووا رقصه مشهور کرد

قصور که برای برگزاری همجو مراسم
در مسکو وجود دارد برپا شد .
پاولو وا قبل از اینکه در رقص
بالت بمقام پروفیسوری نایل آید
به شهرت رسیده و محبوبیت او در
جهان هنر نزد مردم شوروی ثابت
و آشکار بود .
این رقصه قبل از دریا فست
جایزه ممتاز هنری (گران پریکس)
که از اشتراک در دو مین مسابقات
بین المللی بالت حاصل کرده بود،
سه سال تمام به حیث هنر پیشه،
معروف جای در عالم هنر داشت
او، همیشه به حیث اولین



پاولووا با شوهرش جور دیف در نمایشنا مه «گیسلی» در
حال رقص بالت .

ه‌ا بود به‌حیث قهرمان در یک نمایش نامه دیگر با لت به نام (دردسر زیاد برای هیچ) کار میکنند مو زیك این نمایشنا مه را کمپو زیتور معروف شوروی تایخون کیرنیکوف بعد ه دارد . قرار است این نمایشنا مه که در آن هنر مندان مشهوری مصروف کار استند در ماه دسا مبر برای او لین بار روی پرده بیا یدر به‌نمایش گذاشته شود .

پاولووا در بخش های بسیار حساس نمایش نامه به رقص می پردازد شو هر ش یاچسلاو جوردیف مردم وفق این نمایشنا مه است .



۴ - پاولووا و جوردیف بعد از طی مراسم رسمی به تبریکات صمیمانه یکی از دوستان جواب میدهد .



پاولووا در بلشوی تیاتر از طرف تماشاچیان استقبال می شود .

مترجم - ارشادی

شوروی ازدواج

هنرپیشه یاد می شد و در دنیا ی هنر هنرش تابندگی خاصی داشت بعدا وقتی پاولووا با کمپنی مشهور بلشویه به همکاری بر خاست سفری بامریکا کرد و در قلم مشترک شوروی، امریکا بنام «پرنده آبی» که توسط جورج غفور دایر کت شده بود حصه گرفت چون پاولووا ، درین فلم ماهرانه روشی را ایفاء کرد شهرتش آفاق تر گشت و بر سر زبانها افتاد . این روزها پاولووا و تحت رهنمایی های مرینا سمیو نووا که رقاصه نامدار جهان بالت در گذشته



هنر در ایالات متحده

پیوسته بگذشته

از: حامد نوید
ثبت و حفظ نماید، که این خود ترقی
ذهنی بزرگی است در سیر تمدن
بشر.
نتیجه عمو می ایکه از مطالعه
هنر مصر می گیریم عبارت از
تحول مادی و معنوی پدیده است
که نه تنها تغییر زندگی بشر را از
نگاه شکل جوامع و انکشاف و سا یل
تولید نشان میدهد بلکه نمائگر
گرایش انسان بسوی فلسفه
های متکا ملتر و اندیشه های مترقی
تر است.

(۱) - به قرار تعریف انسایکلو
پیدیا بر تا نیکا و انسا یکلو پیدیا
امریکا نابین سمبول و علامه چنین
فرق کرده می توانیم علامه یا نشا ن
چیز یست که بیا نگر خود باشد و
سمبول آنچه مفکوره و یا چیز
دیگری را بر علاوه خود تشریح
بدارد.

دادن مجسمه های ریلیف (نیمه بر
جسته) تزئین تعمیرات و بنا لا خره
برای هدف عمدتاً تری یعنی نوشتن
استفاده می کردند.

خط تصویری (یا هرو گلیف
که بنام کاشف آن هنر گلیف
باستان شناس فرا نسوی بعد از
قادر شدن به خواندن آن در سال
۱۸۳۰ موق شد یاد گردید) سنتیزی
است از قدرت تصویر و برداشت
انسان از یکطرف و بیانیگری ای
سمبولیک هنری از جانب دیگر.

یعنی انسان در هر مرحله مد نیت بر
سطح فکری و هنری رسید تا با بکار
بردن علایم (۱) در ابتدا و سمبول
ها (۲) مفکوره اش را برای انسان
های هم عصر محیطش بیان کند و
حتی آنرا برای نسل های آینده اش

بهترین مثال مادرین مورد معبد
بنی ها شم و پیکر بز رگ سسی
فینکس است آنچه از نگاه سبک در
هنر مجسمه سازی حایز اهمیت
می باشد همانا اختلاط عنصر انسانی
با حیوانات است و شاید این امر
زاده طرز تفکر و عنعنات بین النهرین
و شرق میانه بوده باشد. باز هم -
بهترین مثال درین مورد مجسمه سی-
فینکس کبیر است که سر آن انسان
و بدن مجسمه شیر بزرگی در حال
نشسته می باشد.

آنچه در مورد هنر نقاشی در
مدنیت مصر کهن گفته می توانیم
عدم استقبال این هنر است
که با وجود تکاثف مفکوره های
متنوع تا اندازه تابع هنر مجسمه
سازی و مهندسی بوده است. یعنی
هنر نقاشی برای مصریان قدیم
وسیله بوده که از آن برای شکل

شکل هر م غزه را به
خود گرفت، آنچه برای ما از نگاه
سیر انکشاف تمدن در مورد اهرام
اهمیت دارد. انکشاف مفکوره
های انسانی است که این انکشاف
چه از نگاه ساختمانی و چه از
نگاه هنری حایز اهمیت بوده
است. آنچه می توان از مطالعه
اهرام دریا فت کرد همانا ارتباط
یافتن هنر باریاضیات و انجیری
ساختمانی است که خود سطح
انکشاف فکری مصریان قدیم
را نشان میدهد.

طوریکه در گذشته گفتم هنر
مصر بصورت یک کل شکل اختلاط
یافته هنر های مهندسی مجسمه
سازی و نقاشی است چنانچه هنر
مجسمه سازی در مصر باستان
شکل تعمیراتی را به خود گرفت و

خصوصیات هنری مدنیت‌های شرق میانه و آسیای مرکزی هزاره سوم و دوم قبل از میلاد مسیح



مجسمه دیلیف یانیمه بر جسته ایکه
مربوط به فستج «نارماسین» فرما نروای
بین النهرین بر آسیای صغیر است (۲۳۰۰ ق
م)، موزه لوور فرانسه



مجسمه اشراف زاده سو مری (۲۷۰۰ ق م)
این مجسمه که از سنگ آهک تراش و
چشمهای آن بالاچورد تزئین یافته است
۹ انچ ارتفاع دارد و از جمله آثار قیمت
دار موزیم بوختون پسنلوانیا اضلاع
متحده بهشمار می رود .

حتی نشانه های موجود است که
روابط تجارتي بین مردمان بین النهرین
واهایی وادی اندوس موجود بوده
بقیه در صفحه ۶۲

پنج هزار سال پیش از امروز که دارند سابقه خوب و تجارب زیادی همزمان با آغاز مدنیت مصر شالوده
مدنیت های دیگری جهان کهن، چون بین النهرین، وادی ای اندوس وادی ارغنداب و سواحل غربی
آسیای صغیر (مدنیت بحیره اژه) پیریزی گردید، که ارزشهای فرهنگی آن تا زمانهای مدیدی در
کرکتر بخشیدن مدنیت های مابعدی نقش ارزنده داشته است. این دایره های مدنیت بر خلاف تمدن مصر
محدود بخود نبوده بلکه تماس های فرهنگی ای بین شان موجود بوده است. مخصوصاً مدنیت بحیره اژه
که آنرا میتوان به منزله پلی خواند، عبور دهنده ارزش های هنسری و فرهنگی شرق به جهان هلفستیک
سال دومی درینمورد مدینتی است که در وادی ارغنداب در هزاره سوم و دوم ق م به ظهور رسید. شواهد تاریخی
ایکه از مندیک شمال قندهار در اثر حفريات سال بدست آمده گواه تماس کلتوری بین تمدن وادی اندوس
و تهذیب سو مری است که به نام مدنیت اندو سو مری بین باستان شناسان معروف میباشد. حفريات
باستان شناسی سال های اخیر که اکثراً در افغانستان صورت گرفته ثابت ساخت که ارتباط و نزدیکی
های بین انسانهای این منطقه جهان حتی در دوره نیو لیتیک (سنگ جدید) موجود بوده است.

البته ظهور مدنیت چین در هزاره دوم ق م (حوالی ۱۵۰۰ ق م) با مدنیت بین النهرین تماس مستقیمی
نداشته است اما تأثیر آن بالای مدنیت های آسیای مرکزی در قرون مابعدی مشاهده شده میتواند.
به هر حال هدف عمده این ارزیابی بر رسی ای تماس فرهنگی بین پدیده های هنری مدنیت های
کهن شرق است.

مدنیت بین النهرین:

چهار هزار سال پیش از میلاد
مسیح اقوام سومری واکاد در نقطه
تماس دو رود دجله و فرات اساس
مدینتی را گذاشتند که سیستم
اقتصادی آن بالای زراعت استوار
بوده و میتوان آنرا شکل پیش رفته
تر طرز زندگی دوره سنگ جدید
خواند. این دایره مدنیت کوچک
با ورود اقوام دیگر چون سامی ها،
کلدانی ها، هیتی ها، عبرانی ها،
آسوری ها، هخامنشی ها، پارتها،
فارس ها، سلوخی ها، ساسانی ها
وبالا خره اعراب مسلمان، بزرگتر
گردید و در دوره های مختلف سیر
نکامل تدریجی خود اشکال مختلفی
را بخود گرفت. از همین روست که
برخلاف مدنیت مصر شیوه های
هنری تخلفی در بین النهرین به

مشاهده می رسد. عقاید مذهبی،
نقش فرمانروا و طرز زندگی
متفاوت علت دو می این اختلاف بوده
است.

باوجود آنکه اقوام مختلفی باعقاید
متفاوت در بین النهرین قدیم می-
زیستند و نمی توان تأثیر عقاید
مذهبی هر کدام آنرا درین بر رسی ای
مختصر بالای هنر بین النهرین-
تشریح کرد اما با آنهم به جرئت
میتوان گفت که احوالی بین النهرین
از نگاه عقیده دریک بن بست فکری
متفاوت از مصریان قرار داشته اند.
اعتقاد بزندگی ای بعد از مرگ
باشدتیکه در بین مصریان قدیم شیوع
داشت نزد باشندگان بین النهرین
موجود نبوده است. سومری ها
واکاد ها باشندگان اولی بین النهرین
اعتقاد به ارباب انواعی داشتند که



شیر زخمی ۶۵۰ ق م سوزیم بر تانبه

تیم منتخبه فوتبال به وطن برگشت



روسای تیم های اشتراك كننده مسابقات را تماشا می کنند .

همیشه شكایت از نبودن ترینسر از طرف اعضای تیم بالا میشد و لی بسیاری از مسئولان به آن و قعی نمی گذاشتند و بجواب می گفتند که محل تمرین است یکنفر ترینسر داخلی است ، غذای خوب و لباس و سامان و وسایل ... و غیره همه بدسترس آنها گذاشته شده پس چرا آنها از حالت اولی خویش خود را نمی کشند ؟ در حالیکه دیده شد رول عمده را ترینسر خوب دارد ، تیم ما که در گذشته ترینسر نداشته اکنون با داشتن خو بهترین و پسر آوازه ترین ترینسر در طرف چسند هفته توانسته خود را بجا یسی برساند که به آینده اش د یگران را متیقن سازد .

از بناغلی عثمانی پرسیدم : چه چیز بهتر در تیم فوتبال دیدید و در کدام خط بهترین ورزشکاران را داشتید ؟ که بجواب گفت :

از همه مهمتر سیستم جدیدی که بنام ۸ یاد میشود در میان تیم ما مخصوصا در لحظات حمله بخوبی نمایان میشد همچنان ورزشکاران ما قادر بودند در هر لحظه که خواسته باشند بدون آنکه سکتگی در کارشان دیده شود می توانستند رنگ و رخ میدان را تغییر دهند و بازی را تسبیل نمایند .

از همین رو باوجود آنکه تجارب ورزشکاران مادر همچو مسابقات خیلی کم بود تیم مقابل نمی توانست بر تیم ما نفوذ کند ، ما در هر سه خط یعنی حمله تیم مدافع و دفاع اشخاص خوب داشتیم و لی از دفاع باید یاد آور شد که خیلی عالی بود ، نقص عمده را در کورتاهی قد ورزشکاران ما می توان یاد آور شد .

تیم فوتبال افغانی که شا نژده روز را در کشور عراق سیری نمودند بعد از انجام يك سلسله مسابقات و گرفتن نتایج قناعت بخش بوطن برگشتند .

ممکن است در ذهن بسیاری از شما این کلمه که قناعت بخش میگوئیم عجیب آید زیرا برای مسابقات فایتل انتخاب نکردیدیم ولی وقتی بازی ورزشکاران خویش را با مقایسه با بازی های که در کشور کویت و پاکستان و یا در کابل بمقابل تیم های خارجی انجام میدادند مقایسه کنیم نه تنها کار آنها را قناعت بخش میخوانیم بلکه آنها را عالی هم میگوئیم زیرا تیم هائیکه در مقابل تیم ما قرار داشتند از جمله تیم های بیست که در آسیا نام دارند از آن جمله تیم کشور عراق و عربستان سعودیست که نه تنها سابقه خوب و تجارب زیادی را دارا هستند بلکه بهترین ترینسر را هم با خود دارند ، در گذشته

های داشته باشند و هم با توجه که در مورد آنها میشود نتیجه بدست آورد و نامی نصیب تیم فوتبال ما گردد .

افغانستان که در ده سال گذشته همه مسابقات جام آسیایی را بی نصیب بود یعنی در ده دور گذشته از حق خویش استفاده ننموده بودند امسال با استفاده از حق العضویت اسم خویش را در میان گروپ دوم که در کشور عراق با بیست جمع میشدند یافت ورزشکاران خود را گسیل داشت تا بروند و مسابقه دهند تا با شد راهی را که در آینده باید بپیمایند از هم اکنون بروی خویش هموار نمایند .

بناغلی زین العابدین عثمانی رئیس هیات افغانی در جام آسیایی را در حالیکه به اصطلاح کرد سفراز سرور ویش نریخته بود در اتاق کارش ملاقات کردم و از چگونگی مسابقات پرس و پالی نمودم که بجواب گفت :

تیم منتخبه فوتبال که چندی قبل برای اشتراك در مسابقات جام آسیایی به عراق رفته بود و ز پنجشنبه گذشته دوباره بکابل رسیدند .

قبل از آنکه خوانندگان از جمند علاقمند ورزش را در جریان صحبت با بناغلی عثمانی رئیس هیات افغانی در مسابقات بگذارم باید علاوه کنم که جام آسیایی که از تاسیس آن بیش از ده سال می گذرد افغانستان برای اولین بار دران اشتراك و در یکی از دور مسابقات آن ورزشکاران خویش را فرستاد تا از یکطرف در میان ورزشکاران آسیایی ورزشکاران ما هم حصه داشته و از جانبی تیم فوتبال ما که روزگاری از سویه محلی خویش قدم فراتر نگذاشته و مسابقاتی جز با چند کشور دوست با دیگران را انجام نداده بودند بایک عده کشور های آسیایی انجام دهند تا هم اندوخته



لحظه پر از هیجان که رحمت الله با بردش یکجا از دروازه تیم خویش دفاع می کند .

تعداد اعضای تیم افزودی بعمل آید آنها رخ ندهد تا تیم فوتبال ما یعنی از ۱۸ به ۳۰ ارتقا یابند و از یکطرف همیشه آماده باشند جانبی کوشش زیادی بعمل خواهد و از جانبی استفاده خوب از بهترین آمد تا هیچ سکتگی در تمرینات تریتری که در خدمت دارند بنمایند.



این سه عکس نمایانگر مسابقات در بغداد است که ورزشکاران ما با تیم های عربی مقابل شدند.

دو دور به سیستم لیک انجام شد که در دور اول به اساس قرعه به روز ۲۱ نوامبر قطر مقابل عراق و افغانستان مقابل عربستان سعودی به مسابقه پرداختند که در نتیجه عراق دو مقابل صفر بر قطر و عربستان سعودی دو مقابل صفر بر ما غالب گردید درین مسابقه گول اول در دقیقه چهارم و گول دوم در دقیقه هشتادم مسابقه داخل دروازه تیم ما شد.

در روز ۲۳ نوامبر عربستان سعودی با قطر و افغانستان با عراق مسابقه را انجام دادند که در نتیجه عربستان سعودی صفر مقابل لیک و قطر بازی را ۱ برای قطر باخت و عراق دو مقابل لیک بر افغانستان غالب گردید.

در روز ۲۵ نوامبر افغانستان با قطر و عربستان سعودی با عراق مقابل گردیدند که قطر ۲ مقابل لیک بر افغانستان غالب و عراق و عربستان لیک مقابل لیک با هم مساوی گردیدند دور دوم مسابقات که از ۲۸ نوامبر الی دوم اکتوبر دوام داشت در مسابقه اول عربستان سعودی ۳ مقابل لیک بر افغانستان و عراق ۳ مقابل صفر بر قطر غالب و همچنان عربستان ۲ مقابل لیک بر قطر غالب و عراق ۲ مقابل لیک بر افغانستان غالب گردیدند و افغانستان و قطر لیک با هم مساوی گردیده عراق بر عربستان سعودی ۲ مقابل لیک غالب گردید.

درین مسابقات باید از بازی نباغلی رحمت الله فول بیک خیلی بتو صیف یاد آور شد و از اسمعیل فرید ، زمان عثمان ، کریم کریمی ، فاروق صدیق ، یاسین ، احمدشاه و صابر و سعدالله هم یاد آوری کرد.

در دوران مسابقات رحمت الله ، زمان ، فاروق ، اسد و اسمعیل اندکی جراحت برداشتند و دیگران سالم از میدان بدر شدند.

در اخیر از نباغلی عثمانی پرسیدم که آیا باز هم تا آمدن کدام تور و یا مسابقات داخلی فوتبال لیست های ما بخواب خواهند رفت یا چطور ؟ به جواب گفت : نه ، اینبار چنین نخواهد بود زیرا در نظر است از یکطرف بر

اینبار باز روی سخنم را بطرف بازی های جام آسیایی گشتا نده و از نباغلی عثمانی پرسیدم که مسابقات به چه اساس دایر شد ؟ که بجواب گفت :

مسابقات جام آسیایی که به اشتراك اكثر کشور های آسیا در ۴ شهر باید دایر میشد اما نسبت معاذیری نتوانستند آنطور ریکه پروگرام ترتیب شده بود عمل شود زیرا گروپ اول که متشکل از کشور های ایران ، بحرین ، کویت ، لبنان ، پاکستان ، سوریه و یمن بود در طهران مسابقاتی را انجام دادند که در نتیجه ایران مقام اول و بحرین مقام دوم را حاصل و هر دو حق اشتراك را در مسابقات فاینل در طهران بدست آوردند.

در گروپ دوم که متشکل از تیم های کشور های افغانستان ، عراق ، بنگله دیش ، هند ، نیپال ، قطر عربستان سعودی و اردن بودند چهار کشور یعنی هند و نیپال و بنگله دیش و اردن دران اشتراك نورزیده و مسابقه تیکه بین چهار تیم اشتراك کننده انجام شد در دور به سیستم لیک بود که در نتیجه عراق مقام اول و عربستان سعودی مقام دوم را نصیب گردیدند گروپ سوم در کشورهای ، بورینو ، برما ، هانگ کانگ ، اندونیزیا ، مالیزیا ، سنگاپور ، سریلانکا و تایلند تشکیل میدادند در شهر بیروت باید دایر میشد که آنهم نسبت بحران های داخلی لبنان دایر نشد.

گروپ چهارم که متشکل از کشور های چین ، اسرائیل ، جاپان ، کمر ، کوریا جنوبی ، لاوس ، فلپین و ویتنام جنوبی بود که مرکز مسابقات آنها را هانگ کانگ تعیین نموده بودند ولی آنهم دایر نگردید که بالاخره بعد از معلوم شدن قهرمانان هر گروپ مسابقات طهران به اشتراك هشت تیم یعنی اول و دوم هر چهار گروپ در ماه جولای سال آینده دایر خواهد شد.

در مورد مسابقات عراق از نباغلی عثمانی اندک بیشتر مطالب معلوم شد که چنین توضیح نمود :

طو ریکه گفتم مسابقات در



ترجمه «رژ»
از: الیری کوین

مسافری از افریقا

که این زن در اینجا چه میکند. اما زن جوان به او مجالی نداد دستش را بهتر است گفته شود بازویش را گرفت و با آواز گوشنواز و پرمحبتی گفت:

— شما آقای «الیری کوین» هستید. خود دش هستید. اینطور نیست؟

آقای «کوین» گفت:

— من ...

اما دختر جوان سخنش را برید: — میدانستم که خود شما هستید. شما خوبترین چشمها را دارید. چشمهایتان رنگ عجیبی دارد، حتی میشود گفت که ترسناک است.

— نفهمیدم چه گفتید؟

— هیچ، من چیزی نگفتم.

دختر این را گفت و با زوی آقای «کوین» را رها کرد. بعد، افزود:

— و شما گاراگاه معروف هستید، ها؟ مرا «آیکی» سالخورده پیش شما فرستاده.

— گفتید «آیکی» سالخورده؟

— خدای من شما را نامیشناسید؟ منظورم پرو فیسر «ایکتروپ» است که در جبهه های بی.ای.ام.ای، بی.ای.دی. و خدا میداند چه چیزهای دیگری دارد.

آقای «کوین» گفت:

— ها، حالا شناختم.

دختر جوان گفت:

— گذشته ازین، «آیکی» سالخورده پدر من است. متوجه هستید؟

با این جمله ناگهان حجبی به دختر جوان دست داد. یا آقای «کوین» اینطور به نظرش آمد. برای اینکه مژگانهای سیاه هوش پایین

افتاد تا چشمهایش را ببیند.

آقای کوین گفت:

— بلی، متوجه هستم دو شیژه «ایکتروپ» حالا همه چیز را فهمیدم. پرو فیسر «ایکتروپ» مرا اغوا کرد تا تد ریس این کورس را به عهده گیرم. و تو که دخترش هستی فکر میکنی میتوانی درین دسته شامل شوی. چه فکر خامی!

عصایش را مثل پاییه به زمین تکیه داد و افزود:

— لی، من فکر نمیکنم که بتوانی! ناگهان، به صورت غیبتی منتظره ای، پای دختر به عصا خورد و آقای «کوین» به سختی توانست از افتادن جلوگیری کند. دختر گفت:

— آقای کوین این چوب را رها کنید میتوانیم برویم درون؟ چه نام قشنگی دارید!

— ولی...

— آیکی همه چیز را رو به راه کرده است. خیر ببینید.

آقای کوین با اعتراض گفت:

— ولی من قبول ندارم. مطلقاً...

دختر بی توجه به اعتراض او میان سخنش دوید:

— من لیسانس خودم را گرفته ام. حالا میخواهم ماستری بگیرم. من خیلی باهوش هستم. شما هم دیگر اینقدر پرو فیسر مآبی نکنید. شما که هنوز جوان هستید. چشمهای تفرقه یی تان...

ناگهان آقای کوین احساسی خوشحالی کرد و گفت:

— خیلی خوب، بیا بید.

اتاق کوچکی بود با میز درازی که دورش را چوکی چیده بودند.

با داخل شدن آنها دو مرد جوان با احترام به پا خاستند. دو مرد جوان با دیدن دو شیژه «ایکتروپ» تعجب کردند، ولی نا راحت نشدند. یکی از دو مرد جوان به سوی آنان آمد. با آقای کوین دست داد و گفت:

— من «باروس» هستم... «جان باروس». ازین که من و «کرین» را از میان گروه داوطلبان انتخاب کرده اید، خیلی سپاسگزاریم.

به نظر آقای کوین آمد که او جوان خوبیست با چشمهای درخشان و روی باریک هوشمند. آقای کوین گفت:

— باید از نتیجه امتحان گذشته خوبتان سپاسگزار باشید... بعد به سوی جوان دیگر دید و افزود:

— و شما هم البته که «والتر کرین» هستید. درست است؟

جوان دو می هم دست آقای کوین را احتراماً نه فشرد. بلند و بزرگ استخوان بود. سیمای خو شایندی داشت. درین حال گفت:

— درست است، من والتر کرین هستم. تحصیلا تم در رشته کیمیاست و به کورس فعلی هم سخت علاقمندم.

آقای کوین گفت:

— بسیار خوب، دو شیژه «ایکتروپ» هم عضو چارم گروه کوچک ما ست. و البته که عضویت او کاملاً غیر منتظره است... خوب، بیا بید بنشینیم و صحبت کنیم.

«کرین» و «باروس» خودشان را روی چوکی ها انداختند و دختر هم آرام بریک چوکی نشست. آقای کوین کلاه و عصایش را به کنجی گذاشت. بعد، دستهایش را روی میز نهاده به سقف خیره شده و گفت:

— چندی پیش پرو فیسر «ایکتروپ» به من مراجعه کرد و خواهش نمود این کورس را دایر کنم. و از پیروزیهای ناچیز من در کشف جرایم که بر اساس تحلیل خالص صورت گرفته بود، چیزهایی می دانست. او فکر میکرد که انکشاف دادن خصلت تحقیق بر مبنای استدلال در شاگردان جوان پوهنتون کار دلچسپیست. من که روزگاری خودم شاگرد بودم، درین کار اطمینان نداشتم.

دو شیژه «ایکتروپ» گفت:

— ما مغز مان خیلی خوب کار میکند. آقای کوین با سردی گفت:

— خوب، این مسأله با ید نا بت شود. فکر میکنم این خلاف قاعده است. ولی من بدون تنباکو فکر کرده نمیتوانم... آقایان میتوانید سگرت بکشید. دو شیژه «ایکتروپ» شما سگرت میل دارید؟

دختر جوان سگرتی بر داشت. و با گوگرد خودش آن را روشن کرد و به آقای کوین خیره ماند.

کرین پرسید:

— کارهای ما در بیرون خواهد بود. اینطور نیست؟

آقای کوین روی پا ایستاد و جواب داد:

— یقیناً همینطور است... دو شیژه «ایکتروپ»، لطفاً توجه کنید. کار ما در بیرون است. باید این کار را انجام بدهیم. و همین حالا انجام بدهیم. خیلی خوب، جنایات را باید از بلاهای اخبار روزانه بررسی کنیم. ما بدون هرگونه پیش داوری آغاز میکنیم. به خاطر داشته باشید که زیر نظر من کار

آقای «الیری کوین» که لباسی از پارچه گل سنگ انگلیسی به تن داشت، در امتداد دهلیز منزل هشتم عمارت «ارست» راه میرفت. این عمارت در واقع بالا حصار پوهنتون بود که با مصرف گزاف سیاحتی شده بود. درین روز گوشتهای آقای «الیری کوین» با آوازهای دختران و پسران دانشجو پر شده بود. او خودش از فارغان پوهنتون هاروارد به شمار میرفت.

زمین انبوه دانشجویان گذشت و با خودش گفت:

— اینهم تعلیمات عالی در نیو یارک!

چشمهای تفرقه گوشت در پشت عینکهای بنسی درخشید. این چشمها قدرت تشخیص فوق العاده ای داشت که مستلزم شغل او، یعنی بررسی پدیده های جنایی، بود. این چشمها چهره های گوناگون شاگردان را که در مسیرش قرار داشتند، با دقت مینگریست.

از میان یک جمعیت دختران گذشته و به مقصد خودش که اتاق شماره ۸۲۴ بود، نزدیک شد.

نزدیک دروازه درنگ کرد، برای اینکه در آنجا زن زیبا و جوانی خم شده بود و لوحه ای را که به دروازه آویخته شده بود، میخواند. کاملاً روشن بود که انتظار آقای «الیری کوین» را میکشد. برین لوحه کوچک این کلمه ها به چشم میخورد:

«جنایت شناسی تطبیقی»

آقای کوین

زن جوان با نشاط تمام او را نگریست. آقای «کوین» نمیدانست

میکنید، خواهیم دید که چه واقع میشود.

چهره شو شمنند «با روس» در خشید:

— در باره تیوری چه؟ یعنی شما درباره اصول کار به ما در سن نظری نخواهید داد؟

آقای کوین گفت:

— لعنت بر تیو ریپا! بار و س به خاطر داشته باش بهترین راه آموختن آب بازی، داخل شدن در آب است... میدانید که شخصیت و سه نفر داو طلب این کورس بودند. شما میدانید که من فقط دو یاسه نفر میخواستم. برای اینکه بیشتر ازین عدد مرا با نا کامی روبه رو میساخت. من، کرین را انتخاب کردم زیرا احساس میکنم که دارای یک مغز تحلیل گر است. با رو س را انتخاب کردم، زیرا گذشته بسیار عالی تحصیلی دارد. این شد یک دسته بسیار عالی.

در مرد جوان سرخ شدند و آقای کوین ادامه داد:

— ولی تا آنجا به شما، دو شیژه، ایکتروپ، مربوط است، شما خودتان خویشتن را انتخاب کردید که عواقب این کار را باید قبول کنید. ولی به خاطر داشته باشید به مجردی که اولین نشانه غبی بو دن در شما دیده شود، اخراج خواهید شد.

دختر جوان گفت:

— یک فرد خانوادہ ایکتروپ هرگز غبی نیست!

آقای کوین گفت:

— امید وارم همینطور باشد. صادقانه امید وارم که همینطور باشد... ولی در مورد قضیه یی که روی آن کار خواهیم کرد، باید بگویم: چند لحظه پیش از آنکه به طرف بو هنتون بیایم، به دفتر بو لیس گزارشی رسید. این گزارش حاکی از آن است که در این کار را نکنید. و دیگر اینکه به

حوزه تیا تری شهر قتل ر خداده است. قربانی مردیست به نام «اسپار گو» بعدا در یافتیم که این حادثه خیلی عجیب است. من از پدرم، یعنی کار آگاه «کوین» که شما او را میشناسید، خواهش کردم. محل حادثه را همچنان دست نخورده نگه دارند. ماباید همین حالا به آنجا برویم. باروس هیجا نزده فریاد زد:

— چه عجیب! رو به رو شدن با یک جنایت! آقای کوین، ما را اجازه خواهند داد که به آنجا داخل شویم؟

— البته. من برای شما دو نفر کارت بو لیس، شبیه کارت خودم، گرفته ام. برای شما دو شیژه ایکتروپ، بعدا خواهم گرفت... بگذارید برای همه تان بگویم که ما با چیزی را از محل حادثه با خود ببرید. حداقل بدون مشوره من گزارش حاکی از آن است که در این کار را نکنید. و دیگر اینکه به

هیچ وجه به خودتان اجازه ندهید که با خبر نگاران صحبت نمایید. دو شیژه ایکتروپ اندیشمندانه گفت:

— یک قتل!

آقای کوین گفت:

— این برای شما یک قضیه امتحان نیست. من میخواهم بفهمم که مغزهای شما هنگام برخورد با یک حادثه واقعی چگونه عمل میکنند... دو شیژه ایکتروپ، شما کلاه یا چیزی شبیه آن دارید؟

— برای چه؟

— خوب شما بدینصورت به آنجا داخل شده میتوانید.

دختر جوان گفت:

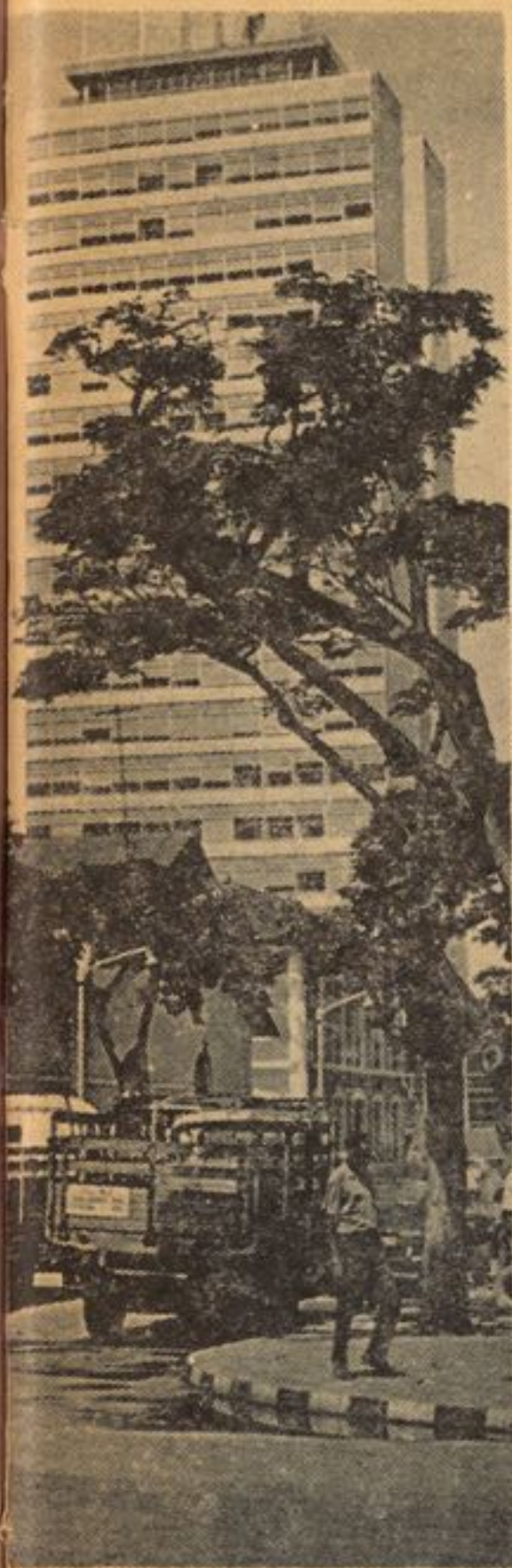
— در الماری خودم دارم. فوراً می آورمش.

آقای کوین کلاهش را به سر گذاشت و گفت:

(باقی دارد)



تازه‌ترین جمهوری بر اعظم آفریقا انگولا



یکی از جاده های زیبای شهر انگولا

زیست میکنند از سایر پارکهای جهان تمیز داد نه تنها حیواناتی از قبیل شیر، پلنگ، کرگدن، زرافه و غیره بلکه میتوان با حیواناتی برخورد که در سایر نقاط جهان نظیر آن کمتر دیده میشود که در میان آنها از آهوان اوریکس، گورخر آفریقا، روبای دیلاندا و همچنین انواع گفتر نامبرد که حیوانات مخصوص جنلات انگولا میباشد همچنین از رهگذر نباتات و بوتانیک پارکها و جنگلات انگولانی میباشد. پارک (جون) ساحه بزرگی دارد و ادبها، سنگلاخها و حتی مناطق صحرایی نزدیک بشهر سایدیش دربر گرفته که از شهر مذکور الی پورتوالک ندای جاده اسفلت شده ای امتداد دارد. پارک بعد از علاقه صحرایی کناردویای کوروکار موقعیت حاصل نموده است. ساحه ریزرف این پارک از چند هزار کیلومتر تجاوز بقیه در صفحه ۵۹

خود را از زیر بار این همه خرافات رهایی بخشیده اند انتخاب شوهر را بدخواه خویش مینماهند همچنین چندزنه (پایگالی) ای که هنوز هم در قبایل گنگو یل مروج است کنار گذاشته اند. بفاصله ۲۵ کیلومتر از ویلاسربایتو بسوی کوانگار محل کارهای شاقه مسومبو قرارداد این فرقه ایست برای زندانیان از آزادیخواه انگولا که بر علاوه جبهه آزادیخواه جانی و مرتکبین سیاسی نیز در همانجا حبس میبودند آنها بکار های مشکل معادن، سرک سازی و کانالهای آبیاری منحصبت گلکار، باغبان و غیره اهل کسبه بکار گماشته میشدند در مقابل علاوه بر اینکه غذای درست و کافی برای آنها نمیرسید ذبح و شکنجه از هر طرف بسر و روی ایشان میبارید. زندگی برای آنها بی ارزش بوده از هیچگونه خرابکاری دریغ نمیکردند. تعداد زندانیان در این محبس به ۷۰۰ نفر میرسید آنها دایما به اعتصابات دست زده بخرابکاری محبس، قتل یاسبان، گرسنگی و غیره مبادرت میورزیدند.

در جهان فوئو پارکهای ملی کتب و راپورتاز های دلچسپی از طرف علمای بزرگ و برجسته جهان نوشته شده کمپنی های معروف فلمبرداری فوتو و فلم های مستندی برداشته و خدمات شایانی را در جهان علم و هنر انجام داده اند. پارکهای ملی بزرگ و عجیبی را در جهان برخورد که هر کدام بثوبه خود حایز اهمیت خاصی میباشد در بر اعظم بزرگ و تاریک آفریقا که دارای بزرگترین دریاها و جنگلات جهان میباشد بهترین این نوع پارکها را مشاهده کرد و همه راجع به پارکهای ملی سرینگتی، نوگرو، نوگرو، امبوسیل و غیره پارکهای ملی آفریقا آشنایی دارند و لسی در پهلوی این جاهای معروف اکثر از طرف توریست ها جاهای کشف و مشاهده شده است که آنقدر ها معروف نبوده ولی بعد ها ارزش آن زبانزد همه گردیده است منجمله (جون) پارک ملی جنوب غربی انگولاست که میتوان آنرا از جمله عجایبات جهان معرفی کرد که از رهگذر مناظر طبیعی و حیواناتی که در آنجا

و در موقع مساعد بمجرد ریختن بروی زمین سر از نو نمو و آهسته آهسته غلو میشوند این درختان یگانه منع محروقاتی و تعمیراتی نیگرو های این نواحی محسوب میشود. با آنکه چیر های آنها پهلوی هم قرار دارند ولی دروازه چوبی بزرگی دخول این قصبه را نشان میدهد و در بالای دروازه شاخهای گاو و جمجمه حیوانات نصب است که نمایندگی از اعتنات دیرینه مردم آنجا میکند در هر چیری معمولایک فامیل حیات بسر میرد.

آدم تازه وارد بمجرد عبور از دروازه عمومی از طرف يك عده اطفال برهنه احاطه میشود و شور و هلهله شادی و تعجب آنها تماما ساکنین قصبه را باخبر ساخته مخصوصا کهن سالانیکه در مقابل چیری با پایپ خود مشغول دود کردن گیاه (تمباکو) میباشد اولتر از همه متوجه تازه وارد میشود سپس ریچدار (کلانتر قبیل) جلوه آمده و رود تازه وارد را نیک خواند و استقبال گرم میکند در عقب آن پیرامون قبیل صف بسته هر کدام اشتیاق خاصی به سیاح پیدا کرده تا هر چه زودتر علت آمدن وی را در قبیله جویا شود. اهالی دارای اندام قوی، دندانهای سالم و قدر سای اند یگانه. امراضی که در میان قبایل بومی انگولا شیوع است بصورت عموم ملاریا و تان انداز سل میباشد. اطفال بصورت عموم برهنه بوده و از صنعت کامل بهره مند نیستند هر دختر در انگولا و در تعلیمات ابتدایی خویش اولتر از همه زبان پرتگالی را فراگیرد بعد در امور اجتماعی لازمست تابخت ویز اروپایی را بدرستی بداند. سنین ۱۴-۱۵ سالگی ازدواج کند. که سن آخرین ازدواج برای آنها ۱۷ سالگی میباشد اگر از این سن عبور نمود برای ابد تنها خواهد ماند در حال حاضر دوشیزگان گردونواحی انگولا با آنکه سنین شان کمتر و یا اینکه بالغ نشده باشند با مردان پخته سن ازدواج میکنند زیر اعدات و اعتنات این سرزمین چنین حکم میکند تا شوهر کم از کم دو چند زن عمر داشته باشد زیرا شوهر اینک که دارای سنین خیلی زیاد ازدواج میکنند تا از پرداخت های مقدار پول رهایی یابند ولی در این تازگی ها دختران انگولا بیدار شده و آهسته آهسته

اولین مسافری در ناحیه (کوچی) بفاصله ۹ کیلومتر از پایتخت این ولایت قدم گذاشت فوق العاده دلچسپ بود. سرک در گرانه حوالی ادامه داشته و بکلی خالی از انسان بود که در هر يك کیلومتر مربع آن ۴ نفر حیات بسر می برد منظره آن بصورت عمومی خشک بوده و با کمی از جنگلات، شعاع آفتاب از میان درختان تابیده رنگهایی دلکشی را در فضا تولید میکند. (کوچی) قریه کوچکی از بهترین نمونه قریه جات انگولاست که میتوان در آن اهالی اصل و حیات ابتدایی این سرزمین را دریافت که دارای چند خانه بوده مقصد مسافرت سیاح مذکور ۶۰ کیلو متر به سوسی جنوب طی مسافه چندی آهسته آهسته چیری حقیقی اهالی آنجا از دور نمایان شد که از گیاه ها و شاخه های نباتات سوانایی بشکل مخروطی ساخته شده بود که بکلی طرز زندگی و حیات انسانهای اولی را بخود داشت يك عده دریا های خرد و باریکی اطراف این قریه را احاطه کرده که باعث سرسبزی نواحی آن میگردد. درواذهای آن نیگرو های این منطقه صرف در موقع مذکور بزراعت پرداخته که يك اندازه حاصلات قلیل از آن بدست می آورند زیرا آب بوقت مساعد بمزارع نمیرسد. باران بصورت غیر عادی و بی موقع میبارد برای بهتر ساختن وضع زراعتی پلانهای مدنظر است تا ابرا در مواقعش ذریعه کانالها بمزارع رسانید ولی متاسفانه حیات اولیه و بی بضاعتی نیگرو ها علت عقب ماندگی این پلانها گردیده است.

لیساتینگا، کوچی و غیره از علاقه جات خیلی دلچسپ بوده نیگرو ها معمولا از يك محل بمحل دیگری بسرعت نقل مکان نموده طرز زندگی خود را تغییر میدهند از همین جهت است که جای رهائش خویش را از گل و شاخه های نباتات میسازند تا در ترانسپورت آسان شود. چیرهای آنها پهلوی هم شکل دایروی در میان درختان بلندی چیده شده که که بالای زمین بلند و تپه مانند قریه مذکور تشکیل یافته این درختان که بهم نزدیک و تقریبا غلو میباشد از نوع درختان سوانا بوده بنام ملمبا یاد میشود که دارای تخم مخصوص بوده

گام تازه در جهت پیروزی زنان کارگر

به مناسبت سال بین المللی زن

نوشته: راحله راسخ

آسیایی، آفریقایی و آمریکایی لاتین در بدترین شرایط زیست نموده و حتی در اوضاع و احوال قرون وسطی در مغاره ها، بیغوله ها در دشت های گرم و سوزان و یخبندان بسر می بردند. زنان بر علاوه محیط نامساعد زندگی، تحت استیلا و ستم، سیستم های کهنه اجتماعی و اسارت مردان، روزگاری را سپری می نمایند.

درین سلسله آنچه مهم و ارزشمند محسوب می شود همگونی و هماهنگی، شناسایی حق زنان و خود آگاهی زنان است که در عرصه سال بین المللی زن بوجه نیکویی ایجاد شده و بهره های زنجیر وحدت و نزدیکی زنان را بسویه جهانی باهم وصل می نماید. زیرا در طی همین سال از راه تدویر و ایراد کنفرانسها، کنکره های جهانی باهم تبادل افکار نموده و از وضع یکدیگر اطلاع حاصل نمودند که در آئینه نهضت زنان حتما مورد استفاده شایانی قرار خواهد گرفت.

در کشور عزیز ما افغانستان نیز درین سال کارهایی به نفع زن صورت گرفت که در آینده روی آن صحبت خواهیم نمود، ولی آنچه در پی می آید نوید یست از تصمیم دولت جمهوری افغانستان درین باره که: ازین به بعد زنان کارگر مؤسسات و فابریکه های دولتی و خصوصی از طرف شب به کار نپردازند و این خود پیروزی است به نفع زنان زحمتکش و کارگر خطه باستانی ما که با زحمات همیشگی شان در عقب ماشین ها و کارگاه های مختلفه، از هیچ نوع فداکاری در راه اعمار و آبادانی وطن دریغ ننموده اند. تا جاییکه همگان بر آن اعتراف

سال بین المللی زن آخرین روزهایش را سپری می نماید در طول این سال تصاویر و تصاویری به نفع زنان رویدست گرفته شد که در مقطع تحلیل و تجزیه زمانی به سویه ملی و بین المللی ارزشمند به حساب آمده که در بعد زمان طولانی طی شده چنین پیروزی هایی را که در یکسال نصیب شده اند هرگز بدست نیاورده بودند.

از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کره ارض درین سال آواز آزادی خواهی و آزادی زنان چنان دوبا لاشده بود که به یقین این يك آغاز منظم و منسجم مبارزه، مجادله و حق خواهی زنان را در آینده می رساند زیرا تا آنجائیکه اوضاع و احوال کنونی و زنندگانی متفاوت زنان در قاره های جهان می نمایاند برای زنان مبارز و آزادی طلب فضای وسیع و میدان های گسترده ای بیکار و جدل علیه حق تلفی ها، تعدی، ظلم و ستمی در میان است که از زمانه های گذشته و قرون متعادی سخن می گوید و ریشه دیرینه دارد.

مطالعه و مرور یکسایه اخبار، جراید، مجلات و سایر وسایل تبلیغاتی دیگر نمایانگر حقیقت مبرهن و روشنی است که امروز، زنان اکثریت کشورهای جهان و بخصوص کشورهای عقب نگه داشته شده

دارند و هم تاریخ زندگی مردم ما بازگو کننده آنست، زنان وطن ما دوشا دوش مردان در همه امور زندگی به کار پرداخته و با قبولی همه تکالیف، رنج ها و مشکلات وظایف محوله را به شایستگی انجام داده و ضمنا به امور خانه و خانواده نیز رسیدگی نموده و هرگز گردو غبار و خستگی کار در بیرون از منزل مانع ترتیب و تنظیم کارهای خانوادگی و ترتیب اطفال ایشان نشده بلکه با سلیقه قابل وصفی در چاردیوار منزل غرض آسودگی اعضای فامیل کوشیده اند.

طور مثال زنان قالین باف کوشه و کنار وطن مادر حالیکه به تناسب يك شبانه روز اکثرا گره می زنند و باخون دل و سر انگشتان قالین های رنگین و مرغوب را عرضه و به افتخار وطن و وطنداران می افزایند، به امور خانوادگی یعنی تهیه و بخت و پز غذا، تربیه اولاد، دوخت البسه و ده ها کار متفرقه دیگر مشغول اند که مردان درین سر زمین در حصره انجام آن با زنان همکاری ندارند.

زندگانی دهقان زنان، کوچی ها، خیاطان و کارگران زن و معلمات و غیره در اکثر ممالک جهان همان گونه که گفته آمد سپری می گردد، یعنی همانگونه که در کشت و کار زمین و یا دیگر امور با مردان یکجا تلاش می ورزند کارهای خانوادگی را نیز بصورت ماهرانه متحمل می شوند.

البته نامفته نباید گذاشت که در کشور های پیشرفته و مترقی جهان نا آنجا های که تفاوت ها و افراط و

تفریط زندگی به تاریخ گذشته تعلق می گیرد می رود که مردان نیز در امور خانوادگی همانطور که زنان در کارهای اجتماعی با ایشان همسرا و همباز اند، در خانواده معاون و مددگار زنان باشند.

آنچه درین بحث قابل یاد آوری و ضروری جلوه می نماید اینست که نباید چنین نتیجه گیری صورت گیرد که زنندگانی زنان همه اطراف و اکناف جهان بدون تفاوت و اختلاف سویه سپری می گردد، زیرا وضع اجتماعی جوامع بشری چنان ناممکن و متفاوت است که نمی شود، آسیا را با اروپا و آمریکا را با آفریقا مقایسه نمود و همینطور زندگی زنان را در سایر ممالک جهان تصور نمود.

باز درك مطالب فوق و حساب درست از مصروفیت های زنان و بخصوص زنان کارگر در وطن ماست که مجلس عالی و وزرا منع و استخدام و اشتغال کار شبانه زنان را در کارخانجات و مؤسسات صنعتی دولتی و خصوصی تصویب نموده است که در راه فراهم ساختن تسهیلات در زندگی زنان می توانند يك اقدام نیک به نفع زنان کارگر باشد.

البته قرار اطلاع مدیریت عمومی کار و کارگر در همه ساحه ها تصویب فوق را امری خواهند داشت. در اخیر باید گفت که زنان جمهوری افغانستان و کارخانجات ازین اقدام و تصمیم استقبال نموده و در جریان برگزاری سال بین المللی زن این ابتکار را پیروزی مهمی بحساب می آورند.

زنده باد افغانستان
پاینده باد جمهوریت
پیروز باد نهضت زنان

په پښتو ادب کې د تاريخه پېښو انعکاس

څلورمه برخه

په دغه حالت کېښی میړ ویس نیکه
ظهور کوی به کنده هار کېښی فعالیت
او مبارزه کوی اود مشر توب وا گي
په لاس نیسي ۱۱۲۱ هـ

دده دکورنی دواکمني په وخت
پښتو ژبی اودب تر قی نه خورا
ډیره نو چه کېږی او ښه لیکوال او
شا عران میدان ته راځی.

ددی دوری سترو مشهور لیکوال
محمد هوتک دپتی خزانی مو لگدی
چه نوموړی دغه کتاب د شاه حسین
هوتک په وینا لیکلی دی اود لر غونو
۴۹ تنو شاعرانو تذکره ده چه ددی
تذکرې له مخه مونږ ته ډیر په زړه
پوری معلو مات رارسید لی اودهغو
په لړ کی غوره حماسی شعرو ته هم
موجوددی ددی کتاب دتاء لیف کار
په ۱۱۴۲ هـ کېښی پای ته رسیدلی
دی.

میرمن زینب د شاه حسین خوراود
میرویس نیکه لوریو هه اوادیبه ښځه
تیره شویده اود خپل ورور شاه
محمود په مرگ مشهوره ویرنه تری
پاتی ده چه له پښتنی حماسی نه ډکه
ده.

ریدی خان مومند دمیر ویس نیکه
اوشاه محمود دجگړو په پاره کېښی
په پښتو نظم یو کتاب لیکلی دی چه
(محمود نامه) نومېږی.

په ۱۱۶۰ هـ ق احمد شاه بابا
په کنده هار کېښی د افغانستان د
سلطنت تاج په سروی.

دهیواد دخاوری تمامیت اودافغانی
قبایلو واقوامو اودمختلفو سیمو
اوسیدونکو ترمنځ دملی وحدت
تینکولو ته نو چه کوی.

دهند دمرکزی حکو متونو په
پښتیا نی پی جنگونه او جکسری
کولی.

نوریا

۱- بدی دپاره کېښی و گوری
عبداله بختانی خدمتکار دخو شحال
اوقبال دشعر مشر کی خوا وی

ننگیالی پښتو ۱۳۴۵ هـ ش چاپ
ژوندون

دهماغه حکو مت په مقابل کېښی په
جنگ او جگړو کېښی تیره شوه.
دی دپښتو ستر شا عر اولیکوال
یعنی دنوری او قلم خاوند و.

ددغو ټولو پښو جنگو نو او
جگړو حالات پی به خپلو شعرو نو
کښی انځور کړی دی او په یوازې
خان پی دپښتو حماسی شعر ته
ډیره تر قی ور کړیده.

که نورو حماسه ویو نکو شاعرانو
دخپل وخت دواکمنانو مشرانو او یا
داولسی قهر مانانو دستایینی په
ترخ کېښی خپل حماسی آثار لیکلی
دی او یا فو لکلوری حماسی داستا
نونه پی منظم او منظوم کړی او ستر
ادبی شهکارونه پی ایجاد کړیدی.

مگر خو شحال خان بخپله خان مرد
میدان دجنگو نو او جگړو قهرمان و
دخو شحال خان په کورنی کېښی
زیات شمیر قوی اویاڅه شاعران
بیدا شویدی دخو شحال خان شعر
حماسی مضمون اوس لاهم دشاعرانو
دتقلید او پیروی وړدی.

یوازی دپښتنو شاعرانو نونه بلکه
دنورو ژبو شاعرانو هم تری الهام
اخیستی دی او خپل حماسی مضمون
پی بری قوی کړیدی.

دمثال په توگه دډاکتر اقبال په شعر
کښی دده دادبی سمبولونو او حماسی
روحیی زیات انعکاس موند لی شو (۱)
دخوشحال اودهغه کورنی ادبی
آثار دپښتو ادب دپاره دویار نه ډکه
ذخیره ده چه له ښه مرغه ډیره برخه
پی موجوده ده.

دشیخ ملی او بایزید رو ښان
ملی مبارزو اود خو شحال خان
حماسی شعرونه او فعالیتو نو په
ټوله پښتو نځوا کېښی یو جنبش او
بیداری پیدا کړی وه دبلې خوا د
حاکمه قدر تونو رقا بتو نو ظلمونو
اوسیاسی کشمکشو نو په سیاسی
لحاظ زمونږ هیواد تو تی ټوټی کړی
او پښتون او لس ژبلی و.

په ۱۰۸۳ هـ ق ۱۶۷۲ خ کېښی
محمد امین دکابل صو به دارو.

دخو شحال خان دپند په موده کی
دهدهغه دخلا صون کو ښښ کړی و.
په دی وخت یوه عجیبه پېښه وشوه
په کونې کېښی سر کاری سیمیا میانو
دیوی سابی جینی پی عزتی گریوه
دننکر هار خلک سابی مومند شینواری
اوپریدی اونور یارید لی اوباخیدلی
وواود ایمل خان مومند په مشری پی
لښکر جوړ کړی و ددوی دما تو لو
دپاره محمد امین صو به دار دپښتو
ته لوی لښکر روان کسړی و
چه خو شحال خان هم پکښی و.
په لنډی خانه کېښی دواړه لښکرسره
مخامخ شوو شا عی لښکر مات او
دوه خایه شو.

یوه ډله چه محمد امین ورسره
وپښتو ته لاړ او بله ډله چه خو
شحال خان پکښی ودناتری په لار
واپس شوه پښتنو پردوی بله حمله
وکره او مات پی کړه.

محمد امین په خای مها بت خان
دکابل صو به دار شو.

هغه دحکو مت سره دخو شحال
خان ملگرتیا غو ښتله مگر خو شحال
خان ردوله ځکه چه دپندنه ورو سته
دده په زړه کېښی دحکو مت مخالفت
بیدا شوی و.

دخو شحال خان زوی بهرام خان
حکو مت ته نژدی کړ حکو مت هغه
په غیر کېښی ونیو هغه دپلار سره
جنگو نه شروع کړل.

خو شحال خان ډیر ځله بهرام
خان ته ماتی ور کړلی په دی تو که
خو شحال خان دژوند ترپایه یو زی
حکو مت سره وجنگید اوسر پی ورته
تیب نه کړ په ۱۱۰۰ هـ ق ۱۶۸۹ خ
وفات شو.

په دی صورت دده ټول عمراکثرا
دغیر ملی پردی حکو مت په طرفداري
دپښتنو په مقابل کېښی او وروستی
برخه دپښتنو دمرسته پی به جلبو لو

دشا هجیهان بادشاه فرمان ورته
ورسید اورسماء دپلار مقام ورکړی
شو په ۱۰۵۱ هـ ق ۱۶۴۱ خ کېښی د
پنجاب دپا غیا نو په مقابل کېښی د
حکو مت په طرفداري وجنگید او په
۱۰۵۵ هـ ق ۱۶۴۶ خ کېښی پی ښه
شامی لښکرو کېښی گهون وکړ.

په ۱۰۶۳ هـ ق ۱۶۵۲ خ او
۱۰۶۴ هـ ق ۱۶۵۳ خ کېښی پی

دپښتو سره جنگو نه وکړل.

په ۱۰۶۸ هـ ق ۱۰۵۸ خ او رنگ
زیب دخپل پلار شا هجیهان دناروغی
له امله دهغه په خای کېښی ست او
باچا شو.

دپلار په جانشینی داور نک زیب
اودهغه دورونو شجاع اودارا شکوه
اختلاف ونو ځکه ددوی تر منځ
جنگو نه وشول.

په دی جنگو نو کېښی خوشحال
خان په پښتو نځوا کېښی داور نک
زیب مرسته وکړه په ۱۰۷۰ هـ ق
۱۶۵۹ خ کېښی خو شحال خان
په تیره کېښی دحکو مت دمخالفا نو
سره کوبی وکړه اوبیاد حکو مت
په گته دیو سفرو سره په جنگ
جگړو ولکید.

په دی توگه دنوی حکومت داور نک
زیب دافتدار دوقار دقایمو لو دپاره
پی ښه زیار وایست.

په ۱۰۷۴ هـ ق ۱۶۶۴ خ دکا بل
صوبه دار سید امیر خان خوافی د خپلو
خاصو مد فویه اساس په یو میرزایی
چل دبادشاه نه په مجمل دول د
تشدد اود خینو کسانو دکر فتاری
امراو اختیارات واخستل دهغه لاندی
خو شحال خان بندی او مرکز ته
واستول شو. دوه نیم کاله قید او
پیا نظر بندو.

په ۱۰۷۹ هـ ق ۱۶۶۸ خ کی
آزاد او وطن ته راغی.

آشتی مجدد

«وینچنسو لولونیدری» و همسرش (آنتویلا) که برای خرید به بازار رفته بودند. بالای هر ضوعی اختلاف پیدا کردند و کار این اختلاف چنان زیاده شد که از خریداری پشیمان، و آنکس با زکشت به منزل کردند در حالیکه در جاده راه میرفتند باهم گفتگو داشتند بطوری که اختلاف شان بجای رسید که وینچنسو دست بالا برد تا بروی آنتویلا سیلی بزند. که در همین حال جوانی خود را میان اندر افکند و ضمن آنکه مانع سیلی خوردن آنتو یلا گردید، با وینچنسو دست به گریبان شد و در حین زد و خورد یکی از انگشتان دست وینچنسو را در میان دود ندان گرفت و فشرد. درد چنان وینچنسو را در خود گرفت که بی اختیار فریاد کرد آنتو یلا که این حال شوهرش را دید طاقت از کف داد و با مشت و لکت به جوان ناشناس حمله کرد. او آنقدر مشت بر سر و روی جوان کوفت و به او لگد زد تا انگشت وینچنسو را رها کرد. این حادثه باعث گردید که در همان لحظه پس از آن زن و شوهر باهم آشتی کردند و وینچنسو از دست آن جوان به پولیس شکایت کرد.



هنوز جنگ کلی و فرایزر

به پایان نرسیده

تاثیرات خنده
یک دسته گل
از پول

آقای گراهام جالب ترین راه را برای ابراز عشق و علاقه به معشوقه اش خانم ساندی پیدا کرده است. گراهام با پول استر لینگ دسته کلی درست می کند و گل های ساخته شده از پول را به معشوقه اش تقدیم می دارد.

البته آقای گراهام بی آنکه به پول حاصله وارد بیاورد پول لهارا به طرز ماهرانه قات و دسته گل سی زیبا درست می نماید و برای یک دسته ازین گل جدید ده نوت مصرف می کند و برای يك دسته بیست و چهار تایی ۲۴ نوت به مصرف می رساند. که در حدود چهار هزار و سه صد افغانی می شود. کیت گراهام روزی يك دسته گل که پول ساخته بر ای معشوقه اش میفرستند که البته خانم ساندی هم گلها را بجای اینکه در گلدان بگذارد به بانک میسپارد.

یکی از پرو فیسوران بو هنتون- نهایی مسکو خنده را مهمترین فکتور صحت میدانند و باین عقیده است که خنده فعالیت هضمی را تنظیم نموده و فواید بسیار برای صحت و سلامتی دارد. راستی هم که خنده نمک زندگی است. و نمک تاثیر فراوان بر معده و تنظیم فعالیت هضمی دارد.

دزدی عجیب

يك زن جوان زیبا در حالیکه تفنگچه ای در دست داشت به يك بمب بطرول حمله کرد و ما مور تانك را وادار به تسلیم کرد. زن زیبا ابتدا مامور تانك بطرول را در آغوش گرفت و او را غرق در بوسه کرد، سپس هر چه پول موجود در صندوق بود با تهدید اسلحه گرفت و با بقرار گذاشت. این راقعه در لوس آنجلس اتفاق افتاد.

محمد علی کلی قهرمان سنگین وزن بوکس جهان که چندی قبل حریف قوی هیکلش فرایزر را در روند چهارم در مانیلا از پا در آورد هنوز هم قانع نیست. او چنان رقابتی به حریف خود فرایزر دارد که حتی در مجالس بسیار خصوصاً وعام بر او میگرد ولی چون فرایزر خون سرد است با وجود اینکه نزد علی میدان را باخته است او با خون سردی که دارد محمد علی را عصبانی میسازد بطوری که گاهی اوقات علی بر او حمله ور میشود. در آخرین ملاقاتی که آندو باهم ترك کردند فرایزر گفت، که رینگ را ترك نخواهم گفت و جواب خواهم داد علی فی المجلس شدیداً عکس العمل نشان داد بطوری که نزدیک بسود میان آن دو نزاع درگیرد.

عکس
جالب

گذارش خیر نویسان

تهیه و ترجمه: میر حسام الدین پرومند

بازدید هلموت شمیت و خانمش از دیوار چین

مانوتوسه تونگ زعمی حزبی و هلمون شمیت
صدراعظم آلمان بزیان انگلیسی صورت گرفت
ایشان ضمن گفتگو ها بشان از یکنس از
فلسفه های جهان ((کانت)) نیز یادی بعمل
آوردند .

هلمون شمیت و خانمش ((هانیلوره))
باجرا رت از طرف چین
پذیرائی شده و پیوسته با شعار های

((خوش آمدید هلمون شمیت!)) که بزیان
آلمانی ارائه میشد صمیمیت شانرا ابراز

هلمون شمیت بهر اعی خانمش (هانسی
لوره) اخیرا سفری به چین نموده واز دیوار
چین که از معروفترین دیوار های جهانست
از نزدیک دیدن کردند . هلمون شمیت
و خانمش ضمن مسافرت (۹۶) ساعته در
چین از شهرهای یکنگ نانکنگ و شینگاید
نگ و بسیاری مناظر تاریخی آنکشور بازدید
بعمل آوردند .

دورین دعوت که در یک فضای کاملاً
دوستانه انجام پذیرفت ، مباحثات

برگشت ۱۵۴۶ ویتنامی به اماکن شان



وضع رفیقار کودکی هنگام برگشت بسوی اسکان اصلی اش .

ترازیدی فرار (۱۵۴۶) ویتنامی زمانی موضوع داغ برای سیاسیون بود و ویتنام میان
که از اثر ظلم و استبداد ویتنامی هادرویتنام جنوبی به ستوه آمده بودند فرار را برقرار
ترجیح داده و به آنسوی بحیره بزرگی که در ویتنام جنوبی واقع است شتافتند .
فتر عظیم فراریان را مردان و زنان سال خورده و اطفال یتیم میساخت که از شدت جنگ
و کشت و خون و اوضاع درهم و برهم جریانات اخیر ویتنام تابمقابله را نیاورده و از شدت
ظلم ((هانگنا)) جزیره کوچکی که تحت تصرف امریکایی هاست به سوی (کوووم)
نقطه دیگری از ویتنام ترک گفتند .

دورین اواخر وقتی گروه فراریان در اثر درخواست ویتکانگ عاخواستند دوباره به
اماکن خویش برگردند کشتی بزرگ ویتنام موسوم به «توونگ تین» به کمک آنهاستافت .
وقتی کشتی از بندر خارج شد و بار دیگر راه ویتنام رادرپیش گرفت هیچ مساعدتی
برای ویتنامی های بی بضاعت و ستم دیده که مجبور به ترک اماکن شان گردیده بودند
نشد و اکنون که ایشان دو باره به اسکان اصلی خویش بر میگرددند چیزی برای خوردن
ندارند ، علاوه امریکایی های ویتنامی یعنی امریکا لیکه تاکنون در جزیره مرکزی
(ماریان) اقامت دارند شایع ساخته اند که با فراریان کاری ندارند و دیگر همچو رویه
خشنانه که باعث فرار مجدد شان گردید تکرار نخواهد شد .



هلمون شمیت و مانوتونگ ملاقات

میکردند ، صدراعظم آلمان بر علاوه بازدید
مفصل از دیوار چین از فارمهای مرغابی
های پیکنگ که دارای بهترین نوع مرغابی
هابود دیدن کردند .

کشتی بزرگ ویتنامی ها موسوم به
(توونگ تین) چین حمل ۱۵۴۶ ویتنامی



از سراسر جهان



چشم پوشی از (۲۰۰۰) مارک

((اکی تیندری)) یکی از مجلات معروف فرانسوی از باتریک دختر ۱۲ ساله ای که اکثراً در ساحات مختلف با مجله همکاری داشت دعوت نمود تا در قسمت تهیه صفحات مود با مجله همکاری نماید. این پیشنهاد بجهت آن از باتریک صور نگرفت که باتریک این دختر ۱۲ ساله از خوشگلترین دخترهای فرانسه بحساب آمده و اندام گیرا و موزون و استعداد شکر فاش به صفحات مود مجله برانندگی خاص خواهد بخشید، البته مجله ((اکی تیندری)) در برابر پیشنهادش از باتریک مقابلتها وعده داده بود که سالانه مبلغ (۲۰۰۰۰) مارک به عنوان دستمزد به موصوف بردارد، اما ((هوتی)) پدر باتریک شدیداً مخالفت نموده و گفت: باتریک هنوز بسن و سالی قرار دارد که نباید بسوی مود گشایده شود چه در قدم اول مامستول تحصیل باتریک میباشیم و در مراحل بعدی سعی ما بر آن خواهد بود تا وسایل سر گرمی بهتر و مؤثر تری برای او تهیه ببینیم - باتریک که سخت علاقمند بود از وجودش مانعیت مانتن استفاده نمایند ازین طرزپیش آمد و مفکوره پدرش شدیداً متأثر گردید ولی حیف که گربه های پیگرش نتوانست تغیر در تصمیم پدرش وارد نماید.



باتریک دختر زیبا صورت با احساس
عالم و فهم شگرف

روزا اکندی در پاریس

روزا اکندی زن ۸۵ ساله و کلا نترین فرد فامیل کندی هاضمن آخرین سفرش در پاریس، حینیکه میخواست از بازار پاریس تحفه ها و هدایایی برای نواسه هایش تهیه کند چشمش به عده از خبرنگاران و عکاسان فرانسوی افتاد که سخت در فعالیت تهیه خبر بودند.

روزا اکندی که معلوم میشد ازین وضع خیلی ها برآشفته شده از عکاسی که میخواست عکسبرداری تقاضا نمود تا (۱۲۰۰۰) مارک وی را پذیرفته و در مقابل از برداشتن عکس او معاف شود. دوتن از ژورنالستان فرانسوی به روزا اکندی تفهیم نمودند که آنها وظیفه یافته اند تا از جریان گشت و گذار وی را پوری تهیه نمایند. روزا اکندی هر چه از وی اجبار حاضر شد تا عکسش را بر دارد ولی در دل خیلی ها ناراض بود چه روزا که شاید صد ها حادثه غیر مترقبه در زندگی اش بود احساس میکرد که درین همه جد و جهد فرانسوی در تهیه خبر سو قصدی نهفته است اما برعکس گفته چنین نبود و فرانسوی ها میخواهند روزا اکندی از فرانسه خاطره های خوشی با خود داشته باشد.



روزا اکندی در برابر یکتن از ژورنالستان فرانسه وی در پاریس

آمادگی برای سالگروه

میخیکو دختر ماوسیتونگ زعمیم حزبی چین درین شب و روز بد خترش نوراکه شش سالی پیش ندارد مصروف مشق و تمرین پارچه های موسیقی و کمپوز های جدید است تا (نورا) دختر کوچک و با استعدادش بتواند درجه اول و یکمین سالگروه مدرسه میخیکو که عنقریب رسیدنی است با هنرنمایی و تقدیم پارچه های جدید چینیایی بیشتر وسایل سر گرمی مدعوین را فراهم سازد. کار آمادگی و مشق و تمرین برای کنسرت از هفته ها قبل آغاز یافته و نورای کوچک اکثراً در صحن باغ اطفال و با اطفال همسن و سالش سرود های جدید را زمزمه میکند و در وقت تمرین با مادرش پشت پیانو می نشیند، و بدین ترتیب نورای خواهان خوشنودی و رضایت مادرش است.



سمیت و ژنش ((هانیلوره)) کنار دیوار چین



میخیکو و نورا نواسه

ماوسیتونگ هنگام تمرین موسیقی



Ghousuddin
KABUL 1975

مطالعه این سلسله فقط به زنبها توصیه میشود

ترجمه میر جمال الدین فخری



طفل و مادر



درجه حرارت انسانهای بالغ فرقی ندارد . مرکز حرارتی نوزاد مانند اطفالی که چند وقتی از عمرشان گذشته خویش فعالیت نمی نماید . ارگانیزم طفل به سهولت سرد میشود ولى به سهولت گرم هم میشود .

اگر طفل نوزاد یا شیرخوار خنك بخورد به گریه آغاز می کند . واگر هیچ تدبیری علیه آن اتخاذ نشود رنگ طفل سفید میشود و بعد از آن به کبودی میگراید دورلیان او دستپاهاى باید به پاهاى طفل مبدول داشت اگر پاهاى طفل مانند یخ سرد می شود . توجه بیشتر طفل گرم است هیچوقتى از شدت سرما دندانك نمیزند . دست اطفال به کثرت سرد می شود

حتی اگر خود طفل گرم می هم بکند دستپایش سرد می باشد . اگر طفل خنك می خورد باید لباس گرم پوشانیده شود باشال ویا چیز دیگری او را پوشانید و اگر ممکن باشد در بستر طفل مشکوٰه سیر گرم (نه داغ) را گذاشت اگر طفل گرم می کند او خیلی ناراحتی از خود نشان میدهد . ازین پهلوی به آن پهلوی می غلتد جلدش رنگ سرخ بخود میگیرد تخته پشته از عرق ترمیشود و طفل به گریه آغاز می نماید حتی بعضی لکه هادر جلد طفل ممکن است ظهور نماید . اگر طفل از حد زیاد لباس پوشانده شده باشد عین حادثه فوق الذکر رونمایی گردد چه در اتاق گرمی در زمستان با کالای و لباس پشمی تن طفل پوشانیده شود و چه در گرمی تابستان لباس زیادی بتن طفل کرده شود مضر است .

در هوای گرم طفل باید در اتاق سر

هوای صاف در آنجا وجود داشته باشد قرار گیرد . در تابستان لزومی ندارد که کلاه بسر او گذاشته شود . در زمستان درجه اتاق اطفال نوزاد نباید از ۲۰ الی ۲۲ درجه بلندتر شود .

آن آلوده باشد اطفال شیرخوار بیشتر عطسه می زنند . اگر طفل سرما بخورد و یا در منطقه سرد دفعتاً قرار گیرد عطسه میزند . طفل که سرما خورده به سهولت نمی تواند از راه بینی تنفس کند . این خصوصیت را مادر هنگام سینه دادن طفل احساس میکند . اگر تنفس از راه بینی ناممکن شود طفل مجبور است از طریق دهن تنفس بکشد ازینرو گاه گاهی برای تنفس کشیدن سر بیستان را راه می کند .

درین حالت حتماً به دکتر مراجعه شود . وقتی طفل به ریزش مبتلا می شود این موضوع باید جدی گرفته شود .

هكك :

طفل شیرخوار به کثرت هكك میزند . خاصیت بعد از خوردن غذا اضافه تر طفل را هكك میگیرد چونکه در زمان چوشیدن مقدار زیاد هوا داخل ریه های او میشود . همچنان هكك زمانی ظهور می نماید که طفل خنك بخورد . درین چنین حالات هكك زدن مریضی نبوده و اتخاذ هیچگونه تدبیری علیه آن لازم نیست . اگر هكك طفل را بسیار آزار بدهد طفل به گریه کردن آغاز می کند و همچنین طفل گریه کرد هكك او فرو می نشیند .

اگر هكك زدن با غذا خوردن طفل ارتباط ندارد وساعت ها ادامه پیدا می کند در آنصورت نزد دکتر مراجعه شود چونکه ایمن حالت يك مریضی جدی طفل را نشان میدهد . نباید هنگام هكك زدن بینی طفل فشار داده شود . فقط دادن ۱-۲ قاشق چای هكك طفل را برطرف می سازد .

حرارت وجود :

حرارت نورمال وجود يك طفل نورمال مستقیماً از روده او اندازه میشود که ۳۶ درجه الی ۳۷ درجه باید باشد (این درجه حرارت با

شود؟) بعضی از اطفال نوزاد واقعاً دارای زبان کوتاهی میباشند ولی معمولاً هیچ چیزی با آنها نمی کنند . به مرور زمان این خصوصیت از بین رفته و طفل قادر میشود بصورت عادی زبانش را حرکت بدهد .

طفل روی خود را پرت و پوست می کند :

اطفال نوزاد اکثر وقتها وقتی که گریه می دهند روی خود را پرت و پوست می کنند . لزومی ندارد که دست های او را بسته کنیم چونکه بعد از چند روزی این عادت را فراموش میکند . لازم است تا دستکش درازی برای طفل بدوزیم در دستش کنیم (مانند ش ۳) و دستکش صرف برای زمان موقت یعنی هنگامیکه گریه میکند در دست طفل باید باشد طفل میتواند با این دستکش های خریطه مانند آزادانه حرکت کند .

اگر طفل ناخن های درازی دارند لازم است ناخن ها قطع شوند .

طفل خرخر می کند :

اگر طفل نوزاد و یا شیرخوار خرخر می کند و یا خود در هنگام تنفس کردن آواز شیطانی مانند شنیده میشود لازم است که بصورت فوری به دکتر مراجعه شود . ولی با وجود این هم خرخر کردن علامه مریضی شمرده نمیشود . طفل بخاطر فشارش یا خرخر می کند که مجرای تنفسی پیشانی باریک است . با مرور زمان این مجرا مریض میشود و طفل از فشارش کردن بازمی ایستد .

عطسه :

طفل نوزاد به کثرت عطسه میزند بدین وسیله بینی خود را صاف می کند در محیطی که آلوده

قبل از تولد در ارگانیزم نطفه بعضی اوقات افرازات بلغم شکلی داخل میشود . درین چنین حالات بعد از تولد از دهن نوزاد آب دهن زرد شکلی در روز های اول و دوم تولدش خارج میگردد . درین زمان لازم است تا متوجه طفل شویم و تدبیری اتخاذ کنیم : در وقت فی کردن لازم است که طفل را روی به دل بخوابانیم برای اینکه مواد فی شده راه تنفس او را مسدود نسازد چونکه اگر طفل تخته به پشت قرار داشته باشد بسیار محتمل است که مواد فی شده داخل مجرای بینی او شده و راه تنفس طفل را مسدود سازد و یا این عمل از طریق قورت دادن یک قدمت مواد است فراغ انجام شود .

وقتی فی کردن خاتمه یافت لازم است تا دهن طفل پاک شود .

طفل نوزاد را هیچ گاهی تنها نگذارید و همیشه با او کسی باشد که به مواظبتش رسیدگی کند چونکه او بکلی بسی دفاع و بیچاره است .

اگر طفل چیزی را صحیح قورت داده نمی تواند و یا کدام حادثه دیگری برایش رو نماید اگر مادر که در گذارش قسار دارد خودش به کمک میرسد و یا اینکه دوکتور را به کمک می طلبد عدم مراعات این قاعده شاید به قیمت حیات طفل تمام شود .

زبان درازی :

بعضی از مادر ها میپر سندن : (طفل ما نمی تواند زبانش را درون دهان نگذارد شاید چیزی هست که مزاحمتش میکند . نرومی دیده نمیشود که زبانش قطع



قسمت سوم

نوزاد یکه قبل از وقت زاده شده

باید درین ظرف های پراز آب همیشه قرار داشته باشد *

سینه دادن :

شیر مادر برای طفل خام ارزش حیاتی دارد. ولی بعضی از اینچنین اطفال قادر نیستند پستان مادر را بکشد. بهتر است به آنها سینه داده نشود و اینکار تا چند روز و حتی یکی دو هفته اول زندگی او باید ادامه بیاید و شیر مادر دوشیده شده و بخورد طفل داده شود. ازینرو مادران خودشان را از همان آوانیکه هنوز در زایشگاه قرار دارند به دوشیدن پستان خود پیردازند و این عمل را تا آن زمان ادامه بدهد که طفل قادر به مکیدن پستان او شود *

دو ت شود که طفل خام از اندازه زیاد غذا داده نشود. در روز اول زندگی طفل خام هیچ چیزی باید پراش داده نشود. بروز دوم تولد او فقط چند قاشق چایخوری از شیر مادر باجای پراشش داده شود اگر حرکاتی

مانند جوشیدن توسط لب های طفل بهلا حلقه میرسد و به گریه آغاز می نماید مفهوم آن اینست که طفل گرسنه است. اگر طفل از اشتها و لویک قاشق بیشتر میخورد آنرا دو باره فر کرده که بسیار امکان دارد موافق شده در مجرای تنفس او قرار گیرد و خطری را متوجه طفل سازد و طفل را به التهابشش ها دچار کند. از همین لحاظ است که طفل خام را به دقت بیشتر باید غذا داد. توجه خاص باید مبذول گردد که توسط غذا در مجرای تنفس طفل هوا داخل نشود. بهتر است طرز شیر دادن طفل های خام را از نرسهائیکه باتجربه اند عدایت گرفت و نظریه هدايات آنها رفتار نمود *

و با وسیله درجه حرارت آنرا تنظیم ببخشید) چیرکت و یا بستر طفل به هیچوجهی نباید در جریان هوا قرار گیرد چونکه در غیر صورت هوارسیدگی برای طفل مذکور حتمی میباشد علاوه بر آن باید در بستر طفل مشکوله ای باب شیر گرم بگذارید تا طفل تا آن سرما نخورد و ریزش نکند *

برای اینکار لازم است که از مشکوله استفاده شود به ترتیبی که دهن مشکوله به هیچ صورت زانزد و دور مشکوله بالاتیل (فلالین) پیچانیده شده و در بستر طفل بهلولی طفل گذاشته شود. حرارت بستر طفل همیشه مراقبت شود زیرا حرارت وجود طفل خام هیچ گاهی نباید از ۳۷ درجه بلند تر برود. اگر طفل از گرمی ناراحت می شود باید همان قسمتی که مشکوله گذاشته شده دیده شود که داغ نگردیده است ؟

گرم کردن بستر طفل خام باید نظر به هدايات دکتور موظف یا پرستار صورت گیرد *

چگونه آزمایش کنیم که طفل نوزاد خام در شرایط حرارت نورمال قرار دارد؟

ساده ترین طرز آن اینست که ترمومتر را در فم طفل برای ۱۵ دقیقه گذاشته و روی آن کهیل را کش نماییم. اگر ترمومتر ۳۰ درجه را نشان داد طفل در شرایط حرارت نورمال قرار دارد *

به همان پیمانه ای که برای طفل خام اتاق گرم ضروری محسوب میشود به همان اندازه هوای خشک برای طفل نا مناسب و مضر است. به منظور ازدیاد بخشیدن رطوبت هوای اتاق در ظرف لازم است که از آب پر باشد و درعین آن روی پاک ضخیمی را که در آب ترشیده بگذاریم. انجام های روی پاک

از دو کیلو گرام باشد باید به شعبانی که در شفاخانه ها (زایشگاه) به منظور پرستاری از اطفال خام تخصیص داده شد انتقال داده شود. و این تازمانی در آنجا باقی می ماند که وزنش بیش از دو نیم کیلو گرام شود با طفل خام نهایت مهربا نانه و با احتیاط کامل رفتار شود *

به اطفال خام لازم است بنوبه اول از خنک خوردن (چه در زمستان و چه در تابستان) توجه خاصی مبذول گردد چونکه حرارت وجود اینچنین اطفال الی ۳۵ درجه سانتی گراد یائین آید. ازین لحاظ حرارت اتاقی که در آن اطفال خام قرار دارند در طول مدت شب روزی در حد ۲۷-۲۵ درجه سانتی گراد تنظیم گردد. اگر طفل تا آن در اتاق منزلتان تولد میشود و همانجا باقی می ماند باید یک ترمومتر برای معلوم نمودن درجه حرارت اتاق خریداری کرده و در اتاق نصب نمایند



طفل خام بسیار ضعیف بوده و مواظبتی خاص را ایجاب می کند

تقریباً در هر ده طفل یکی از قبل از وقت معین بدنیا میاید و زن اینچنین اطفال ممکن است در حدود دو نیم کیلو گرام و یا در حدود یک کیلو گرام باشد. اطفالی که قبل از وقت معین بدنیا می آیند ((خام)) یاد میشوند و اطفالی که به وقت معین آن تولد شوند ولی وزن آنها از ۲ کیلو گرام کمتر باشد نیز ((خام)) گفته می شوند طفل خام بسیار ضعیف بوده مواظبتی خاصی را ایجاب می نماید اگر در انای تولد وزن او کمتر

سوال

به خرد راه عشق می پویی ؟
با چراغ الفتاب می جویی ؟
تو هنوز ابعاد خرد خوانی ؟
وز معمای عشق می گوئی ؟
مردگامی و عشق می ورزی ؟
دردگامی و مشك می بویی ؟
خالانی

شش

بیگانه

ارزومند دیار ددرد پندوا مه شه
بیگانه دخیلو منخ لره راهه شه
هنگامه دمیخی گرمه ده تر حسنه
دمجنون ددرگدا بنه لیلی مه شه
که بلا به عشق کیتی دیری دی ناصحه
دابلا واره به عاشه به تا مه شه

بروانه غندی خله پته خپسر سیزه
دسینه به خیر شوخ چشمه رسوا مه شه
که می مرگدی هغه یارته به خوا شوی
لهری کاره پنبهانی ورپه خوا مه شه
میخ دیم ورباندی نه لگی ناصحه
داحمید بلا وهلی ملا مه شه
حمید ماشو خیل

حرام

می لعل خور ! خون دلها مریز !
نوخاکی ، جواتش مشو تند و تیز !
می لعل گون خوشتر است ای سلیم
زخو نایه اندرون یتیم
اگر دامن آلوده گردد به می
حرامست ، خصمی ندارد ز می
از آن آب رنگین به نزدیک من
به از آنکه نفرین کند پیرزن
بده ساقی نوش لب جام جم
که بزدايد آن می زدل زنگ غم
ازین پنج شین روی رنیت متاب :
شبو شاهدو شبدو شمع و شراب .
فردوسی

لوی اختر

ستا لیدل ماته به هر مهال اختر دی
بی له تا خنی اختر به خه اختر شی ...
چنه راشی اوخیل خان درته خیرات گرم
ووهر اختر به په ماخدا یرو لوی اختر شی ...
دوکتور زیار

قهوه یی

در چشم های او :
هزاران درخت قهوه بود
که بیخوابی مرا
تعبیر می نمود .
ل. منشی زاده

سپیل

زهی عشق زهی عشق که ماراست خدا یا
چه نفزست وجه خوبست، چه زیباست، خدا یا!
به هر مغزو دماغی که در افتاد خیالش
چه نفزست وجه نفزست، چه زیباست، خدا یا!
چوسلیم و چو چویم، همه سوی تو یویم
که منزلت که هر سبیل به دریاست، خدا یا!
چه گرییم، چه گرییم، ازین عشق چو خورشید

چه پنهان و چه پنهان و چه پنداست خدا یا
زهی ماه، زهی ماه، زهی باده همراه
که جانرا و جبارا، بیاراست، خدا یا
زهی شور، زهی شور، که انگشته عالم
زهی کار، زهی کار، که آنجاست خدا یا
«انتخاب از دودغزل مولانا جلال الدین بلخی»

خورد

زهر به، اسیر به، له غمه خفه سنا
دلگیر به، فقیر به، دوسل دی گدا
ویلیر به، سولیر به، له لاسه درویش
حاضر به، ناظر به، و تانه به زرا
حبیب می شه، طبیب می شه، زخمی یم بر زدی
خورمن به، غمجن به، زه غوار به دوا
شفیق می شه، رفیق می شه، پرموا کوه نظر
عاشق به، صادق به، خیل خان بولم فدا
(محمدر فقی)

سراغ

سناد کنبلی مخ به خال می زره به دماغ دی
به دماغ می له عالمه زره فراغ دی
سج چنانست یم دگلو نو به چمن کبسی
بیا ساقی راته نیولی دک ایاغ دی
دزلفینو به تودتم کبسی به لی غوار یم
داورک زره که رانیکاره کامخ خراغ دی

چه دگنبلیو دجمال ننداره کاند
و هفتقه سبیره داک سیر دباغ دی
دگلو نو به بوی خی به گلزار و رسی
دگلو نو بوی بلبلوته سراغ دی
دخوشحال سترگی هوری چه بنایسته وی
خلقه زره نی نه به باغ دی نه به راغ دی
(خوشحال خنک)

چاره

ساقیا خیز و بیمای شراب ناکی
تا مگر باده تو چاره کند غمناکی
زاتش باده بر افروز چراغ دل ما
تابه آبی بفروشیم وجود خاکی
جامه جان که به لوت غم دهر آلوده ست
به جز از باده ناکی نپذیرد پاکی
کی دل ایمن شود از چشم تو وزلف سیاه
شب بدان تیغمی و دزد بدان جالاکی
بند ناصح مشو باده دیرینه یار
که بود بندوی از غایت بی ادراکی
رحمت شیرازی

گیله

دفلک له لاسه زار یم به کوکار یم
هم حیران دزمانی به کارو بار یم
چه یودم می ولی نه پروردی بر غمه
هر ساعت ددی دلاسه ناگوار یم
ماخو نه دی خولا هیچ چیزی آزار گیری
زه آزار بدله دکوم آزار یم
زمانه دیار آشنا لاسونه کوری
چه به لاس کبسی می خه نشسته گناهکار یم
دی فلک چه خه کول هغه نی و کول
که نورهم را باندی گیری ورته تیار یم
سید عبدالغفار

فریاد گامی



پیوسته بگذشته

شدم و دست زدم، مرده بود. تپانچه روی زمین وسط پاهای او افتاده بود. سلاح را برداشتم و خیلی زود متوجه شدم که این تپانچه متعلق بمن است. آن موقع بشدت تکان خوردم. تپانچه من! فوراً يك مساله بغاطرم گذشت اینکه (آن) بدون جلب توجه من تپانچه را برداشته و پنهان کرده شاید بفکر اینکه وقتی وضع برایش غیرقابل تحمل گردید، انتحار کند. شاید هم در آن روز این تپانچه را بهمین نیت باخود برداشته بود. ومن آنروز شاید در آن لحظه دیوانه شده بودم که چنین فکری درباره او بغاطرم راه یافت زیرا فکر کردم (آن) مرتکب این قتل شده است. تپانچه را در جیب خود افکنده به عجله بیرون رفتم و نزدیک درب خیابان آقای کشیش رو برو شدم. با قیاد که با پروتیرو قرار ملاقات دارد ولی دچار من يك حمله هستریک خنده شدم... شاید مقدمه چون بود. از او جدا شده برای خود ادامه دادم رفتم و رفتم... بالاخره به این نتیجه رسیدم که تحمل بیشتر این جریان را ندارم. اگر هم آن مرتکب قتل شده باشد، مسؤول من بودم. ازین لحاظ خود را در اختیار پلیس گذاشتم.

خوشی نسبتاً طولانی بین ما بوجود آمد. سپس مدیر پلیس بالحن جدی گفت: من از شما چند سوال دارم: به چند دست زدید؟ و آیا بنوعی سعی کردید محل او را تغییر بدهید؟

- خیر به او تماسی نکردم. از دور هم می شد فهمید که مرده است.

- آیا متوجه یاد داشتی که روی میز قرار داشت شدیدی؟

- آنکه نزدیک جسد دیده میشد؟

- خیر.

- آیا ساعت دست زدید؟

- خیر، دست نزدم. تصور میکنم ساعت خوابیده بود معذرت به آن دست نزدم.

- خوب برگردیم بمساله تپانچه نان شما سلاح را برای آخرین دفعه در کجا دیدید؟

- لئورانس ریڈینگک لحظه ای فکر نکرد و بعد جواب داد: جواب قاطعی برای این سوال دادن خیلی دشوار است.

- تپانچه در کجا بود؟

- در کلبه محل اقامت و در اتاق نشیمن در یکی از قفسه های کتاب.

- یعنی آنرا در دید همه گذاشته بودید؟

- آری، برای اینکه زیاد بفکر تپانچه نبودم همینطور آنجا نهاده بودم.

- و هر کس وارد کلبه شما میشد میتواند آنرا ببیند؟

- آری.

از آن آگاه بودند. و داستان شما نقل مجلس شان بود.

- درست است شما حق بجانب هستید. من به پدر مقدس قول داده بودم که هر چه زودتر ازینجا خواهم رفتم. آنروز شام وقتی در ساعت شش و ۱۵ دقیقه در آنلیه با خانم پروتیرو ملاقات کردم، تصمیم خود را به او گفتم. او نیز معتقد بود که راه دیگری جز این وجود ندارد. باهمدیگر وداع کردیم، سپس از آنلیه بیرون آمدیم و بلافاصله به دوکتور بایندوک برخوردیم (آن) بعدی طبعی جلوه کرد که حدس زده نمی شد غصه ای بین ما وجود دارد. در حالیکه از عهده من ساخته نبود.

در معیت دوکتور ستون به میخانه (خوک آبی) رفته مشروب خوردیم. سپس قصد مراجعت به خانه کردم ولی هنوز تا مدخل آنلیه نرسیده ازین فکر منصرف شدم و خواستم لحظه ای پدر مقدس را ملاقات کنم به حرف زدن احتیاج داشتم. خدمه شان بمن گفت که آقای کلمنت در خانه نیستند اما کمی بعد مراجعه میکنند و آقای پروتیرو هم در اتاق کارشان منتظر نشسته است. من هم به سوی اتاق کار آقای کلمنت رفتم.

- خوب بعد؟

- پروتیرو پشت میز کار نشسته بود بهمان شکلی که شما او را یافتید. وقتی به او نزدیک

ممکن است... مالجت حرف او را بریده گفت: البته ما هم داستانی را که او نقل کرد باور نکردیم چنانچه به صدق اظهارات شما هنوز بطور قطع مطمئن نیستیم. زیرا دوکتور باید وک معتقد است که ارتکاب جنایت بطور قطع در ساعتی که شما تعریف کرده اید صورت گرفته است.

- آیا دوکتور بایندوک اینطور گفته؟

- آری و حال اگر شما خواسته یا نخواسته باشید، تقریباً تبرئه شده اید. حال از شما خواهش میکنم بتوان همکاری با ما بنشینید و تا آنجا که از حقایق اطلاع دارید، با ما صحبت کنید.

لئورانس که هنوز متردد بود: آیدار مورد خانم پروتیرو قصد اغفال مرا ندارید؟

- بشرف خودم سوگند می خورم.

رسم نفس عمیقی کشیده گفت: من يك احمق بتمام معنی هستم زیرا بخودم لعنت میکنم که چگونه توانسته ام فکر کنم (آن) مرتکب جنایت شده است.

- لطفاً جریان را برای ما تعریف کنید.

- چیز زیادی برای گفتن وجود ندارد.

من شام آنروز خانم پروتیرو را ملاقات کردم...

- ماهی این هارا میدانم. شما تصور میکنید قضیه دلباختگی شما و خانم پروتیرو هنوز جزء اسرار باقی مانده در حالیکه عده ای

داشته بلکه خواسته است جنایت را مستیها به گردن (آن) بیندازد. اگر میس ماریسل نمی گفت که آن را دیده، با او صحبت کرده و آن تپانچه نداشته است، آنوقت... نتیجه معلوم بود. آری لن، بنظرم اینطور می آید که کسی از آن بشدت متغیر است و مایل است او را به عنوان قاتل و جنایتکار به دادگاه بفرستد.

ومن ازین کار هیچ خوشم نمی آید.

تا آمدن لئورانس ریڈینگک مرا هم به اتاق کارم احضار کردند. رسم جوان حالتی خسته و مشبوه داشت.

مالجت به لحنی مودبانه اظهار داشت: می خواستم در اینجا چند سوالی از شما بکنم.

لئورانس به ملایمت لبان خود را گاز گرفته جواب داد: این همان اسلوب تحقیق فرانسوی است یعنی دقایق عمل جنایت را تکرار کردن.

مالجت گفت: فرزند، با ما اینگونه صحبت ننمائید. مگر نمیدانید جنایتی را که شما ادعای ارتکاب آنرا نموده کسی دیگر بعهده خود گرفته است؟

این سوال مالجت روی رسم تأثیر زیادی گذاشت و سراسیمه گفت:

- چه... چه کس دیگری؟ چه کسی، کی؟

مالجت که بدقت به اومی نگریست، جواب داد: خانم پروتیرو.

- دروغ است. او مرتکب قتل نشده غیر

شوهرم آمده ام تا با هم برگردیم. نمیدانم آیا باور کرد یا خیر؟ زیراحالت عجیبی بخود گرفته بود. بعد از اینکه از او جدا شدم مستقیماً به اینجا آمدم. از کنج حویلی دور زده به پنجره دفترکار آقای کشیش نزدیک شدم و نگاه می‌کردم. آنجا خلوت افکندم. اتاق خالی بود. آنوقت برگشتم و به عجله خود را به آتلیه نقاش رساندم و یک لحظه بعد لئورانس به من ملحق شد.

- گفتید اتاق خالی بود؟

- آری. شوهرم را آنجا ندیدم.

- عجیب... یعنی شوهرتان را در آنجا ندیدید؟

ادامه دارد

به من گفت که قصد دارد به ملاقات آقای کلمنت برود. البته ملاقات من با لئورانس در کلبه اش قدری نامناسب و عجیب جلوه میکند. موقع گفتن این جمله رخساره عایش فرغ شده بود زیرا گفتن این مطلب برای اودشوار بود معذراً ادامه داد بعد متوجه شدم که شوهرم در منزل آقای کلمنت زیاد توقف نخواهد کرد. برای پی بردن و مطمئن شدن از این موضوع از در عقبی وارد حیاط شدم. تصور میکردم کسی مرا نخواهد دید ولی میس ماربل در حیاط خانه اش بود متوجه ورود من گردیده مرا متوقف ساخت کمی با هم صحبت کردیم با او گفتم که دنبال

و حالا خواهش برای ماحقیقت را بطور کامل و بدون کم و کاست برای من شرح بدهید خانم پروتیرو.

زن سرخود را بطور جدیانه جنبانده جواب داد: شرح میدهم. در هر صورت شما از جریان وقوف کامل دارید.

- آری.

- قرار بود امروز شام با مستر ریڈینگ را در کلبه اش ملاقات کنم. در ساعت شش و ربع به همراهی شوهرم از خانه سوی دهکده حرکت کردم. لازم بود مقداری خرید کنم درست موقعی که از هم جدا می‌شدیم شوهرم

سویخاطر نمی‌آوردید که تپانچه ناآرامی برای آخرین مرتبه در کجا دیدید؟ لئورانس ابروهای خود را بالا کشید و در حالیکه تظاهر میکرد بخاطر بیاورد جواب داد: از اینکه روز گذشته در جای خود بود، کاملاً مطمئن دارم. بیاد دارم که موقع برداشتن یک کتاب، آنرا بادیست خود کنار زدم و این درست دیروز بود کاملاً بی‌بیاد دارم.

- این اواخر چه کسی به کلبه شما وارد شده بود؟

- بعد زیادی محققاً بیدار من می‌آمدند. روز گذشته مثل اینکه برای شان جای هم دادم. لیتس پروتیرو، دینس و رفقا پیش بودند. گاه‌گاه برخی ازین زنان سا لخورده نیز از من خبر می‌گرفتند.

- آیا مواقعی که بیرون میرفتید، در کلبه ناآرامی قفل می‌زدید؟

- خیر، چرا باید قفل میکردم؟ در کلبه من چیزی که ارزش دزدیدن را داشته باشد، موجود نیست. گذشته ازین درین دهکده کسی درب خانه خود را قفل نمیکند.

- کارهای خانه شما را چه کسی انجام میدهد؟

- مستر آرچر سالخورده هر روز صبح منزل مرا ترتیب میدهد و آب و چارو میکند. آیا ممکن است مستر آرچر بخاطر بیاورد که تپانچه را برای آخرین بار در کجا دیده است؟

- نمیدانم شاید بخاطر بیاورد. اما راستش نمیتوانم تصدیق کنم که وی برای گردگیری اعتنای زیادی نشان میداده.

- خلاصه وضع ازین قرار است تپانچه را هر کسی میخواست میتوانست بردارد. آری، اینطور بنظر می‌آید.

در ین موقع در باز شد دوکتور بایروک در حالیکه (آن پروتیرو) با او همراه بود، داخل شدند. زن بادیست لئورانس سخت تکان خورد. رسامیکی دوقدم بسوی او برداشت و گفت: آن، مرا ببخش. اگر در مورد تسو طور بدی فکر کردم.

آن گفت: من... سپس معطل ماند و نگاهی التماس آمیز به مالچت افکند. ادامه داد: آیا آنچه دوکتور بایروک بمن اظهار داشته درست است؟

- آیا در باره اینکه مانسبت به مستر ریڈینگ مطمئنم؟ آری درست است و حال برگردیم به داستان شما خانم پروتیرو.

زن جوان تبسمی محجوبانه بر لب آورد و گفت: چه کسی میداند در مورد من چه افکار

و اندیشه‌های بدی بخاطر نان گذشته است. نه فقط ما شما را متهم بر فتاری کودکانه میدانیم ولی دیگر همه این اندیشه‌ها و تصورات پایان گرفته است.



شعر نو نیاز زمان است

و پدیدۀ عصر

گفتگوئی پیرا مون شعر امروز باشا عر جوان شاه امیر (فروغ)
- در شعر نو سا حه بیشتر ی برای جو لان فکر شا عر و جود
دارد.
- احساس شا عر احساس مردم است.
- شا عر در بر خورد مستقیم خود با مردم می تواند از محدودیت
های خود آگاه شود.

(کلمه نی چند برای آ شنا ئی باشاعر)
شاه امیر (فروغ) شا عر جو ان در (۲۴) دلو سال ۱۳۳۰ در کا بل
دیده به دنیا گشود. وی تحصیلات ابتدائیش را در مکتب سید جمال-
الدین افغان به پا یان رسانیده د رلیسه غازی به ادامه تحصیل پرداخت
و در ماه میزان سال ۱۳۴۹ شا مل فاکو لته انجیری پوهنتون کا بل
گردید و اکنون آخرین ماه های تحصیلاتش را در رشته انجیری
ساختمان می گزارد.

طوری که همه میدانیم امروز با رفتاری های زند گی ما شینی کمتر
کسی پیدا میشود که به دو ر شته متضاد علاقه مند گردد، در حا لیکه
فروغ علاوه به شعر و ادب به رشته انجیری نیز عشق می ورزد و بدون
تردید با ذوقی که در وی نهفته است در هر دو ر شته مورد نظر گامهای
وسعی خواهد برداشت.



امیر فروغ

میر سم نظرت راجع به روش نوین
در سر و د ن شسر چیست؟
- به عقیده من شعری بنا م شعر نو
وجود دا رد و باید هم وجود داشته
باشد چه شعر نو نیاز زمان است
و پدیدۀ عصر.
بلبی شا عر امروز نبا یسد
از ابزار شعری قرون گذشته
استفاده کند. آری صدای او با ید
صدای مردم او با شد صدائی که
انسان معاصر او آنرا تشخیص دهد
و فریاد او فریاد انسان امروز.

شاعر امروز میداند که قالب های گذشته برای بیان احساسش تنگی
میکند و باید قواعد عرو ضی گذشته شکستاده شود. البته هدف من ازین
گفته ترك روش كلا سیک نیست بلکه باید یاد آور شوم که در شعر
نو هم و زن و جود دارد (البته نه همان و زن های ثابت بلکه
اوزانی که از محور عرو ضی گذشته جدا شدند) و شعر بدون و زن اصلا
شعر نیست ولی در قسمت قافیه باید بگویم که شا عر امروز در
شعرش قافیه را تقلیل داده و یا در برخی از اشعارش از قافیه اصلا
استفاده نمی کند و دلیل آن اینست که شاعر امروز میخواهد سا حه
بیشتری برای جولان فکرش داشته باشد.

- به عقیده ات شا عر چگو نه خود را بشرايط زمان وفق دهد؟
- طوری که میدانی شعر صدای احساس شا عر است و احساس
شاعر احساس مردم او ست چه او در جا معه و در میان مردم زند گی
میکند حال اگر شا عر این احساس را مؤفقا نه در شعرش منعکس
میکند او خود را بشرايط زمان وفق داده ولی اگر شا عر خود را در میان
مردم نمی بیند و دنیا لهرو شعر ای قرون گذشته است انسان هم
عصرش هرگز نمیتواند او را ببیند و صدایش را تشخیص دهد، چه
احساس او متعلق به گذشته هاست نه به انسان هم عصر او.

بقیه در صفحه ۶۰

ژوندون



روان شناسی

داشتن هدف روشن

اگر شخص هدفهای مشخص و معین
داشته باشد بندرت در حال نو سا ن
و بی تصمیمی است مثلا وقتی شما
بدانید که مقصد شما کجاست بدون
اینکه توجه بدیگران داشته باشید
راه خود را انتخاب و به همان طرف
رهسپار خواهید شد.

وقتی از هدف صحبت میکنیم باید
میان هدف های آنی و هدفهای غایی
فرق قایل شد زیرا راههای رسیدن
به هر يك ممکن است با هم فسرک
داشته باشد. خوشبخت آنکسی که
میداند چه میکند و چه باید بکند.
بطور کلی شایسته است که جوانان
در مکاتب تمایل شغلی در خود معلوم
دارند و استعداد خود را در زمینه آن
نمی بیوند.



اندیشه های جوانان

محمد یاسین ازبسته خانه کارته ۴

از آنجائیکه شیوه تفکر ما انعکاس از شرایط مادی و محیطی ماست و محیط و اجتماع و بالاخره موقف اجتماعی ما و طرز تفکر ما را رهبری میکند از آنجائیکه شیوه تفکر جوانان انعکاسی است از شرایط که او را پروراند و در آن نشو و نموده و تکامل کرده است.

پس : عقیده من عوامل ذیل در زمینه خیلی ها موثر است .

- جوانان ما چرا فاقد جرئت اخلاقی هستند ؟

- چرا نمی توانند در برابر يك جمعیت بزرگ قرار گیرند و حرف بزنند ؟

- چرا آنچه در ذهنش است در انظار خلق اظهار و تبارز کرده نمیتواند ؟

این همه مسایل است است که همه جوانان منور و روشن فکر متوجه است که باید آنرا پاسخ گویند طوریکه متذکر شدیم که طرز تفکر ما در شرایط محیطی و عمل اجتماعی ما سر چشمه میگردد .

بنا باید متوجه بود که جوانان ما درجه گونه شرایط در تحت تربیه و تعلیم قرار دارند مسلماً هر فرد با هوش به این موضوع متوجه است که ضعف جرئت اخلاقی يك فرد از ضعف جرئت و بالاخره از ضعف افکار نادرست والدین آنها سرچشمه میگردد .

پس مستقیماً وجود والدین بر تمام جوانب افکار تأثیر از خود بجا میگذارد که از افکار نظریات و اندیشه درونی آنها نمایندگی میکند .

ما جوانان که امروز می خواهیم خود را از راه علم و دانش و داشتن يك مفکوره عالی و واقعی بینی استوار سازیم :

باید همیشه شاهد واقعیت باشیم اگر تاریخ هر کشور را واقعاً ورق بزنیم میگیریم و مشاهده میکنیم که چه در آینده نزدیک و یا آنکه بعد از گذشت يك زمان واقعیت همانند آفتاب روشن می شود اما کم نظری ها غیر علمی بشکست مواجهه شده و بالاخره واژگون و نابود میگردد و جای آنرا واقعیت تسخیر مینماید .

البته همینکه میگوییم شاهد واقعیت هستیم نباید از واقعیت انکار کنیم چرا که با هم بیانگر واقعیت هارم و تاریخ است که ناواقعیت هارم محکوم میسازد و واقعیت هارم و تاریخ است تاریخ است که ناواقعیت هارم محکوم میسازد و واقعیت هارم و واقعیت هارم و تهداب اساسی واقعیت را در هر کشور مستحکم اعمار میکند بلی مردان بزرگ و پادشاهان عالی خورشید توانستند تاریخ را به وجود بیاورند و تاریخ بسازند برای نسل بشر و نسل امروز نسل فرهنگ دانش ما جوانان از فدائیکاری و جان نثاری ایشان چه در راه حفظ حقوق وطن بوده و چه در راه اعمار جوامع بشری ما از فدائیکاری آن فرزندان صدیق کشور یادآور می شویم پس بر ما لازم است تا در راه پیشبرد وطن و ارامنای مردم خود از ابتدا خود را در لباس واقعیت آشنا ساخته و در ساحه علم واقعیت بینی به پیش حرکت نماییم و مصدر خدمات شایسته به وطن و به هموطنان گرامی خود از روی واقعیت و واقعی بینی کار نماییم .

نویسنده مضمون محمد داود (نوری)

جوانان باید بفهمند که وطن مادر حال کنونی هنوز يك مملکت بسیار فقیر است و بر کندن ریشه فقر در يك مدت کوتاه میسر نیست فقط فقط فقط جوانان و همه مردم ما میتوانند با مساعی مشترک با نیروی خود کار کنند و وظیفه جوانان است که برای مردم در حل مشکلات شان روشنی انداخته و آنها را از طریق مباحثه به اسلوب درست راهنمایی کنند جوانان فعالترین و شاداب ترین نیروی جامعه هستند آنها باید از همه بیشتر به این خاک زحمات بکشند يك جوان باید بفهمد که چگونه از انرژی خود کار بگیرد زیرا که در هنگام شباب سرشار و شاداب نیروی حیوانی مثل آفتاب صبح میدرخشد و چشم امید تمام مردم مابه آنها دوخته است زیرا که سرنوشت این مملکت باید گلت به نیروی جوانان انکاء دارد یکنفر هر قدر توانا باشد باز هم به نیروی يك نسل جدید احتیاج مبرم دارد آیا يك نفر میتواند که توده عظیمی را از بدبختی نجات بدهد ؟ نه بلکه همه مردم ما باید زحمت بکشند و يك جوان باید اسلوب های ناپسند را بدور افکند و رویه پسندیده را حفظ کند و اگر اشتباهی رخ میدهد باید فوراً در رفع آن بکوشد و همه وقت در همه جا بروی اصول صحیح با فشاری کند و وظیفه جوانان است که از خود بیشتر به دیگران توجه داشته باشد و در هر مسئله که بر میخورند باید سوال کنند و به هیچ وجه نباید گورگوارنه قبول کنند . وظیفه يك جوان است که باید وفادار ، صادق و فعال باشد و استقرار نظام نوین جمهوری را از جان خود قربانی نماید .

عبدالستار (محبوب)

معلم صنف ۱۲ شبی گیسو

اگر میخواهید اندام

متناسب داشته باشید



موضوع تناسب اندام یکی از مسایل بسیار مهم قرن بیستم و مخصوصاً برای خانم ها که بیشتر طالب زیبایی و تناسب اندام خویش اند زیاد تر دلچسپ و مورد توجه آنهاست .

تناسب اندام نیز مد سازان و مد پرستان را بشدت بخود مشغول داشته است . و ایشان هر سال با اختراع ماشین ها و وسایل کا ملا جدید میکوشند تا عیوب و نواقص که در هیكل و اندام خانم ها وجود دارد رفع کنند و در ضمن بازار فروش وسایل را که بدین منظور تهیه نموده اند گرم سازند . و جدید ترین وسایل را بدسترس خانم های که ازین ناحیه شکایت دارند میگذارند .

یکی از این وسایل که بیشتر در اروپا و امریکا طرفداران زیاد دارد وسیله است به مانند بایسکل با این تفاوت که در بایسکل عرابه ها نصب است و در این وسیله عرابه وجود ندارد .

تمرین با این وسیله جدید از طرف صبح خیلی ها به زیبایی اندام کمک می نماید . باید متذکر شد که بایسکل سواری نیز از جمله ورزش های محسوب میگردد که در امر لاغر شدن و کم کردن وزن رول مهمی دارد .

مسایل زندگی جوانان

لابد پیش خود میگوئید که در خارج چون همه چیز پیدا میشود پس چه تحفه ای میتوان برای دوستان ، نزدیکان و آشنا یان فرستاد ؟ و از طرفی هم تشریفات گمرکی و پستی و تحمل هزینه کرایه و غیره بسیار مشکل است . و تحفه ای که فرستاده میشود حد اقل از پنجصد تا هزار افغانی کرایه آنست در صورتیکه استطاعت چنین کاری را ندارید و در عین زمان میخواهد که حتماً چیزی برای دوستان و نزدیکان خویشی که در خارج بسر می برند بفرستید پس بهترین راه آن فرستادن پوست کارد از مناظر وطن است . البته باید متذکر شد که فرستادن کارد باید به موقعش صورت گیرد و تا قبل از اینکه عید فرا رسد پوست کارد شما برای طرف مقابل حد اقل يك یاد و روز قبل از عید برسد . با فرستادن پوست کارد و یا مکتوب از یکطرف از کرایه و مصارف گمرکی خود را خلاص میکنید و از جانبی هم مکلفیتی را که احساس میکنید به بهترین صورت آن انجام داده اید . و طرف را ازین یاد آوری به موقع خوشحال میسازید .

سخنان نژاد پراره زن

- زن تربیت شده و وظیفه شناس مقياس ترقی يك ملت است .

(يك)

- دختران پاکدامن ستارگان روی زمین هستند .

(شکسپیر)

- زن چون بخت و طالع است اگر امروز آنرا از دست دادی نباید تصور کنی که بعد دست خواهی آورد .

(شکسپیر)

زندگی امروز

تهیه و نگارش: فریحه پرجوش



بریزید تا نرم گردد. وقتی نرم شد با گوشت کوفته مخلوط کنید. پیاز را پوست گرفته ریزه کنید و با تخم ها، مرچ و نمک بالای مخلوط کوفته و مغز نان پیافزایید و خوب به هم بریزید. روغن را در ظرف ریخته بگذارید داغ گردد از مخلوط فوق به هر اندازه ای که خواسته اید گرفته به شکل بیضوی در آورید و در روغن پخت و رویش را سرخ کنید. قبل از انداختن در روغن کتلت ها را در نان قاق میله شده بمالید و متوجه باشید که بیش از یک یادو عدد کتلت را در یک دفعه سرخ نکنید. زیرا هرگاه بیش از دوسه عدد را یکجا سرخ کنید به علت آب انداختن گوشت، کتلت ها خراب خواهند شد.

کتلت مرغ

مواد لازم:

یک دانه مرغ متوسط، یک عدد نان سفید سیلو، یک پیاله شیر، دو عدد تخم مرغ، روغن، مرچ و نمک.

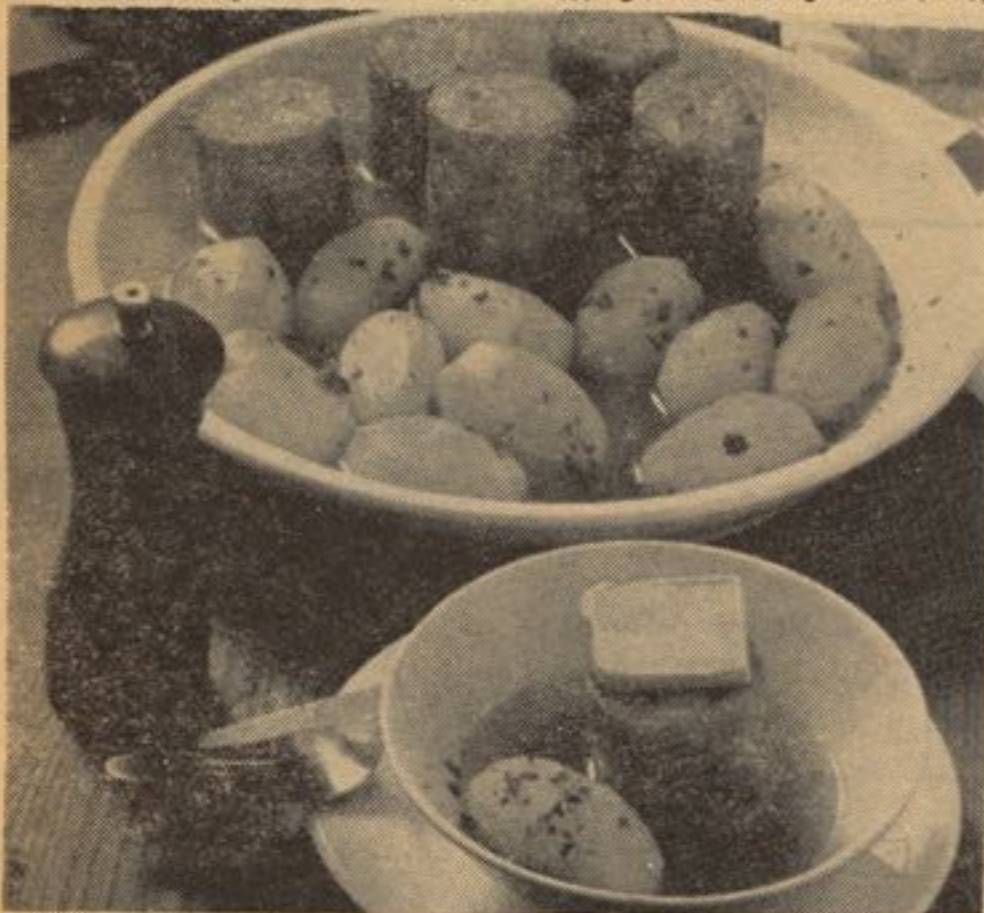
طرز تهیه:

گوشت مرغ را پس از پختن از استخوانها جدا کنید و از ماشین گوشت بکشید سپس متباقی مواد را مانند مخلوط بالا یکجا نموده و به همان شکل سرخ کنید.

کتلت ها را پس از کشیدن در بشقاب میتوان با کچا لوی بریان و سبزیجات تازه

بخش آشپزی

اینبار طرز تهیه چند نوع کتلت را بشما نگاشته ایم تا اگر خواسته باشید آنها را در صورت وقت داشتن و روزهای رخصتی بپزید.



کتلت گوشت

مواد لازم:

نیم کیلو گرام گوشت بدون چربی، یک عدد نان سفید سیلو، یک پیاله شیر، یک دانه پیاز بزرگ، دو دانه تخم مرغ، مقداری روغن، نمک و مرچ به قدر ضرورت.

طرز تهیه:

گوشت را دوبار از ماشین گوشت بکشید. مغز نان سفید را در آورده شیسر را رویش

دکوراسیون زیبا با هزینه ناچیز

اتاق از آنها کار گیرید. آنوقت میشود گفت که شما واقعا شخص مبتکر و با ذوق و سلیقه اید.

پس در تزئین و دکوراسیون اتاق و منزل هرگز به پول و بودجه کافی نه اندیشید. اگر خواسته باشید دکور جدید و تازه ای به اتاق تان دهید و پول کم دارید رنجور نشوید. شما میتوانید برای تغییر دکور اتاق به انبار منزل روید و از آنجا اشیای یکباره و چوکی های دور افتاده را در آورده بشوید، ترمیم کنید و با در نظر داشت رنگ های اتاق آنها را رنگ کنید، باتکه ها و پارچه های اضافی پوش کنید و امثال اینها...

در ضمن فرا موش نباید کرد که طرز قرار دادن مبل و فرنیچر و میزها و ... نیز در دکور اتاق نقش فوق العاده دارد هرگاه بهترین پول ها را با کم توجهی و بی سلیقهی جیده و هماهنگی رنگ ها و تناسب را در نظر نگیرید گذشته از آنکه کیفیت و ارزشش را از دست خواهد داد، اتاق را نیز بدنامود ساخته از جلوه آن میکاهد.

بنابر آن در دکوراسیون و زیبا ساختن نقش ذوق سلیقه و ابتکار بیشتر است تا به وسایل پربها.

خانه و منزل بهترین محل آسایش و راحت است و چه بهتر اگر فضای آن بر علاوه صفا و صمیمیت، زیبا و دلنشین نیز بوده و دکور فشنگی داشته باشد.

ولی متأسفانه اکثر خانها بدین عقیده اند که برای دیزاین و دکور اتاق ها باید پول کافی داشت تا بتوان منزل را آراسته ساخت.

در حالیکه دکوراسیون خوب و فشننگ مربوط به گرانی اشیا و قیمت لوازم نیست، بلکه بسته به خوش ذوقی آقا و خانم خانه است.

دکوراسیون زیبا و مناسب بهتر از لوازم قیمتی است و به زیبایی اتاق اهمیت بیشتری دارد. لوازم و سامان پربها و تجملی هیچگاه نتوانسته جای یک دکور زیبا و مقبول را بر سازد مگر اینکه با ذوق و سلیقه انتخاب و جیده شده باشد.

دکور منزل و اتاق با مصارف زیاد نماینده ذوق و سلیقه خوب شما نیست. هرگاه پول زیاده بستر بس باشد، میشود بهترین مبل ها و اشیا را داشت و یا خریداری کرد و با آن اتاق را آراست ولی اگر شما با بودجه کم و هزینه ناچیز موفق به دکور و تزئین منزل گردید و یا با ابتکار از اشیا غیر قابل استفاده، لوازم کارآمد سازید و در دکور



نگهداری غذا و خورا که باب در زمستان

شما نباید به فکر خرید آذوقه بیافزید مگر اینکه پیش از پیش البار و لوازم کار را آماده ساخته باشید. انبار یا (خرچ خانه) را در جای خشک و سردی در نظر بگیرید که محبوس نباشد. ولی اگر تاریک باشد برق نمیکند.

برای استفاده بیشتر بانصب قفسه ها ورق ها و مرتب چیدن ظروف گنجا یش آنرا بیشتر و برداشتن آذوقه را آسان سازید. پشت ظروف و پیپ های حاوی خورا که را کافد چسبانده نوع آنرا رویش بنویسید تا در وقت ضرورت و استفاده از آن دچار اشکال نگردید.

مرکز غذاهای بودا مثل چای و مساله هارا نزدیک هم نگذارید. برنج و آرد هرگاه از یکسال به سال دیگر بماند شیشه میزند. برای جلوگیری از آن تکه های کوچک نمک میان آنها بگذارید.

نگهداری حیوانات اشکالی ندارد ولی آنها که به سال دیگر میماند دیرتر پخته میشود.

پیار و کچالو جای خشک و تاریک لازم دارند برای حفظ آذوقه در یک مدت طولانی باید در گوشه و کنار انبار گرد (دی. دی. سی) بپاشید و در ضمن خورا که هارا از گرد و خاک و رطوبت و حیوانات موزی حفظ کنید.

زردک، شلغم، کچالو، لبلبو و امثال اینها را میتوان میان گاه در صندوق یاد چاله های زمین نگاه داشت. اگر در صندوق نگاه میدارید نه هر صندوق را اول مقداری گاه ریخته زردک و یا کچالو را پس از گرفتن برگ ها و سبزی آن به ترتیب روی آن بچینید و دو باره گاه بریزید تا به یکدیگر نچسبند. بعد طبقه دیگر همانطور بیکه گفته شد چیده صندوق هارا پر کنید و در جای سردی بگذارید و در زمستان یک یک را باز کرده مصرف کنید.

اگر در چاله زمین نگاهدارای میکنید به همین طریق بچینید منتها باید متوجه بود که بالای چاله یک مجرای هوا کشی باقی بگذارید و بعد یک قطعه سنگ و یا چوب روی آن گذاشته باشا که برگه بپوشانید که آب

باران وارد چاله نشود.

خریزه یا تربوز و آنکور را میتوانید بین خریطه ای گذاشته بپاویزید برای حفظ گرم. اگر بیخ هر یک گرم هارا در خاک خوب محکم کرده و گاهی بطوریکه فقط ساقه آنها برشود آب بعد از تازه میمانند ولی باید روی آنها برگ و شاخچه ها بپوشانید تا بپوشد.

نمک در جای مرطوب آبرو بخوردش نمکشد پس باید آنرا در جای خشک گذاشت. تخم های مرغ را باید در جای سرد حفظ کرد اما به قدری که یخ بپندد. تخم ها را یک یک با موم یا پیچید دیگری چرب کنید در میان بوزه آرد پاکه بچینید. بدین ترتیب خوب تر و دیرتر باقی میماند.

گرد آورنده: پروین قسیم

تاثیر مواد غذایی در بدن

یک کالوری مقدار حرارتی است که حرارت یک لیتر آب ۱۵ درجه را به ۱۶ درجه برساند. مواد کالوری در چربی، ماهی، شیر، پنیر، روغن نباتی، روغن زیتون، روغن بادام، سفیده تخم مرغ و گوشت گوسفند موجود است.

عناصر معدنی مورد لزوم بدن:

عناصر معدنی موجود در بدن انسان به سه دسته تقسیم شده.

۱: عناصری که مقدارشان در بدن نسبتا زیاد بوده مانند سدیم، پتاسیم، کلسیم، منفر و گوگرد.

۲: آنهایی که بمقدار معین وجود دارد

مانند آهن و مس.

بقیه در صفحه ۶۰

داشتن بدن سالم و نیرو مند که باعث نشاط و عمر طولانی است همه چه بستگی مستقیم بویتامین ها و عناصر معدنی و مواد غذایی کافی دارد. یک انسان کامل و سالم روزانه بطور اوسط محتاج (۲۴۰۰) کالوری میباشد و این مقدار نیرو و حرارت باید بوسیله غذاهای مختلف تامین گردد.

سر گیجه، خستگی، چرت زدن، ضعف در مقابل امراض اثراتی است که یک رژیم ناقص غذایی برای انسان پیش میسازد.

کالوری: عبارت از واحد حرارت است که این حرارت از مصرف

مواد قندی، نشایسته یی، چربیها و مواد سفیده ای در بدن تولید میگردد در حقیقت



اینهمه مدل زیبا از بهترین جاکت های یشمی برای زمستان که در مدل سمت راست راهبای الهی جاکت زیرین باراهبای عمومی جاکت بالایی جلوه خاصی یافته و مدل سمت چپ بانفش هاترین شده است.

اشتباه

مردی که ریش بلندی داشت تصمیم گرفت شب عید ریشش را بتراشد. پس از اینکه به یک سلمانی رفت و ریش خود را اصلاح کرد: به خانه رفت اتفاقاً دید که کلید دروازه را بر خلاف همیشه با خود ندارد ناچار زنگ دروازه را فشار داد به محض اینکه زنگ دروازه را باز کرد، خود را به آغوش او انداخت و صورتش را غرق در بوسه کرد.

مرد که هرگز چنین محبت و نوازش از زن خود ندیده بود سخت خوش حال شد و گفت:

عجب! پس اصلاح صورت کاملاً به نفع من تمام شد.

زن و حشمت زده گفت:

ای وای، خاک عالم به سرم... من اصلاً ترا نشناختم!

دلیل خوب

داکتری از مریضش پرسید که چرا دوایت را نخوردی مریض جواب داد در پشت بوطل دوا نوشته شده بود که همیشه سر آن بسته باشد، بنا برین سر بوطل را باز نکردم.

وکیل دعوا

مادری پسر خود را صدا زد گفت: احمد جان وقتی که بزرگ شوی چه شغلی را خوش خواهی داشت احمد گفت مادر جان می خواهم وکیل دعوا شوم و هر وقت شما با پدرم جنگ می کردید بین شما صلح کنم.



ما برای تصادم

ژوندون



موزیسین

روزی دزس یک پروفیسور، معارف بیماری های حنجره و جهاز تنفسی بود... برای آنکه در سن باعمل توام باشد، یکی از شاگردان مردی را که سالها بود از سینه درد و تنگنفسی می نالید و هیچ دارو و درو مؤثر واقع نشده بود، همراه آورد تا پروفیسور عا لسی قدر، تجربه های گرانبهای خود را روی او به مرحله عمل بگذارد و به شاگردانش بیاموزد...

پروفیسور از مرد مریض پرسید: خوب... شغل شما چیست؟ - بنده موزیسین هستم. پروفیسور آله درگلو و انداخت و به شاگردان گفت:

ملاحظه کنید... همان طوری که در درس های سابق نیز گفته ام استعمال دایم یک آلت موسیقی در نزد موزیسین ها تو لیدنارا حتی هایی از قبیل تنگ نفس و سینه درد مزمن و بیماری که مربوط به دستگاه تنفس باشد می کند... سپس رویش را به طرف موزیسین کرد و گفت: خوب آقا... شما چه سازی میزنید؟

مرد به سادگی جواب داد: - قربان... بنده طپالم!



بدون شرح

صرفه جویی

پسری از پدرش پرسید:

پدرجان بین ممسکی و صرفه

جو بودن فرق چیست؟

پدر جواب داد:

پسر جان اگر من با لا پوشی زمستانی خود را که پارسال خریده ام امسال نیز بپوشم من یک شخص صرفه جو هستم ولی اگر از مارت بخواهم که بالاپوش پارساله اش را امسال نیز بپوشد در آنحال خیلی خصیص هستم.



بدون شرح

وقتی مریض داکتر، زن خود او باشد:

زن داکتر، پیش شو هرش از سر دردی و کمر دردی شکایت میکرد. شوهر به او دلداری میداد و می گفت:

عزیزم، چیزی نیست، کمی سر ما خورده ای، وزود خوب می شوی!

زن بر آشفت و فریاد زد!
- اگر يك مریض نا آشنا پیش تو می آمد و از همین درد ها ناله می کرد تا به حال صد بار بر هنه اش می کردی؟!!



بدون شرح

حاشیه

یکی از مجلات اروپایی، نامه یی به این شرح از یکی از مشترکین خود دریافت داشت:

- سال پیش، موقعی که مجله شما را مشترک شدم، در یکی از شماره ها به يك اعلان رسیدم که: هرکس از مطالب این مجله را ضی نیست، می تواند درپا یان سال وجه اشتراك خود را پس بگیرد! حالا چون من راضی نبوده ام، لطفا پولم را پس بفرستید!

اما در آخر این نامه يك «حاشیه» بود به این شرح:

«ضمناً، چون نمی خواهم شمارا از این بابت ناراحت کنم، لذا تقاضا دارم مبلغی را - که باید پس بفرستید بابت اشتراك سال آینده حساب کنید!!»

اسکندر و دزد

اسکندر به کشتن دزدی فر مان

داد!

دزد گفت:

- من د راین کار - که کردم -

قلبم راضی نبود.

اسکندر گفت:

- در کشته شدن تو نیز قلبم

راضی نباشد!

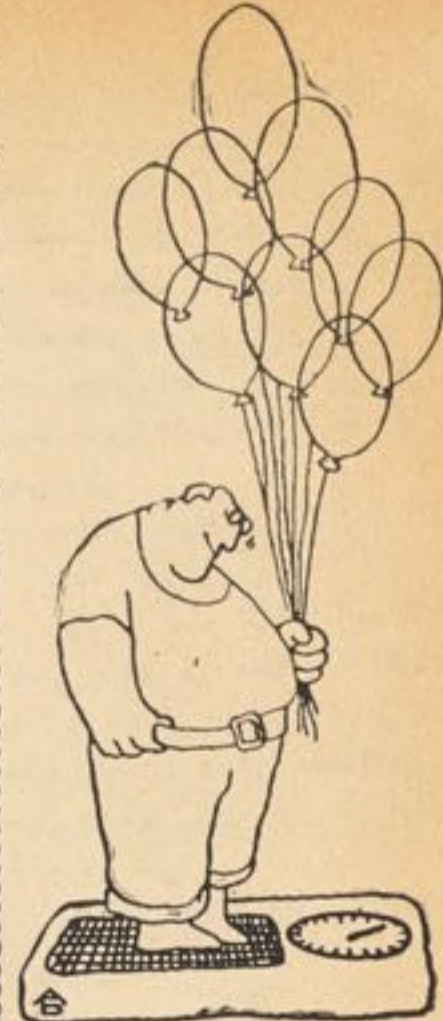


پدر: پسر من تمام خواندن های کلاسیک را می داند اما چون سن آن کوچک است، وقتیکه کلمات را به درستی اجرا کرده نمی تواند مسن فوراً کمکش میکنم

خرس قوی هیکل

جهانگردی - که خیلی تنومند و قوی بود - تازه از جنگل باز گشته بود و با حرارت زیادی برای یکی از دوستانش مشاهدات خود را تعریف می کرد. ضمن صحبت چنین گفت:

- بالاخره وقتی وارد اطاق شدم، بایک خرس قوی هیکل و مهبیبی مصادف شدم! آیا حدس می زنی چه کردم؟
رفیقش با خونسردی جواب داد:
- خوب دیگر آینه را شکستی؟!!



به آرزوی کم وزنی

شکاری

روزی برای تاجری يك باز شکاری آوردند، گفت:

- این مرغ چه هنری دارد؟
گفتند:

- کبک و کبوتر شکار می کند.

گفت:

- چه می خورد؟

گفتند:

- روزی يك مرغ!

گفت: آزادش کنید، بگذارید خودش بگیرد و خودش بخورد!

باز هم دیوانگان

روزی مدیر دار المجانین برای باز دید دیوانگان به شفاخانه رفت. تمام دیوانگان با لباس سفید در يك خط ایستاده و همه در کمال ادب همان طوری که قبلاً تعلیم گردیده بودند به مدیر سلام دادند. و لی در آخر صف يك نفر اصلاً سلام نداد و کوچک ترین احترامی به مدیر نگذاشت!

مدیر - که از این دیوانه لجوج و بی ادب سخت عصبانی شده بود - فریاد زد:

- احمق! چرا احترام نمی گذاری؟

آن مرد بلا فاصله جواب داد:

- قربان، من دیوانه نیستم، من پرستارم!



بدون شرح

دمينې په لور

~~~~~

هره ورځ دسهار په پنځو بجوله خوب نه راويښيدم، تر څو دغواوو شيدى ولويشم او څارويو ته خواړه ورکړم، له دې نه وروسته په سلگونو نور کارونه پاتې کيدل دشپې له خوا به دومره ستړى په بستر کېنى غزیدم چه خوب به نه رانه. زړه مې څومره غوښتل چه اميد ولرم روښانه ورځې هم زما په مخکې شته....

دجنوري دمياشتې په وروستيو وختونو کېنى يوه ورځ مازيگر دلمر ژپړې وړانگې دغرونو تر څست ټيټيدلى چه «مايکل او شى» گړوندى ته راغى هغه لوړ قد درلود آرام او مهربان آواز يې درلود هغه په کار پسې گرځيده، دادانتظار نه لري يو تصادف و داسې تصادف چه موږد يو سړى مرستى ته اړتيا درلوده سره له دې چه هغه دادنا ترور سره خبرى کولى خوپه دې پوهيدم اوداحساس مې کولى شو چه هغه دستر گوله کونج نه ماته گوري يوځل مې ځانته جرئت ورکړ او خپل سر مې پورته کړ تر څو دغه سترگو ته وگورم څوکلله چه هغه موسکى شو خپل سر مې کېښته واچاوه اوداسې مې وښودل چه زه متوجه شوى نه يم په ما کېنى عجيب احساس پيدا شوى و ده دهغو کسانو سره توپير درلود چه ما مخکېنسى ليدلى وو اوزه نه پوهيدم چه څه عکس العمل بايد وښيم.

خو ناڅاپه کله چه دادنا ترورد گړوندى اوماته دهغې درسيدل لويه باره کېنى دخپلو پخوا نيو خبرويه باب خبرى پيل کړې غونى مې زير شو، مايکل او شى په مو سکا سره دهغې خبرې اوريدلى، خوددې موضوع ظاهر دومره ورته په زړه پورې نه بريښيده نه پوهيدم چه په زړه کې مې ځله داخبره احساس شو له هغه داسې سړى نه دى چه پيسى ورته

له هر څه نه زيات ارزښت ولري. دمايکل راتلل لکه دنوى روح په خير و چه دگړوندى او په همدې ډول زمونږ په کالبد کېنى پوشوى و هغه هرکار کاوه يوه ورځ دېلى ورځې په نسبت ښکلى او خوشحاله بريښيده سړى دهغه سره په کارکې ځان خو ښ احساساوه، په خپل ټول ژوند کېنى مې لکه ددې څو هفتو په څير ځان نيکمرغه نه وليدلى کله کله بهد مازيگر له خواد کور په برنډه کېنى ناست و اود خولى ساز به يې غږاوه اوويل به يې چه دا کار مې پلار راته ښودلى دى هغه ځينى نور شيان هم دخپل ځان په باره کېنى ماته وويل: هغه «سان فرنا» ندو» په دره کېنى لوى شوى و خو کله يې چه دوه کاله دمخه لار دو څخه وويست په پر له پسې ډول د کار په لټه دى ښار ته او هغه ښار ته تللى و.

دا زما په نظر په زړه پورې ژوند و، هميشه مې هغه دى ته تشويق کاوه چه دخپل ځان په باره کېنى زياتې خبرې وکړي، خو يوه ورځ چه کورته راستنيدو مايکل ما ته منځ کړ، مو سکى شو او ويې ويل: «پوهيدى ژنويو، ته عجيبه نجلى يې ته تل خبرى کوى خو هيڅکله دخپل ځان په باره کېنى يوه خبره هم نه کوى ستا په دغه کو چنى ککړى کېنى څه ډول فکر ونه تيريدى؟ ته له ژوند نه څه غواړى؟

ناڅاپه مې داخبره احساس کړه چه زړه مې وزښتل شو او اوښکې مې سترگې ډکې کړې ما لکه دنورو پيغلو په څير خوب او خيال نه درلود اينده يو داسې شى وچه هڅه مې کوله ډير دهغې په باره کې فکر ونه وکړم مايکل بيا پوښتنه وکړه.

ته نه غواړى چه سفر وکړى او بيل بيل ځايونه ووينى ډير په زړه

پورى دى، ډير شيان زده کوى په تير و دوو کلونو کېنى ما ډير ښه ژوند کړى دى.

په دې وخت کېنى مايکل خپل لاسونه زما په غاړه کېنى واچول او په غوږ کېنى يې راته وويل:

زړه فکر نه کوم چهله دى شپې نه وروسته هر څه همداسې پاتې شى زه به تا عاشق يم، ژنويو اياته هم په دې پوهيدى؟ دا يوله التها ب نه ډک خوب او په عين حال کېنى له امکان نه ليرى و هو دا يو خوب و دا چه په ځان داخبره ومنم چه دا خبرى مايکل کړيدى خو کله چه هغه زه په غيږ کېنى ونيولم وپوهيدم چه دا ټول شيان واقعا پيښيرى ځان مې ور وړاندې کړ، بيا هم مايکل گران و. په وروستيو هفتو کېنى ټولو شيانو خپله بڼه بدله کړې وه حتى دادنا ترور بې ځايه انتقا دونو او بدويلو هم کو لای شول چه ما يوه اندازه ناآرامه کړې دهغه يوازېنى شى په باب مې چه فکر کاوه هغه مايکل و.

هغه هلته دو مړه کارکړى و چه وکولای شى واقعيت درک کړى هغه په دې پوهيده چه داد نا تر زړه دډيرو کلونو دپاره دخپل نفوذ لاندې ساتلى يم اولاوس هم غواړى چه ما هلته وساتى په همدې دليل پوهيده چه تراوسه لاداکار عا قلا نه نه دى چه زما په نسبت خپله رابطه څرگنده او ښکاره کړى.

خودادنا ترور دتيز او هو ښيار طبيعت له نظره هيڅ شى پټ نه پاتې کيده هغې دڅه مودى نه را په ديخوا زمونږ څارنه کوله بيا يې چه زمونږ خبرى يې هم اوريدلى وى تر څو يوه ورځ دچار شنبى دغر مې نه وروسته هر څه لکه دلمر په څير روښانه شول. ما او مايکل لکه دتل په څير دکور په برنډه کېنى ناست ولواوموږ يوه دم دکور ددروازى د خلا صيدو آواز وانه اوريد موږ دواړه يودبل په غيږ کېنى پراته وواود عشق او مينى خبرى موکولى له هرڅه نه بې خبره و، دادنا ترور موږ ته متوجه شوه او لکه په شپه کېنى دچاودنې په څير يې چيغه کړه:

ژنويو! ژر کور ته راشه. مايکل په داسې حال کېنى چه زه يې په غيږ کېنى نيولى وم په آرامي سره وويل:

يوه دقيقه وخت راکړه، ښځه پورته شوه فکر کوم چه ته بايد په

پوشى وپوهيدى.

زړه پوره پوهيدم همدا چه دلته راغلم او خپله وريره مې په دې حال وليده ناڅاپه مايکل په تنده لهجه وويل:

دا حقيقت نه لري ژنويو يوازېنى گناه داده چه ډيره شر ميندو که ده اود خپلو احساساتو په وړاندې ستا سى له عکس العمل څخه ډير پزى ومى ويل:

مايکل خواهش کوم.

دادنا ترور وويل:

زړه په ټولو شيانو پوهيدم، تاسې تردى وروسته دلته کوم کار نه لري ښاغلى او شى. تاسې له دې ځايه بايد ژر ووځى، همدا نن شپه خپل وسايل ټول کړى او له دې ځايه لاې شى.

بيا زما خواته راستنه شوه او ويې ويل:

سوادى نه اوريدل چه څه مې وويل ژر کور ته راشه.

خو پخوا له دې چهله خپل ځاى نه جيگه شم مايکل ورو وويل:

دشنبى په شپه په اتوبجود سيند په غاړه ستا انتظار کاږم، وروسته بيا خبرى کوو.

سهار مايکل تللى و او کور دهغه په خالى کيدو سره غمزده بريښيده هرکله به مې چه هغه په باب فکر کاوه او ښکى مې له سترگو بيهيدى اود ځان مخه مې نه شوه نيولى ددې په څنگ کېنى په دې باندې په پوهيدلو سره چه دشنبى په شپه هغه وينم يو څه آرا ميدم بايد په يو ترتيب له کور څخه وتلى وم، ما غوښتل چه مايکل ووينم، مجبوره وم دهغه سره مې مينه درلوده.

له ښه مرغه په دې شپه دادنا ترور ژر ویده شوه، يوه شپه وروسته له کور څخه ووتم او دوحشى گلونو په بو ټوکېنى مې دسيند خواته منډه کړه دخاته سره مې ويل: مايکل مايکل زه له تاسره مينه لرم زړه مې دزيات هيجان نه سخت درزيدله کله چه دسيند په غاړه دتيزى دپا سه کښيناستم مايکل لا تر اوسه نه و راغلى زه دټاکلى وخت نه نيم ساعت دمخه تللى وم هلته دهغه په انتظار کېنىناستم، هغه ځاى لکه دجنت په څير و، داوبو دتيريدو آواز اود گلونو مست کوونکو بوونو دخيال نه ډک محيط جوړ کړى و مايکل هم ډير ژر راته او دغه ښکلا يې نوره هم زيات توله کله چه مې دونو ترڅپ دپښو آواز واوريد په وار خطا يې سره له خپل ځاى نه پا ځيږم خو يوه شپه

وروسته دهغه څه په لیدلو سره چه  
زما په مخکښی ولاړ وېخپل ځای وچه  
پاتې شوم.

برونو پو بښنه وکړه :

څه پېښ شوی ژنویو؟ تعجب  
دی وکړ، فکر کوم دا انتظار دی نه  
درلود چه بیا ماویني، آیا داسی نه  
ده؟

ته څه غواړی ؟

هغه په داسی حال کښی چه زما  
په زخم مالکمی دوپولی وویل:

ته باید پوهه شی، غواړم چه ستا  
ددی کار تلا فی وکړم شرط ېږدم  
فکر دی کړی چه مادتل دپاره خپل  
گورورک کړیدی خو له هغی ورځی  
نه را په دیخوا په دی ځای کښی دوخت  
په انتظار وم.

په غریزی تو گه می احساس  
کاوه چه باید وتبستم، خو نه می  
شوای کولی له ډیری ویری زما پښو  
دحر کت توان نه درلود.

په دی وخت کښی مایکل دونو له  
منځه راووت، هیڅکله دهیچا له لید  
لوڅخه دومره خو شحا له شوی نه  
وم لکه دمایکل په لید لو چه خوشحاله  
شوم په داسی حال کښی اوښکی می  
له سترگو نه روانی وی ځان می  
هغه ته ور ورساوه.

برونو وغوریده او ویی ویل:

لکه چه دزړی ښځی اووریری یی

بیا هم یوبل څوک پیدا کړی دی.

مایکل په سپړه وضعه پو بښنه  
وکړه:

ته څوک یی؟ دلته څه کار کوی  
که چیری دی ژنویو ته څه تاوان  
رسولی وی زه...

زما نصیحت ومنه بیا غلیه،  
دانجلی دجگړی ارزښت نه لری  
پوهیږم چه نه لادهغوی دلوبو سره  
بلد شوی نه یی.

مایکل په حیرانتیا سره ما نه  
وکتل او ویی ویل:

داسی دڅه شی په باره کښی  
خبری کوی؟

پخوا له دی چه زه یو څه وویلی  
شم برونو داسی دوام ورکړ:

شرط ېږدم چه ته هم زما په خیر  
په وړیا ډول دزړی ښځی دپاره کار

کوی. بیا هم شرط ېږدم چه ستاد  
استخدام نه دمخه یی یوه لنډه کیسه

هم درته کړی ده چه یوه ورځ به دغه  
نجلی دزړی ښځی دکړندی او ټولو

مالونو خاونده شی اوداچه زړه ښځه  
به ژر مړه شی اود کړندی دکارونو

دخوندي کولو دپاره ډبل چا مرستی  
ته اړده هو بیا غلیه زه هم یو وخت

په دی لومه کښی نښتی وم.  
مایکل په قهر ورته وکتل او

برونو په داسی حال کښی چه  
شونډی یی پو ځولی دڅنگله په

تیاره کښی وړک شو.

دهغه له تللو وروسته مایکل په

داسی حال کښی چه غو سه یسی  
لانه وه ناسته ماته راستون شو او

وی ویل:

دا خبری حقیقت لری ژنویو؟  
دومره پریشان شوم چه نه پوهیدم

څه ووايم.  
په داسی حال کښی چه ستو نی

می ډک ډک کیده اعتراف می وکړ.  
هو مایکل مکر ته متو چه نه یی

چه...  
ډیر ښه متوجه یم تاسی ما نه

په بشپړه تو گه لاس وچاوه او پخوا  
له دی چه ماته دڅه ویلو وخت را کړی

مخ یی رانه وگرځاوه او په کومه لاره  
چه راغلی وږیرته لاړیوه ورځ وروسته

بیرته سخت کارونه پیل شول ټول  
کارونه زما په غاړه و، دادنا ترور دی

وروسته نه غو بښتل چه څوک  
استخدام کړی.

یوه شپه کله چه په بستره کښی  
وغزیدم سرمی گرځیده تپی ونیوم

ترسپار پوری ویده نه شوم خو کله  
چه سهار پاڅیدم هڅه می وکړه چه دا

موضوع دادنا ترور ته ووايم هغی زما  
خبری ونه منلی او ویی ویل:

بی ځایه تمارض مه کوه کارونه  
نیمکړی پاتې کیږی، ته پخپله ښه

پوهیږی.  
هڅه می وکړه چه له بستری

پاڅیږم خو کله چه می غو بښتل خپلی جامی  
بدلی کړم سرمی وگرځید او په

ځمکه ولویدم خو شیبی وروسته می  
چه کله سترگی خلاصی کړی لومړی

شی می چه ولید هغه د مایکل صورت  
وفکر می وکړ چه ناروغی په اثر

په اوها مو او تخیلاتو اخته شوی یم  
خو کله چه می سترگی پټی او

بیرته خلاصی کړی هغه لاهلته ولاړ  
وموسکی شو او ویی ویل:

څنگه یی ژنویو؟  
اوه مایکل داته یی نودا څه

خوب نه دی.  
هغه زما په مخ په مهربا نی لاس

تیر کړ او ویی ویل:  
هو گرانی، زه دلته یم او نور به

تاهیڅکله پری نه ېږدم او کله چه له  
رو غتون څخه رسخت شوی یو ډبل

سره به واده کووالبته که ستا خوښه  
وی.

دادنا ترور اجازه نه را کوی  
چه کرونده خو شی کړم، هغه په

زمونږ مخه ونیسی..  
ته نو لس کلنه یی ژنویو اود

قانون له مخی هرڅه دی چه زړه -  
وغواړی کولی یی شی، ستا ترور په

هیڅ وجهه نه شی کولی چه ستامخه  
ونیسی.

سرتی می ټکان ورکړ او ویی ویل

پاتې په ۵۶ مخگی



# دلیپ کمار کیست

|      |                                                                                                                                                                                                                                            |                    |
|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------|
| ۱۹۵۸ | زودی زیر ساختمان می آمد و وی را برای این رول چهره منا سبسی یافته بود پیشنهاد نمود .                                                                                                                                                        | ۳۱- یهودی          |
| ۱۹۵۹ | دلیپ کماریا (یوسف خان) در پشاور چشم به جهان گشوده ، و آوان کودکی اش را در منطقه یی به نام «دیوالی» که درایا لت مپاراشترا، واقع است گذرانیده و مکتب ابتدایه را نیز در همین منطقه به پایان رسانیده .                                         | ۳۲- پیغام          |
| ۱۹۶۰ | دلیپ پس از ختم تحصیلات ابتدایی شامل کالج ویلسن در بمبی گردیده و پس از دو سال ژورنالست فلم نیز شناخته شد .                                                                                                                                  | ۳۳- کوه نور        |
| ۱۹۶۰ | پدرش غلام سرور خان نامداشته پیشه سودا گری میوه خشك داشته و به عنوان مسلمان سر سخت معروف بود .                                                                                                                                              | ۳۴- مقل اعظم       |
| ۱۹۶۱ | اولین باریکه دلیپ پس از ختم تحصیلات شامل کار گردید ، در کانتین عسکری انگلیس واقع پونه صفت معاون کانتین دار راداشت که ماهانه ازین مدرک سی و پنج کلداری هندی در آمد داشت ، که به دهها خود موقع یافته و شغل مستقلی را به صفت فروشنده مشرو بات | ۳۵- تنکا چمنا      |
| ۱۹۶۶ | ۱۹۶۸                                                                                                                                                                                                                                       | ۳۶- لیدر           |
| ۱۹۶۶ | ۱۹۶۷                                                                                                                                                                                                                                       | ۳۷- دلذیا درولیا   |
| ۱۹۶۷ | ۱۹۶۷                                                                                                                                                                                                                                       | ۳۸- رام اورشیام    |
| ۱۹۶۷ | ۱۹۶۷                                                                                                                                                                                                                                       | ۳۹- آدمی           |
| ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸                                                                                                                                                                                                                                       | ۴۰- سترگرش         |
| ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸                                                                                                                                                                                                                                       | ۴۱- گویی           |
| ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸                                                                                                                                                                                                                                       | ۴۲- سکینه مهانو    |
| ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸                                                                                                                                                                                                                                       | ۴۳- داستان         |
| ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸                                                                                                                                                                                                                                       | ۴۴- سگینه          |
| ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸                                                                                                                                                                                                                                       | ۴۵- پیر کب ملو می  |
| ۱۹۶۸ | ۱۹۶۸                                                                                                                                                                                                                                       | ۴۶- هنر پیشه مهمان |

بقول مجله فلم فیر سال ۱۹۵۳ دلیپ کمار قبل برینکه روی یک تصادف سینما راه یافت حتی خوابی هم از هنر پیشه شدن ندیده ، و ابدا چنین خیالی هم در مخیله اش خطور نمی کرد .

وی همیشه باین آرزو بود که ، روزی يك « کرکتر » خوب از آب در آمده و بتواند اسمش را بر سر زبانها بیاورد ، چنانچه در یکی از تیمهای آنو قوت عضویت داشته و در مسابقات نیز شرکت میجست .

در یکی از رخصتی ها که دلیپ کمار به (نیتال) رفته بود روی ، تصادف با میر من دیو کارانیسی، معرفی گردیده و در نخستین برخورد شاید میرمن دیو کارانی از هنر نهفته دلیپ جوان چیزی میدانسته که فوراً رول اول فلمش را که تحت عنوان فلمهای «بمبی تاکیس» به

کرده بود (بالاخره اکتوری ، را شناختم که می تواند پس از مرگم جایم را بر کند) .

بگفته شماره دیگر فلم فیر دلیپ کمار در آوانیکه هنوز در «پنج گنی» مصروف تحصیلات بود روزی به سراغ کف شناسی رفته و از وی خواسته تا آینده اش را بگو ید . کف شناس برایش گفته بود که تو در آینده (نت) مشهوری خواهی شد . دلیپ که هندی رانمی دانست محض کلمه نت را به خاطر داشته و در پونه بعضا به فکر کلمه نت میشد .

تا اینکه روزی کسی که هندی میدانست نت را برایش «اکتور» - ترجمه کرده و سر انجام پیشگو یی کف شناس در مورد این جوان متعلم صدق می کند و شهرت آفا قی برایش بارمغان می آورد .

در یکی از مسابقات که فلم فیر تحت عنوان « اکتور مو فق و مورد نظر تانرا انتخاب نماینده برگزار نموده بود گذشته ازینکه دلیپ کمار با داشتن دو صدو يك رای از آشوك کمار که هشتادو نه رای و راجکپور که چهل و هفت رای داشت جلو افتاد .

بقیه در صفحه ۵۱

چه دچاپ دهنر سره دخلکو دعلامی اندازه ورخ په ورخ زیاتیری او دغه دهنر مندانه داسی بریا لیتو بونو ته امید لری چه تر خو پخوانیو کلونو پوری یی امکان نه درلود .



## گرافیک دهنر

په پرله پسې ډول زیات مادی ارزښت ورکوي او هغه په لوړو پیلوړی دهنغوی د آثارو چاپ دهنغو کور نیو دپاره دحل یوه لاره ده چه غواړی یو هنری اثر ولری ، هغه تحول چه په امریکی کښی دچاپ په هنر کښی د۱۹۴۰ کال نه را په دیخوا منځ ته راغلی دی ددی خانگی دزده کوونکو دیو زیات شمیر د زیاتوالی سبب شوی دی .

خوکاله مخکښی دگرافیک دهنر یو زده کوونکی په پوهنتون کښی دزده کړی نه دخلاصیدو وروسته مجبور و چه خپل هنر دتجارتی او تبلیغاتی فعالیتونو په خدمت کښی کښیږدی ځکه خوک ددی خانگی اخیستوونکی نه و او دچاپ د قیمتو و سایلسو اخیستل هم دیو ځوان دپاره غیر ممکن و او دخو اثرونو پلورلو چه دزده کړی په ترڅ کښی ترسره شوی هم امکان

سپورت های قدیمه یکنوع تر بیه روحی منظور بود که از آن نتایج بارز اخلاقی و مادی بوجود می آمد. از گذشته های قدیم تا یک قرن قبل انواع سپورت ها از قبیل تیـز زدن، نیز اندازی، اسب سواری، سنگ انداختن، کوه نوردی، سرجه، یخمالک، پیاده رفتن، گردش های صبح و عصر، اقسام دویدن ها و شطارت های کشتی گیری، چوب بازی، شمشیر جنگی، و زن (باقیدار)

## چهاره ورزشی

نباغلی عبدالله شکوری متعلم صفا ۱۱ و سر تیم باسکتبال لیس نادریه یکی از ورزش کاران خوب و با استعداد است که از آغاز فعالیت ورزشی استعداد و لیاقت خویش در باسکتبال نشان داده و همه را معتقد به این ساخته که آینده درخشانی در انتظار شراست و شاید با پشت کاری که دارد روزی از خوب ترین چهره ورزشی نه تنها در کشور حتی در منطقه و جهان گردد.

۲۰ سال عمر دارد ولی شطارتش او را خیلی بزرگتر از سنش مینماید.

عبدالله شکوری معتقد است که بازی های اجتماع خیلی خوب در میان مردم جامیگیرد نسبت به بازی های انفرادی.

همچنان ورزشکاران مارا که با این همه محدودیت و عدم موجودیت وسایل و شرایط خوب باز هم توانسته اند چیزی از خویش سازند بدیده قدر دیده و آینده ورزش را بسوی کشور خیلی درخشان میگرد.

در ورزش اخلاق و ورزشی را از همه مهم تر دانسته و آنرا در میان هم ورزشکاران آرزو دارد.

تورنمنت مارا اگرچه که بسیار کوچکتر باشد در امر بهتر شدن ورزش خیلی ضروری می پندارد.



نباغلی شکوری در میان سایر ورزشکاران



## تاریخ سپورت معارف افغانستان

نباغلی آقا محمد بهار مدیر عمومی فنی ریاست المپیک و عده داده تا بعد ازین مطالبی پیرامون تاریخ و ریشه این مجله بفرستد ما در حالیکه از ایشان تشکر میکنیم اینک او لیکن مقاله شانرا تحت عنوان فوق به نشر می سپاریم.

ساکنین سر زمین سلحشور عقل سلیم در بدن سالم است اولتر و باستانی افغانستان از ادوار و بیشتر از همه در حیات اجتماعی قدیمه تا کنون به اهمیت و مقام و کنشوری خود تطبیق نموده اند. سپورت مطلع و این مقوله را که چنانچه تاریخ ادوار قدیمه و حال

## ترینر تیم منتخبه کابل



نباغلی سانیکف

سانیکف در مقابل آنها بازی مینمود همیشه با ترس و هراس از دروازه محافظت میکردند هنگامیکه سانیکف در تیم ملی شوروی انتخاب شد پنج سال بعد از آن در تیم منتخبه اروپا که از جمله بهترین و زنده ترین فوتبالست های ممالک اروپایی تعیین می گردد نیز انتخاب شده است.

مجله فرانس فوتبال نام سانیکف را ستاره فوتبال شوروی گفته است سانیکف بعد از گذراندن گیری از فوتبال بحث ترینر تیم ملی جوانان شوروی، کمک ترینر تیم «سپار تاک» ترینر تیم سپار تاک و همچنان مفسر ورزشی رادیو و تلویزیون ایفای وظیفه نموده است. سانیکف فعلا بحث ترینر تیم ملی افغانستان

به کار ادامه میدهد.

اتحاد شوروی از پنجاهمین سالگرد تولد فوتبالست مشهور خود و جهان در دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ تجلیل بعمل آورده که مجله سپورتی آن کشور در مورد چنین نوشته:

سرنوشت فاینل بین تیم دینامو کیف و تیم شوروی در سال ۱۹۴۴ توسط ضربه فاصله کن جوان ۱۸ ساله به اسم (سرگی- گویچ سا- لیکف) با تمام رسید. در نوامبر سال ۱۹۵۸ در مسابقه فاینل بین تیم دینامو کیف و تیم سپار تاک نیز ضربه کارنر سانیکف و گول نمودن ضربه مذکور و هرمانی سپار تاک را تثبیت نمود سانیکف درین سال ۳۳ ساله بود. موصوف به همراه تیم منتخب اتحاد شوروی در مسابقات المپیک اشتراک کرده است سانیکف ۱۷ سال در تیم های مشهور اتحاد شوروی و تیم ملی آن کشور بازی های درخشان ارائه نموده است وی در شمار گول زنان مشهور شوروی ۱۵۱ گول به نفع تیم های خویش بیادگار دارد.

تخنیک فوق عالی و حرکات مجرب العقول آن با توپوی رادر زمره فوتبالست های مشهور جهانی قرار داده است که هیچ وقت فراموش نمیشود. گولگیران تمام تیم های که

# ازدوستان



از: احمدجان (امینی)

## ارمغان عید

عید است و در خیال تو تنها گریستم  
در کف شراب و ساغر و مینا گریستم  
یادم ز عید یار رسید کتار جو  
آن لعل هاکه پیش دو شپلا گریستم

## توارد

منحصر به خود و بدون آلاشی وجو داشته  
و ناشی از شرایط نسبتا همگون مادی زندگی  
شان است و این موضوع نه تنها فو لکلئور  
مردم یک سرزمین بلکه از فو لکلور ملت ها  
ناممل را در بر میگیرد. مثال این توارد مکانی  
برجسته (تلاش) با عنوان «جوا نوردو بیر»  
است که در «کمکیا نوانیس» نشر شده و از  
ادبیات مردم دلاوری است که خطر ناگهانی  
بیرا به گواهی تاریخ چون بادام کاغذی در  
هم شکسته اند و به قول اقبال کارزایه پایان  
رسیده گمان نمی کنند و محتوی آن موضوع  
داشتند آید بکاره را که از ضرب المثل های مشهور  
مردم ماست به خاطر میاورد.

مثال توارد زمانی شباهت داستان کو ر  
اوغلو و بابک خرم دین است که در مقدمه  
داستان عامیانه به رنگ قفید و مرجع تقلیدی  
نام (کور اوغلو و کچل خرمه) که از داستان  
های جوانمردیست به آن اشاره شده.

در ادب دریاری موضوع نیست به عنوانی  
(توارد) و چه بسا که نام معرفت ادبی را  
هم توارد می مانند. چنانچه در «تذکره  
حسینی» آمده که شیدا در انجمنی گفت:

ذات تو بود صحیفه کون که کرد

از روی ادب مهر خدا بر پشت

ملایروز طریقه گفته (مهرگاه عاتقی  
صد و پنجاه سال قبل این اشعار را از شیدا  
دزدیده باشد تصویر شیدا چیست؟

نبوت را تویی آن نامه در مشت

که از عظمت آمد مهر بر پشت

و بدایه حال این گونه سرقت ها که اصل شان  
هم مقبول نیست: به قول شاعر:

وای بر آنکه ز خود پیش گنهار شده

به گناه پدر خویش گرفتار شده

به هر حال توارد در ادبیات مردم باکیفیت

از: ملالی ملال

## عشق و خزان

ای تک درخت عشق من

ای بهارت مانند من خزان شده.

وقت خمیده..

بادیدن تو و برگهای خشکیده تو.

یک بار دیگر یاد آن روزها ز قلبم جان میگیرد!

آن روز های بهار!

آه! که تو بعد ازین پائیز وزمستان بهار  
زندگی داری.

اما! من تا آخر عمر همین خواهم بود و بس.  
و مانند برگ های زار و خشکیده تو خواهم  
بود!

نوشته از: پروین قسیم

هدف معرفت:

تلاش آگاهانه انسان هابرای دگرگونی طبیعت و  
جامعه نه تنها پایه و بنیان معرفت است بلکه  
هدف معرفت نیز میباشد.

انسان از آرزو در شناختن جهان پیرامون  
خویش میگوئد و به کاوش و بسط و  
توانین تکامل آن می پردازد که از نتایج و  
دستاوردهای معرفت خود در فعالیت عملی  
بهره جویی کند و همواره از کشف ماهره  
های درونی پدیده ها و پیوستگی های قانون  
مند آنها به سود کار و پژوهش انسانی  
استفاده شد و است.

فرستنده: تریا عادل الیاس

ژوندون

## پایه و بنیان معرفت

معرفت عبارت است از انعکاسی فعال جهان  
عینی در مغز انسان سرچشمه  
معرفت دنیای پیرامون انسان است. آدمی  
کو حسا ران، جنگل ها، رودخانه ها و  
ستارگان را می نگرند. کرما و سرما و فروغ  
خورشید را احساس میکند و آوازهای  
گونگون را می شنود اگر این پدیده ها که  
در خارج از شعور انسان قرار دارند بر او  
تأثیر نمی کردند انسان از هیچ چیز  
کوچکترین تصویری نمی داشت. بنابر  
پرستان واقعیت عینی را سرچشمه معرفت  
انسانی میدانند و به عقیده آنان انسان  
نیروی آنرا ندارد که از راهای طبیعت را بکشد  
و پدیده های جامعه را بشناسد. واقع گرایانی  
که پیش از سده نوزدهم زندگی میکردند و  
معرفت را انعکاس اشیای خارجی در ذهن  
انسان میدانستند در راه ازیا در افکندن بنای  
پندار پرستی گام های استواری برداشتند  
ولی با این هم اندیشه های آنان دریای جریان  
معرفت با نارسایی ها آمیخته بود. آنها  
معرفت را انعکاس و اقلیت خارجی پاسیف  
و غیرفعال میدانستند.

تلاش خلاق انسان ها برای دگرگونی  
طبیعت و جامعه بنیاد معرفت است:

برای اینکه معرفت در اثر اینگونه تلاش ها  
پدید آمده و رویندگی و تکامل یافته است.

انسان این نخستین جانوری که ابزار  
ساخت و از ابزار کار گرفت. از سینه دم  
پیدا شدن خویش ناگزیر با مسرت کار  
میکرد و وسایل زندگی خویش را بدست  
می آورد. او در جریان کار با نیروهای  
سرکش طبیعت بر خوردار گرد و رازهای  
آن هارا بر خویش آشکار ساخت. تکامل  
کار سازندگی خواستار دانستی های بیشتر  
و بیشتر بود.

در همان روزگاران کهن انسان بشمارش  
ابزار کار و فرآورده های کار خویش نیاز  
داشت.

در اثر این نیاز معلومات ریاضی پدید آمد  
انسان به آبیاری پر داخت برای خویش  
خانه و گاشانه برپا کرد. به آباد کردن  
راه ها و کاوشید. برای انجام دادن اینکارها  
آگاهی از قوانین مکانیک لازم بود. این  
نیازها معرفت انسانی را شگفتی بخشید  
و دانش ها پدید آمدند. بنا بر آن اندیشه

دید رو اندیشمند بزرگ سده هجدهم  
مغز آدمی را همانند موم میدانست که اشیای  
خارجی بر روی آن نقش خویش را بجا  
میگذارند. این متفکران زنده بودن و فعال  
بودن معرفت را بنیاد (انسان) را به شما  
نمی آوردند. و بزرگ ترین لغزش آنان  
این بود که نقش تلاش های آگاهانه انسان  
هارا برای دگرگونی طبیعت و جامعه به  
مثابه پایه و بنیاد معرفت درک نمی کردند  
و بنا بر آن نمیدانستند که معرفت روند  
نزدیک شدن تفکر به شی شناخته شده.  
پوشی اندیشه از نادانی به دانایی و از نادانی  
اندک به دانایی بیشتر است و با جاگزین  
شدن اندیشه های نوبیای اندیشه های کهن  
به جلو می رود و بخش های تازه تری از  
واقعیت را آشکار می سازد. آن هابه درک  
این مسأله کامیاب نشده بودند که معرفت  
از اتحاد و قطب متضاد که با هم در کنار هم  
پیوسته با هم و در ستیزه با هم بسر میبرند  
پدید می آید. در یکی از قطبین تضاد مغز  
صفحه ۵۰

## دلیپ کمار

### کیست

درمیان نامه هایش نامه پرسوز ، خانمی نیز که از لاهور فرستاده شده بود به چشم خورد که محتوای آن از عشق سوزان و اهدای قلب خونچکان خانم عاشق و دلباخته حکایت می کرد .

در سال های بعدی دلیپ مو فق بد ریافت هفت جیره پی پی در پی مجله فلم فیر گردیده و بعد ها حتی صفحه در مجله فلم فیر افتتاح شده به اقتراح گذاشته شد که عنوان آن چنین بود (آخرین آرزوی دلیپ کمار چیست) که هزاران نامه مختلف در هر شماره آن از طرف رازان دلیپ باراداره مجله میرسید و نباید فراموشی گردد که صفحه

مذکور همین حالا نیز تحت عنوان «بکس سوالات» از طرف آی اس جوهر اداره شده و به تغییر نام ادامه دارد .

دلیپ کمار که در دا خل و خارج هندوستان شهرت کافی دارد در این اواخر در کنار سایر به منزل خود شی واقع پالی هیل بمبی زندگی می سر و صدایی داشته گا هی مو سیقی کلاسیک هندی رازمز مه و تمرین می کند ، زمانی باتار های ستارشن سکوت رادر هم میشکند و بعضا هم به مطالعه آثار نویسندگان مورد نظرش چون (جیران خلیل جیران ، سوامی وو یو یو یک آند خو دش را مصروف میگرداند .

دلیپ کمار که یگانه آرزویشی دایر کتر شدن بود ، دیگر معلوم نیست چرا از چشم نامه نکا را در دوست دارانش کنار رفته است .

## کجکی

منبع در اخیر گفت :

- فعلا دوتوربین برق در ایسن پروژه تکمیل گردیده که هر یک ، ظرفیت تولیدی شانزده هزار و پنج صد کیلو وات برق رادارد .

توربین های این پروژه طی مراسم خاصی افتتاح گردید و با اکمال تمديد لین عمومی آن به مراکز هلمند و کندهار استفاده از انرژی برق کجکی در کشور آغاز می گردد .

محل دیگری در جوار این دوتوربین برای توربین سو می برق، در کاسه بند کجکی تعیین گردیده ، که اعمار و بکار انداختن آن جزا پرو گرا دولت است .

انسان بفرسختها دورگز می کند تنها فوتوگرافی آنها امکان پذیر است که آنهم باتوجه خاصی صورت میگیرد .

انگولا از طرف سیاح پو رنگالی در ۱۴۸۲ کشف گردیده و از اواخر قرن ۱۵ در مستعمره پرتگالی درآمد انگولاندر بحر اطلانتیک قرار گرفته به ولایت بزرگ قسمت یافته که بالترتیب به ۱۴ حکومتی تقسیم شده اند . اهالی این کشور رانگرو های تشکیل میدهد که بگروپ زبانهای بانتونست یافته اند در شمال غرب انگولا مردمان پکانگو در شمال شرق و اچوکوها و بلوندا و همچنین در انگولای مرکزی گروپ میوتو حیات بسر میبرند . بر علاوه یک قسمت اهالی انگولا را طایفه پوشمنها در بر گرفته است طوریکه قبلا ذکر شد جمعیت سیاه پوست انگولا از رهگذر حقوقی به گروپ عالی و اوسط قسمت یافته اند که در گروپ اول آنهده اشخاصی شامل اند که از طبقات بلند نیگرو ها محسوب شده تابعیت را دارند یگانه شرایط داخل شدن در گروپ اولی همانا دانستن لسان مکمل پرتگالی و دارایی کافی که تعداد آنها قلیل است برخلاف در گروپ دوم متبانی تماما افراد کشور انگولا دخیل اند .

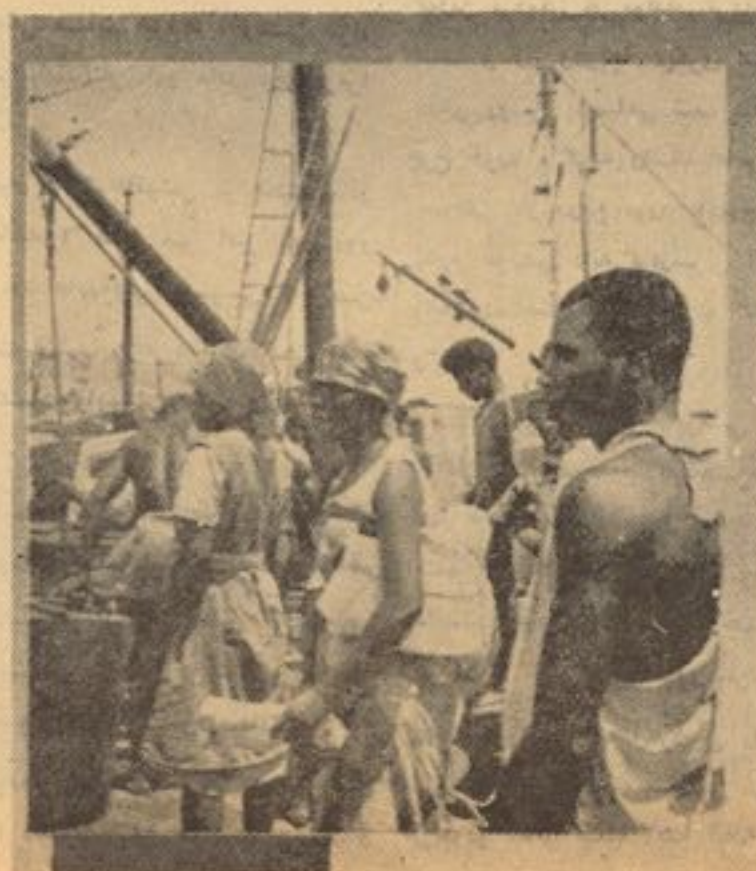
از رهگذر اقلیم انگولا در حوضه اقلیم استوایی حساب میشود زمستان در انگولا برابر بتابستان کشورهای شمالی بوده، خشک ترین وقت سال در آنجا میباشد که درجه حرارت وسطی ماهانه به ۲۰-۱۵ درجه سانتی گراد میرسد برخلاف تابستان این کشور که مصادف بزستان وطن مامیشود فصل بارانی این کشور بشمار میرود . انگولا از رهگذر صنایع ضعیف بوده و اقتصاد آن از طرف سرمایه های خارجی مخصوصا پرتگال رهبری میشود .



اطلاعات و کلتور

رئیس تحریر: محمد ابراهیم عباسی  
مدیر مسؤول نجیب رحیق  
معاون: پیقله راحله راسخ  
مبتمم: علی محمد عثمان زاده  
تلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵  
تلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹  
تلفون دفتر مدیر مسؤول ۲۶۸۴۹  
تلفون ارتباطی معاون ۱۰  
تلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰  
سو چورد ۲۶۸۵۱  
مدیریت توزیع ۵۹  
آدرس: انصاری و ام  
وجه اشتراك:  
درداخل کشور ۵۰۰ افغانی

از بین میروند ولی یک باران عادی کفایت میکند تا بجهان نبات و حیوان این سر زمین حیات دوباره بخشید. بهترین موقع گشت و گذار در جنگلهای و پارک ملی انگولا صبح صادق است چه بادلایم بحری وزیده و شعاع آفتاب بالای درختان و کوههای آن رنگهای مقبولی را ایجاد میکند هنگام گرمای شدید حیوانات ، پارک را ترک و به محلات بومی آنجا نز دیک میشوند . یکی از خصایص بومی های گرد و نواحی جونایست که برای حیوانات ایسن پارک با آنکه خطرات جانی از طرف آنها متصور است اندکترین صدمه ای نمیروانند بر علاوه حیوانات خوش رنگ و زیبا حیوانات وحشی و



زنان انگولا مانند مردان در کارهای سنگین اشتراک می ورزند .

## انگولا

است . توریست های که آرزوی دیدن ایسن پارک را داشته باشند تعداد آنها معین و محدود میباشد زیرا دخول در این پارک اجازه نامه مخصوصی را ایجاب میکند . جنگلهای افریقا بصورت عموم تقریبا هموار بوده یگان تپه ها عادی میان آن دیده میشود ولی منظره جنگلهای انگولا مختلف و همه یک سان دارای وضعیت اراضی نمیشد کوهها اینجا کتر برنگهای نسواری و یابادنجانی، جلگه ها و میدانهای آن دارای رنگهای شیرچایی رنگ آمیزی شده اند که در بین آن چتر های سبز عکاسی نموده است سبزه و علف زار های آن دارای رنگهای زرد مایل و یانسواری کمالی رادر اثر شعاع و حرارت آفتاب را بخود گرفته اند این زیبایی های طبیعت را کتر میتوان در سایر نقاط جهان سراغ کرد برآستی این رنگها و ساختمان های اراضی چشم بشر را معوجمال خویش مینماید . پارک ملی (جونای) از سه قسمت تشکیل یافته که به امتداد ساحل اقیانوس کمربند عریضی ساحه رنگی و سنگلاخ دیده میشود که در بعضی حصص رنگهای متحرک ممکن است در آنرا اندک اشتباهی بحیات انسان خاتمه دهد که میتوان در اینجا انواع آهوان خوش چهره (اوریکس) و حیواناتی را که میتوان برای مدت درازی بدون آب حیات بسر برند برخوردار .

بصورت عموم بین این ناحیه زیبا ، کوهستانات و مناطق هموار آن از رهگذر مناظر طبیعی فرق فاحشی مشاهده کرد در مواقع خشک و کم آبی حیوانات و نباتات آهسته آهسته

# قصه ای از غصه ها

تفطیم از مریم محبوب

صحبت کردم از بی علاقی ام از نفرتی  
با آن مرد برایشان گفتم اما آن‌ها هر دو  
یک زبان می گفتند :

«تو مجبوری با نا مزدت عروسی کنی»  
آواز سابق وزمانیکه کو چک بودی نا مزد  
تو بود. حالا می خواهی آبروی ما را ببری .  
التماس آمیز برایشان گفتم :  
«آخرا وزن و طفل دارد او بیرون است از خودم  
زشتتر است من چگونه میتوانم با او زندگی  
کنم »

سلی پدر بدعتم فرود آمد و دهنم را  
بست .

گریه ها و تضرع هایم بر دل سنگ شان  
بر اثر ماند . نامزدیکه پدر و مادر برایم  
انتخاب کرده بودند، مرتب به منزل ما می آمد  
از من دعوت میکرد تا رفقا بشی سینما و  
گردش بروم ، و قیاحانه از من میخواست تا  
به هر خواسته کثیف او تن در دهم که من  
اهل این کار ها و خواسته نبودم . متاسفانه  
هر فهای پیردبی ام در این مورد ، نتوانست  
پدر و مادرم را بر دامیکه این مرد برایم جیده  
بود واقف بسازد . آن‌ها خوشباورانه از من می  
خواستند تا مطیع و فرمانبردارش باشم اگر  
خواسته اش را عملی نمی کردم شدیداً به مثل  
حیوان درنده و وحشی به جان من می افتاد و نا

قدرت به بدن داشت کتکم میزد . باور کنید  
کاسه صبرم لبریز گردیده بود از زندگی  
نکبت باریکه داشتم بستوه آمده بودم . کلمات  
زشتی و کثیفی که هر لحظه از دهن این مرد  
برای زجر دادن من می برآمد . چون تیسری  
بیش نبود . آن مردیکه به من علاقه مند بود ،  
بار ها از من خواست تا با او فرار کنم ، ولی  
ترس و وحشت از آینده کنگ و میهمی  
که عنقریب به سراغم می آمد ، مرا از انجام  
این کار باز میداشت گرچه او صمیمانه مرا  
دوست داشت و بی غرضانه برایم اظهار  
محبت و دوستی می نمود ، ولی باز هم می  
ترسیدم .

بالا خره او هم از من بستوه آمد و ظالمانه  
از من روی برتافت و برایم گفت :  
«من زیاده از این نمیتوانم باتو باشم ، برو  
بانا مزدت عروسی کن »

آخرین امیدم ، بر باد رفت و من که بی خود  
به این مرد دل خوش بودم ، درمانده تر از  
سابق در خلوتگاه تنهایی خویش بر این  
درد زیاد تر نالیدم و فراوانتر اشک ریختم  
هستم را در برابر طوفانی دیدم که آرام  
آرام می لرزد و از پامی افتد ، هر چند به  
خود تلقین می کردم که مجبوراً باید باین  
مرد بسازم . ولی چهره ای خشن آن ، حرکات  
زشت و ناشایست آن ، و مهمتر از همه  
ظلمیکه پدر و مادر در حق من روا داشتند

نامزد شویم . وقتی این موضوع را همراه پدر  
و مادرم در میان گذاشتم ، با خنده های تمسخر  
آمیز و نگاه های پراز تعجب شان مواجهه  
کردیدم . ولی باز هم خواستم که به این کار  
موافقه نمایم ، اما آن‌ها ظالمانه از این کار  
جلوگیری کردند . فقط می گفتند :  
«تو نامزد داری لازم نیست با مرد دیگری  
عروسی کنی .

من درمانده تر از سابق متحیر و پریشان  
نمی دانستم که این نامزدم کیست و چکاره  
است هر چند برای پدرم التماس میکردم ،  
ولی او جز سکوت چیزی دیگری نمی گفت .

مادرم می گفت که من نامزد دارم . تا اینکه  
چندی قبل زمزمه فضای منزل ما را پر ساخت  
و محفل شیرینی خواران بر پا گردید . باور  
کنید تا روز شیرینی خوری من اصلاً نمی  
دانستم که نامزدم کیست ؟

بالاخره با مرد زندگیم برخورد کردم . او را دیدم  
با همان اولین برخورد ، تنم از دیدنش لرزید  
نگاه های مشکوک اش سراپا هم را داغ  
ساخت .

آخرین کسی بود که من زشتی می شنیدم ؟  
چکاره بود ؟

باور کنید نمی دانستم . همه به ضم  
خود ، به محفل شیرینی خوری رفصیدند و  
پاکوبی کردند . همه می خندیدند . و مبارکباد  
می گفتند ، ولی در این میان من بودم که برگرد  
سردار و زوهایم آرام آرام میگریستم و اشک میریختم  
من که زشت بودم ، حق انتخاب همسر آینده  
نیز از من سلب شده بود . بالاخره دانستم  
که این مردیکی از پولدار ترین رفیقان پدرم  
است و زن و دویچه دیگری هم دارد . وای که  
دنای روشن به سیاهی شب مبدل گشت سرم  
چرخ خورد ، گریه و اشک امانم نداد .

وقتی باز درین مورد باید پدرم صحبت کردم ،  
پدرم خونسر دانه تر از سابق اولتانه هایش  
را بالا انداخت بعد بادی به گلویش گرفت  
و گفت :

«فقط تو میتوانی با پولش زندگی کنی ؟  
بلی ! این پدرم بود که چنین حرفی برایم زد  
فقط او پول میگفت و پول ... حیات و زندگی  
آینده ام برایشان مطرح نبود . بالا خره  
دانستم که چه دامی برایم جیده اند . هنوز  
چند روزی از شیرینی خوری من سپری نشده  
بود که خواستند محفل عروسی را برپا بکنند  
این جالازم بود که من تلاشی می کردم و جدال  
می نمودم ، تا بر نقشه ای که قبلاً کشیده بودم  
پیروز شوم . معقوله باردیگر باید پدر و مادر

کرده اند ، حق زندگی کردن را نداشته باشم ،  
چون زشتم ، صورتیم پرابله است و همیشه  
باعث انزجار دیگران است .

باور کنید از زمانیکه خود را شناختم ، به  
این درد عظیم پی بردم بارها تصمیم گرفتم  
که خودکشی نمایم . تحمل نگاه های که صد  
چند بر این درد می افزایند ، برای من باقی  
نیست . جز گریه کردن و نالیدن کاری ندارم  
میگویند وقتی کوچک بودم ، بد نم را  
چیچک گرفت در اثر کم توجه بی پدر و مادر  
داغ هایش بصورتی ماند که اکنون این لکه  
ها و داغ ها بزرگترین درد بر منست .

فامیل ما دارای چهار فرزند است که  
بزرگترین همه آن‌ها من می باشم و کسی  
بدبختترین شان .

مادرم آنطور یکه بر فرزندان دیگرش  
توجه دارد لحظه ای به اندیشه من نیست ،  
پدرم آن چنانکه همیشه بر فکر ترتیب دادن  
پارتنی برای فرزندان کوچکترش است . به  
حال من نیز توجه ای ندارد . حتی بعضی  
اوقات ، خواهرم به نسبت زشتی صورت از من  
میخواهد تا به پارتنی هایش حصه بگیرم .  
و من که کشنده ترین دردها نصیب شده ام  
بر بسا کر دن چنین محفلها محروم شدم  
و مهمتر این چیزیکه مرا از حلقه پدریچ میدهد  
نداشتن دوست است ، آخر با این صورت  
زشتم کی میخواهد ، با من دوست شود ؟ کی  
میخواهد با من درد دل کند و ....

وقتی مکتب بودم ، همصنفان همه از من  
کناره گیری می کردند ، همه بایسک آواز  
آبله و روچیچی صدایم میزدند . وقتی منزل  
می آمدم حرفهای تنفر آور مادر و خواهر مرا  
از پامی افکند .

چقدر من نیاز داشتم تا آغوش پر محبت مادر  
برویم باز باشد و خنده مهر آمیز پدر دور  
کننده ای درد هایم . ولی افسوس که این  
دو خود باعث آن شدند که دیگران از من دوری  
برگیرند و کلمات ناپسند و زشت نشام  
نمایند .

شاید تعجب کنید که اگر بگویم گرچه زشت  
و بدقیافه بودم ، هفت ماه قبل مردی عاشقم  
شد . این مرد بیش از حد با من اظهار محبت می  
کردن که تشنه محبت و دوستی بودم ، بی  
الایشانه بسویش تافتم ، و صمیمانه از او  
استقبال کردم . او هم بی دریغ دوستی اش  
را بر من روا داشت ، از من خواست پدر و  
مادرم را راضی بسازم تا اجازه دهند مادو با هم

مرا مقصر ندانید . او را نیز ملامت نکنید  
چون او عادتش بود که رام بسازد و بعدرها  
نماید .

اما من که تشنه محبت بودم ، من که در پدر  
بد نیال آشنای بی طماع می گفتم ، خواستم  
تا سیراب گردم . به این اندیشه شتا بسته  
بسویش رفتم ، برق نگاهش برایم نیرو  
بخشید ، عقیق لبش لبخند زنان مرا پذیرفت .  
همیشه نجواکنان در گوشم میخواند :  
«بیا ... بیا ... باتو می خواهم باشم»  
فقط باتو .

اما ... بازی سر نوشت ، عجولانه با من  
در آمیخت و من که تازه لذت دوستی را چشیده  
بودم ، دریافتیم که درجه پرتگاهی افتاده ام .  
حالا که می خواهم این نامه را برایشان  
بنویسم درماندگی بیش نیستم . دست تضرع  
بسوی شما دراز میکنم و اشک آلود از شما راه  
نجات می خواهم . شاید شما بتوانید در این  
راه راه کمک کنید .

• • •

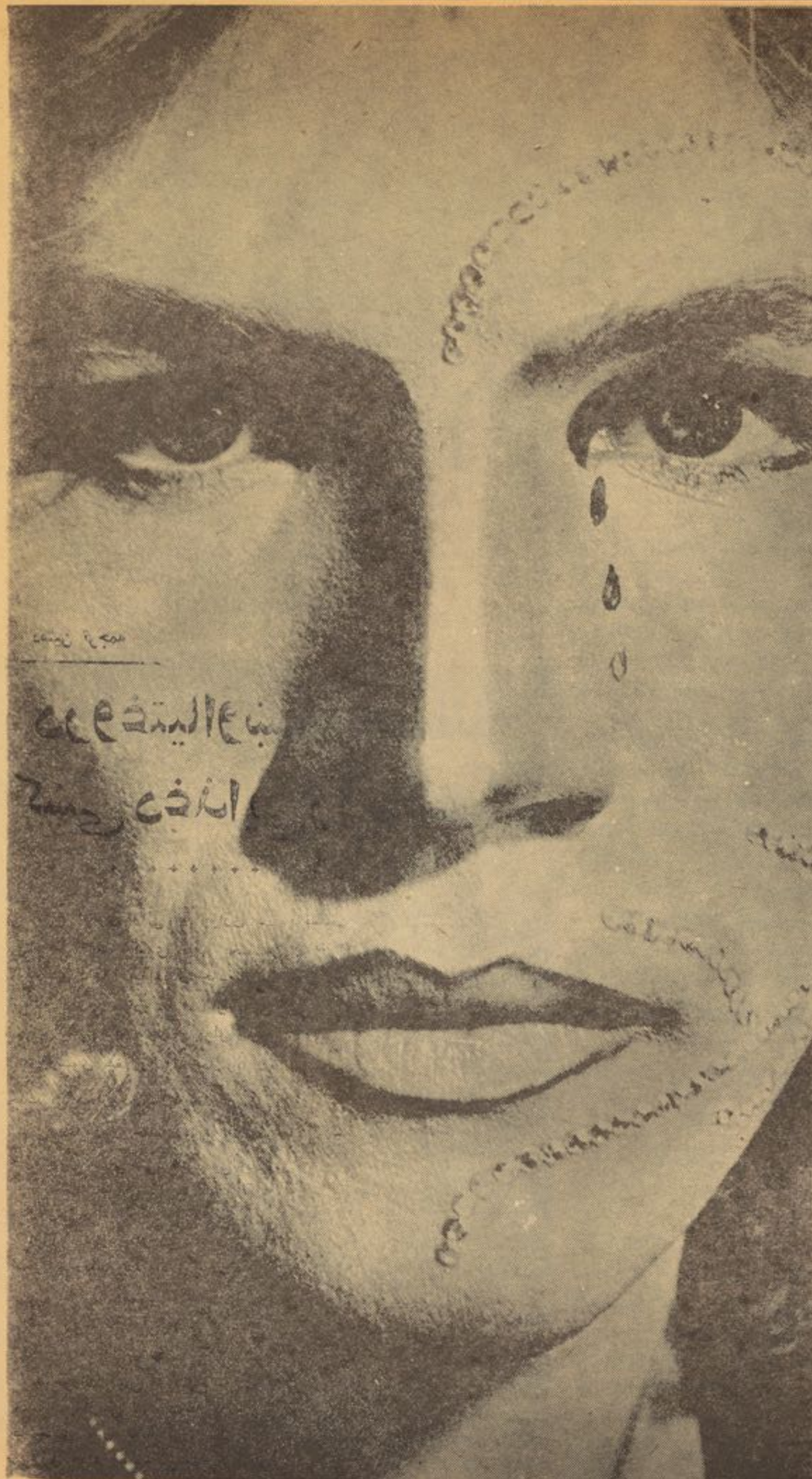
از زمانیکه این زهر مسموم کننده بسراغم  
آمد شش ماه زیانر سپری نمی گردد ، در این  
مدت جز سوختن و ساختن چاره نیست . چندین  
مرتبه تصمیم گرفتم که خود را بکنم ولی ندای  
وجدان منصرف ساخت و به من گفت : شهادت  
داشته باش ، دنیا آنقدر کوچک نیست !  
ولی حالا که می بینم ، دنیا کو چکتر از آن  
است که مرا بتواند در خود جای دهد . همه  
از من گریزان و فراری ، و خودم غرق در کثافت  
ولجن ، ناخود آگاه نفس میکشم و این  
نفس کشیدن ها زایانده بی درد دیگری -  
یست بر درد های من .

من زشتم ، صورتی پرابله و مملو از  
چیچک است . ولی این که من زشتم ، و بد -  
قیافه ام تقصیر من نیست .

من چرا باید طعنه شنو دیگران باشم .  
و همیشه از نگاه های گریزان و نفرت بار  
دیگران استقبال نمایم ؟ چرا همیشه باید  
با کلمات رکیک و درشت پدر و مادر و خواهر  
و برادر مواجه باشم و حرفهای نا هنجار شان  
تیر دیگری بر زخم جگرم باشد ؟

ایا من حق ندارم زنده بمانم و چون دیگران  
از همه مزایای زندگی مستفید ؟

ایا من حق ندارم ، خواستار محبت پدر  
و دست نواز شکر مادر باشم ؟ شاید به نظر  
آنانیکه در اطراف من از سالیان درازی مرد  
آمده اند و خود را اقوام و خویشم معرفی



مرا گریزانتر از نامزدم می ساخت، بالاخره باجرات تمام آخرین تصمیم را عملی ساختیم در یکی از شبها مقدار داروئی را که قبلاً آماده کرده بودم سر کشیدم و به امید این که شاید به زود ترین فرصت مرگ به سراغم می آید به بستر افتادم، ولی از آن جایگاه هنوز بد بختی هایم تمام نشده بود مرگ از من روی برگرفت و من بعد از چندی دوباره سلامتی ام را بازیافتیم حالا می بینم که نامزد و پدر و مادرم شدیداً از من مراقبت میکنند، به مثل مجرمین تنها و شر منده از کاریکه کرده ام در گوشه ای از اتاق افتاد آم، میخواهم که شما مرا منصرف و علامت نکنید آنانی را که مستقیم به این بدبختی من حصه داشته اند علامت نمایند. و حالا که این نامه رو به تمام است آخرین تصمیم را نیز گرفته ام. شاید بنظر شما باز کار احمقانه ای را انجام بدهم، ولی می بینم که روز بروز حلقه بر من تنگتر میشود، میخواهم به میرم، میخواهم این حلقه های که سخت دست و پایم را به هم بسته اند، رهایم سازند. فقط شما بکشید هر چه زودتر نامه ام را به چاپ برسانید و آنطوریکه خودم از واقعیت ها پرده برداشته ام، شما هم عین آنرا در صفحه قصه ای از قصه ها انعکاس دهید، من بی صبرانه به انتظار پاسخ شما به سر می برم، فقط همین!

ف. ع. کریمی

خواهر!

بکشید که شتاب نکنید، زندگی آنقدر هم سهل نیست که شما پندارش کرده اید. پهلوی های زندگی هر کدام دارای فراز ها و نشیب هاست. خوشبخت آنکه پیروز منم و با حوصله فراخ این همه پستی و بلندی را طی کند.

می بخشید شما کودکان سخت دوتلاشید نارشته حیات تا آنرا قطع کنید و درسید که از نا ملایمات زندگی فرار نمائید، که این چنین دوش، پیروزی در پی نخواهد داشت. دوست عزیز!

میگویند گذشته آینده را پی ریزی می نماید شما بکشید که از این همه تجربه آینده روشنی را برایتان پیش بینی نمائید این که شب و روز در فکر خود گشتی وقت تلفاس باشید، نشان دادن این همه ضعف و پستی اراده گی، بالاخره شما را از پا خواهد انداخت بهتر است معقول فکر کنید و بدلا یل منطقی صمیمانه بپذیرد و مادر تان در مورد نامزد تان صحبت نماید اگر موفق نشدید، قانون باشماست.

به امید پیروزی تان

شماره ۳۹

# دروغتیا او بنکلا په ساتنه کېنې دغذایې رژیم اغیزه

\*\*\*\*\*

تنوع او نوی والی نه یوازې د ژوند مزه بلکه کېنې بلکې پخپله ژوند دی دا هغه پیغام دی چې د خوراک کې او غذایې موادو ما هرا ن بهدی ورڅو کېنې هڅه کوی چې ټولو خلکو ته یې ورسوی هغه رژیمونه چې زیات خلک یې دځان دپاره په نظر کېنې نېسی دغه ډول خلک دومره پخپل ځان مشغول ساتي حتی دا خبره یې له یاده ووځي چې دغذایې تنوع څخه لکه چې لازمه ده برخورداره شی.

او ورو، ورو خلک دی ته متوجه کېږي چې د بیلو بیلو غذایې موادو څومره خړول د هغوی درو غتیا په ساتنه او څرنگوا لی کېنې اغیزه لري.

په خوراک کېنې له تنوع نه کار اخستل یوازینی لاره ده چې دا خبره تضمینوی بدن ته په پوره اندازه ضروری مواد رسېدلی شي، یوزیات شمیر خلک شته چې دغذایې موادو

په شمیر خلک د نشتوالی له امله خورېږي، معمولاً ځوانو ښځو او پیغلو ته د زیاتې وسپنې دلکېست سپارښت کېږي څوکه چېرې غذایې رژیم په پوره ژورتیا او تنوع سره برابر شی دوسپنې لگښت به په پوره اندازه تضمین شي.

دکاني موادو او په عامو مسمو ډول دغذایې موادو سمه اندازه دېرېدن درو غتیا په ساتنه کېنې ار زښت لري او بیا هم باید ووايو يو غذا يي رژيم چه ډول ډول غذايي مواد ولري کولی شي چې د هغې ضما نت وکړي کله کله دیوی مادی څخه زیات ته استفاده کول دویني دزیات فشار او یا په وینه کې دکلسترول دزیاتوالي په څیر ناآرامی منځ ته راوړي ځینې شیان چې تاسی یې په سادګۍ سره خوری که چېرې زیات وخورل شي امکان لري نه یوازې ضرر ولري بلکه د بدن دپاره مسمو میت تولید وي که چېرې هره ورځ زیات نخود وخورل شي پښې له کاره غورځوی اودغه حالت په هند کې زیات لیدل کېږي هر څومره چې غذایې رژیم له تنوع څخه برخورداره وي په هماغه اندازه ددغه ډول ناروغيو دمنځ ته راتللو امکان کمېږي.

کلسیم د هغو موادو له جملې څخه دی چې په آرامي سره د اړتیا داندازی نه زیات بدن ته ورسېږي هر څوک اوبه تیره بیا هره هغه ښځه چې عمر یې له څلویښت کلنۍ څخه تیر شوی وي باید دی مو شروع ته زیات ارزښت ورکړي.

کلسیم د زړه، دویني دجر یا ن اود هډوکو د کار د ښه والی دپاره ضروري دی البته د هډوکو څینی ناروغي چې د کلسیم په نشتوالي پورې اړه لري کله کله د یو شمیر ډاکترانو د شریک اوتردید وېر گرځي اونه شي کولی چې په سلو کېنې سل دهغه په باب قضاوت وکړي که چېرې کلسیم بدن له اړتیا نه زیات ولگول شي بدن په سلو لویو کېنې زیرمه کېږي دوه ګی لاسه شیدې کولی شي چې د بدن د ورځنۍ اړتیا د کلسیم سره دریو برخو نه دوی برخې تا میږن

کړي او که چېرې پاتې ندریمه برخه دنورو خوراکو نو له لاری تا مین شي کفایت کوی. له ټولو موادو څخه چې زیات ضرر لري هغه سیدیوم دی چې دزیاتې مالګې د خورولو له لاری بدن ته ننوځي، دلېزې مالګې خو ډول په بدن کېنې دلېزو اوبو د جذبولو سبب کېږي اوبه عامو می ډول د بدن د عمومی روغتیا په ساتنه کېنې اغیز مندی په عامو می ډول هر سړی لسه دوو چنډو څخه تر دریو چنډو پورې هغه مواد خوری چې ورته په کار دي. یو شمیر نور دویتا مین لرو نکو تابلیتو نو دخوړلو سره دومره عادی شویږي چې فکر کوی دویتا مین د تابلیت نه پرته به د هغوی روغتیا دخطر په کنده کېنې ولویږي خو باید ووايو چې آیا واقعا تاسی دغو ټولو ویتا مینونو ته اړتیا لري؟ که چېرې دغذایې موادو بیل بیل ډولونه په خپل ورځنۍ غذایې پروګرام کېنې ځای کړي نو دنورو ویتا مین لرونکو موادو خوړلو ته به لږ احتیاج پیدا کړي کوم څه چې په واقعی توګه سم نه دی د اضافي ویتا مینو داندازی کموالی نه دی چې د خپل ډاکتر په سپارښتنه یې بدن ته ورکوي بلکه د(او) او ویتا مینسو د اندازی زیاتوالي ډیر خطر لري د ویتا مین ای داندازی زیاتوالي په مغز باندې زیات فشار راولي او حتی دلیدلو دقوی دکمزور تیا سبب کېږي له همدې امله دی چې زیات خلک ډاکتر له لار ښوونی پرته دای او دی ویتا مینو خوړلو ته په آسانی سره زړه نه ښه کوی.

په دی وروستیو وختونو کېنې د(او) ویتا مین زیات شمېر پیدا کړيدي، ددغو ویتا مینو په برابر زیاتې ادعا گاني شویدی خو تر اوسه پورې په سلو کېنې سل ثبوت ته نه دی رسیدلی. حتی د یو شمیر ما هرا نو په عقیده ددغو ویتا مینو نو څخه استفا ده کول د زړه بڼت دوره شا ته غورځوی خو تراوسه پورې زیاتو څیړنو ته ضرورت شته تر څودغه ادعا ثابتې کړي البته باید وویل شي چې د

نورو نارو غیو څخه دهغه ساتنی دپاره گټور دی دغه ماده له یو زیات شمیر حیواناتو میوو او سبزو څخه لاس ته را تللی شی دا مواد کولی شی چه د بدن نوری اړتیا وی چه دانرژی دمنځ ته راتللو سبب کیږی هم تامين کړی تر څو چه کولی شی دپوری او اوږو په څیر دموادو لسه خوړلو څخه ډډه وکړی داموادمیخ غذایی ارزښت نه لری اود موجودوکا لوریو اندازه پدی موادو کښی زیاته ده، نن تقریبا دا خبره څرگنده شوی ده چه پوره او قندی مواد دزړه او قندی نارو غیو په وده او تکا میل کی ستر نقش لری هر څوک دخان دپاره مخصوصی غذایی اړتیا وی لری او په همدی دلیل امکان نه لری چه وکولای شی یو داسی مشخص او مخصوص پروگرام طرح کړی چه د غذایی اړتیاو پورته کړی.

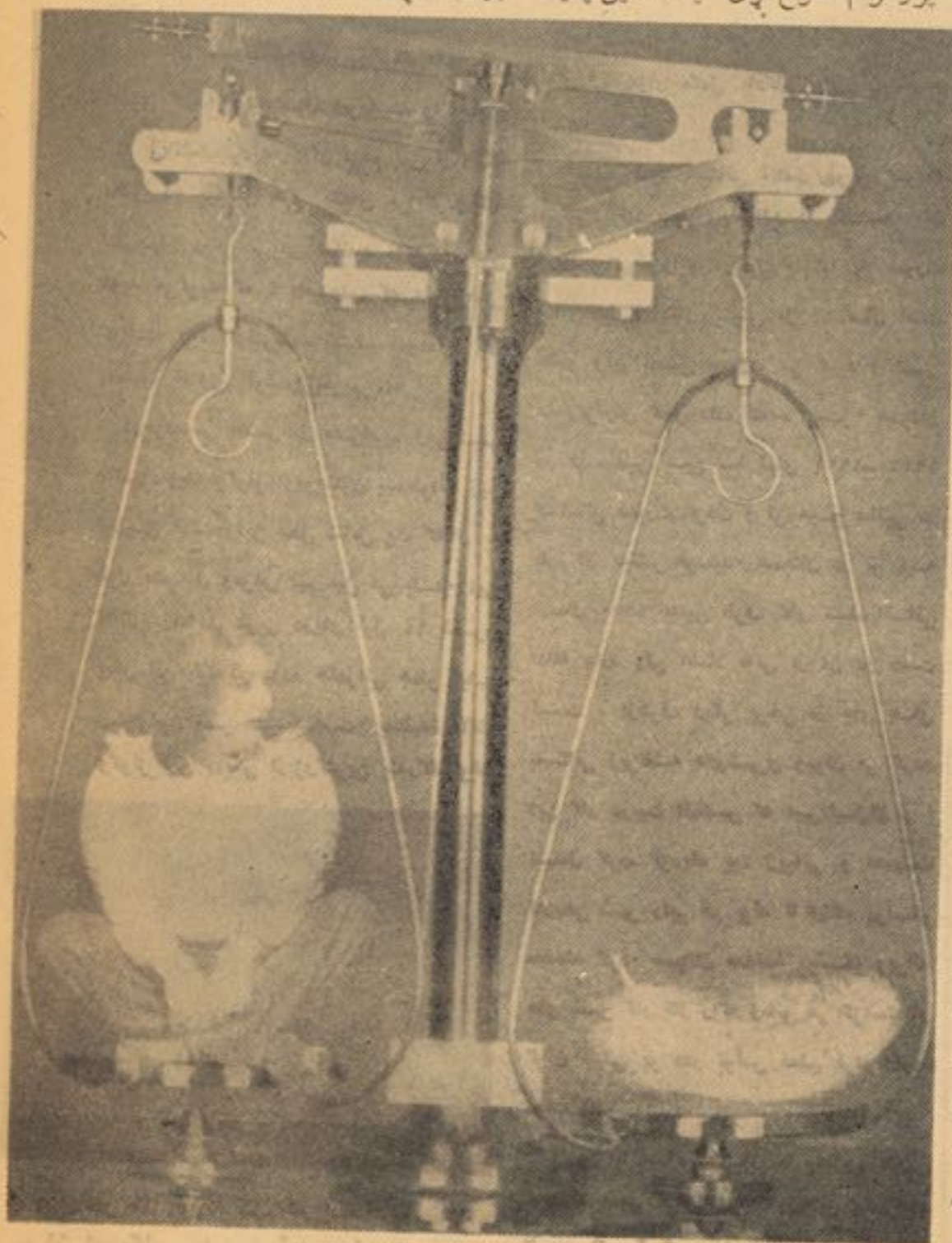
څخه استفاده وکړی او دهغو واژگی له یخو لونه دمخه جلا کړی نوری غو ښی هم خوړلی شی خوداسی برخی یی دخوراک دپاره وټا کی چه واژگی یی لری وی.

پرو تین دهغو موادو پر څخه تشکیلوی چه ستا سی بدن ور ته اړتیا لری، دا چه تاسی څومره پرو تینو ته اړتیا لری ښا یی دهغه څه چه تاسی یی فکر کوی ډیر لږوی دوه گړ لاسه شیدی دغو ډیرو او مستو نه پرته چه به هر حال ستاسی د بدن د اړتیا وړدی دیوی هکی اود جرگ او یا کب د لږی غو ښی سره کو لی شی چه ستاسی د بدن د اړتیا وړ ډیرو تین تا مین کړی خود زیاتو پروتینو خوراک ښه کار نه دی که چیری ستا سی عمر له څاوینستو کلونو څخه زیات وی نود زیاتو پروتینو خوراک ستا سی په سپری او پختو رگی دهغو د قدرت نه پورته فشار راوی، ددی سره سره لازمه نه ده چه حیران پاتی شی ځکه چه ډاکتران پدی برخه کښی له دومره سختی څخه کار نه اخلی ځکه هغوی عقیده لری چه که اضافی پرو تین حتی که چیری له لازمی اندازی نه دوه یا دری چنده زیات هم وخوړل شی څه زیان نه شی ورسو لی.

یوه بله مو ضوع چه باید له نظره یی لیری ونه غور خوی داده چه پروتین له بیلو بیلو منابعو څخه په زیاته اندازه تامینیری، تا سی کولای شی چه د غو ښی اود غو ښی له نورو ډولونو څخه پروتین تر گو تو کړی دغه راز بیل بیل حیوانات او سابه کولای شی چه په زیاته اندازه پروتین تولید کړی که چیری له بیلو بیلو پروتین لرونکو منابعو څخه استفاده وکولای شی پدی کار کښی هڅه وکړی او پری نه ږدی چه وای زی له څو محدودو منابعو څخه کار واخلي. فیبر یا هغه ماده چه نه هم میږی خاص ارزښت لری اود کولمو د فعالیت اود کولمو دسرطان او

ویتا مین خپل خورا زیات ارزښت سا تللی دی اود زیاتو ډاکترا نود نظر یی له مخی باید هره ورځ لږ تر لږه د پنځو گرامو په اندازه د سپرو څی سره د مبارزی دپاره وخوړل شی خو یو شمیر از ماینستو نودا خبره څر گنده کړیده چه دسی ویتامین د بدن دورځنی اړتیا یو په لسمه او یادوه په لسمه برخه برابر وی خو هغه آوازه چه د ځینو سر طانیسی نارو غیو د معا لجمی دامکان په باره کی د ویتا مینو په وسیله اوریډ له کیږی دومره دارزښت او پاملرنی وړ نه ده د ویتا مینو څخه په زیاته اندازه استفاده کول دا خطر لری چه په خورا کونو دبی ۱۲ د ویتا مین اندازه له منځسه وړی په پختو رگی کښی د تیزی منځ ته راتلل په زیاته اندازه د د ویتا مین څخه داستفا دی یو بل خطر دی. د رومی بانجا نو، ځمکنیو منو سبواو نورو میوو خوړل بدن ته په پوره اندازه د سی ویتا مین ور کوی او کیدای شی چه د نورو موادو سپره تناسب ولر لی شی.

شک نه شته چه یو زیات شمیر خلک د اړتیا له اندازی نه زیات اړتیا له اندازی نه غوړی او واژگه خوری که چیری ستا سی عمر په تیره بیا له څلو ښت کلنی څخه اوښتی وی حتما باید دهغو غوړیو او واژگی اندازه چه وینی ته ننوځی کمه کړی د ښځی بدن له شته یدو وروسته دنارینه د بدن حالت غوره کوی اود زړه دنا آرامیو د خطر په کنده کښی لو پری، البته ددی معنی دانه ده چه به عمو می ډول دغو ډیرو له خوړلو څخه ځان وژ غوری خو کیدای شی چه د ځینو غوړیو څخه استفاده وکړی ځکه ځینی غوړی لکه دښون دغوړیو په څیر د بدن وینی ته نه ور ننو زی او په نتیجه کښی زړه ته تاوان نه شی رسو لی لنډه داچه همیشه لږ غوړی وخوړی او په تیره بیا له حیوانی غوړیو څخه ډډه وکړی هر څومره چه کو لی شی د چر گانو کبانو او کښی له غو ښو



د بدن د اړتیا سره سم خورا ک ستاسی رو غتیا تا مینوی.

## کاوش برای دریافت

رامی سازد و توسط قوم مسیانی ساخته شده است شدند. تایکال برخلاف شهرهای قدیمی باستانی که در کنار رودخانه ساخته شده بود، دورتر از آن قرار دارد. ایشان با استفاده از (چرخ) آشنایی داشتند و لسی بخاطر اینکه به آفتاب مقدس عقیده داشتند و چرخ شباهت به گردی خورشید دارد آن را بکار نمی بردند. یگانه چرخ در تمدن میان بازیچه های اطفال بود و پس.

عنوز معادن باستانی جهان تا کشف مانده است.

ماه گذشته دولت چین اعلام کرد که در شهر شنسی موفق به کشف (اردوی) که ۲۰۰ سال عمر داشته و مجسمه های جنگجویان و اسب ها ایشان به اندازه اصلی ساخته شده است گردید. همچنان یک جسد انسانی در لابلای گل سرخ ایالت ایهوی چین کشف گردید. این جسد که از یک مرد است دندان های سالم داشته و گفته می شود که ۲۱۰۰ سال عمر دارد.

همچنان یک جسد مومیایی شده یک دختر مصری که ۱۵ تا ۱۴ سال عمر داشته و از پای شل بود کشف گردید. در آن موقع پس از اینکه دختر مرده بود پای های تکه ای برایش دوختند تا در جهان دیگر بر پای نماند. دکتر روز الی داوید می گوید که: (امیدواریم که علت مرگی که باعث مرگ دختر شده کشف نموده و بان به شیوه تدای آنوقت پی ببریم).

در خود مصر بخشی از مصر قدیم زیر نظر دکتر داوید اوگونز از یوهنتون پنسلوانیا زیر تحقیق است. این محل شامل یک کانال به طول یک میل و عرض نیم میل می باشد. این کانال در ساحل غربی دریای نیل ۱۴ قرن پیش از میلاد در دوره حکمرانی همنو تیس سوم فرعون مصر حفر شده است. به عقیده دکتر اوگونز این (یکی از بزرگترین بندرگاه آنوقت



این مار فلزی که در حفاریات بومیان آمریکایی بدست آمده است در هشت هزار سال پیش از میلاد ساخته شده و سی مترس است.

صفحه ۵۶

## ترس دختران

خدیجه سوال دیگر را چنین جواب داد: يك تعداد زیاد دختران ظاهر نگشت.

خدیجه بجواب سوالی دیگری گفت: هر نوع کوششهای که زمینه های آموزشی، اصلاحی و اخلاقی داشته بهبود جامعه در آن نهفته باشد قابل پشتیبانی همه جا نبه است و چون دختران و پسران پوهنتون که ماشا الله همه تحصیل یافته و روشنفکر هستند در آن می کنند که چشم انتظار مردم بسوی آنهاست. پس باد رك مسو لیت های بزرگ اجتماعی بسوی شگوفانی آرمانهای مردم به پیش بروند.

دوشیزه خدیجه بدنبال سخنانش افزود:

پس کلیه جوانان بالاخص دختران روشنفکر و تحصیل کرده در راه از بین بردن چنین ذهنیت های منفی مبارزه پیگیر شانرا تا مرز پیروزی برسانند و مغز های مردم را از این پندار های پوچ پاک سازند. وی ضمن تشریح نمایشات هنری پوهنخی ساینس گفت این نمایشات دو بخش داشت: یکی موسیقی و دیگری پارچه های نمایشی که در مورد اشتراک خود بگویم که در هر دو بخش آن سهم گرفتیم هم در بخش موسیقی آن هم در یکی از نمایشنامه آن بنام «سالهای گذشته» که بوسیله ابراهیم گمشده نوشته شده بود و نقش یکرزن دهقان بدوش من بود. ولی نمایشنامه دیگری که (دخترینوا) نام داشت با وجود دیکه آنرا تمرین کرده بودم اما بعلت شرکست



مستر مرور در عمل کشف آثار باستانی

بوده است و نشان میدهد که در آن موقع شهر بزرگی در کنار آن قرار داشته است.

در آن در بازار قدیمی آن لیزلی شیر موفق به کشف بازار مکمل بادکان های آن شده است.

کشف های باستانی آنقدر سریع صورت میگیرد که در بسیاری مواقع دانشمندان فرصت تهیه راپور رانمی یابند. به صورت مثال شهر تایکال بیش از ۱۴ سال است که روی آن تحقیق صورت میگیرد و لسی عنوز گزارش کامل داده نشده است. همچنان در فلسطین بین سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۳ کشفیات صورت گرفت و لی هیچ مطلبی در باره آن به نشر نرسید. همچنان در ترکیه از سال ۱۹۵۰ به این طرف کار کشف باستانی ادامه دارد ولی اطلاعاتی از آن در دست نیست. از طرف دیگر برخی از جای های باستانی زیر نقشه های شهری ویران می گردد این کار در بیت المقدس که اسرائیل آن را اشغال کرده نزدیک بود زیبایی و اهمیت تاریخی شهر را بر هم بزند تا اینکه یونسکو مداخله کرد. همچنان مداخله یونسکو ویرانه های شهر کار تا زمانه مرگ استعمار گران فنیقی بود و در تونس فعلی قرار دارد. نجات داد.

اکنون با ستا شناسان با وسایل مدرنی که دارند سعی می کنند هر چه زودتر پسر ده اردوی تاریخ کهن بشری، پیش از آنکه این آثار توسط بلدوزر تمدن فعلی، از بین برود، بردارند.

## دمینی به لوری

خونه به یولو شیانو نه پوهیبری مایکل تا هغه ورخ وخت رانه کړچه زه ووايم چه.. خو هغه خپلی گوتی زما په شونډو کښیښودی اووی ویل:

ما پخپله پدی باره کښی زیات فکر کړی دی او پوهیږم چه تـ دوستی وړ او مهربانه نجلۍ یی او هیڅکله پخپله خو ښه ناوړه کارنه

کوی یوازینی شی چه ماته ارزښت لری دادی چه تپه ماگرانه یی او غواړم چه خپل پاتی عمر ستا په نیکمرغه کولو تیر کړم.

اوس نو څلور میاشتی کیږی چه ما او مایکل واده کړیدی دهغه سره زما ژوند خوندور دی کله کله نیمه شپه ویښیږم تر څو واده شم چه دی وروسته خوب نهدی او تراوسه هغه زما تر څنگ پروت دی او داتر هم دازما دپاره گرانه ده، باورو کړم چه زه دمایکل اوشی میرمن یم.

ژوندون



ترجمه و نگارش: پرو هندوی فاروقه ع  
گوهری استاد پوهنځي ساينس

## چشم و انواع آن



انسان طبیعتاً طبق عادت، به میزان زیادی به حس بینائی خود تکیه نموده است و بوسیله آن میتواند همواره ارتباط خویش را با دنیای ماحولش حفظ نماید.

بشر از قدیم الایام اهمیت چشم را باورنشدنی ای که انجام میدهد، آشنایی کاملی داشته است. مطالعات جدید نشان میدهد که این عضو به ظاهر ساده دارای ارتباط مفلق و اسرار آمیزی با دماغ حیوان دارد. چشم‌ها نه تنها وسیله دید بوده بلکه عضوی است که بواسطه آن حیوانات میتوانند در مقابل دشمنان محیطی و غیره عوامل از خویشتن دفاع نمایند.

در دنیای حیوانات طرز فعالیت و ساختمان چشم، به طرق مختلفی وجود دارد. چنانچه در برخی، چشمها برای دید در تاریکی و در عده برای دید در روشنائی روز مساعد بوده و حتی حیواناتیکه در شب و روز فعال اند، چشم میتوانند بهر دو موقع بخوبی فعالیت نمایند. انسان‌ها با وجودیکه از لحاظ تکامل پیشرفته ترین مخلوقات روی زمین اند، بانهم چشمشان شان نسبت به عده ای از حیوانات تکامل بیشتر نه نموده است.

زیرا حیوانات متعددی رامی شناسیم که قدرت گردش چشم و ساحة دیدشان به مراتب بیشتر از چشمهای انسان‌ها است. البته در مقابل حیواناتی دیگری بمثل پارازیت‌ها و غیره وجود دارند که اصلاً احتیاجی بداشتن چشم نه دارند.

نوع در ساختمان و وظایف چشم :

با وجودیکه چشم جا نداران عالی از لحاظ تکامل تقریباً دارای منشاء مشترکی میباشد. بانهم چشمها در انواع مختلف - وظایف مختلفی را بعهده دارند.

تعداد کثیر زنده جان‌های وجود دارند که دارای چشمان ساده بوده و از لحاظ تکامل در مراحل ابتدائی قرار دارند. بطور مثال یکی از حیوانات ساده در طبیعت حیوانی بنام یوگلینا است که دارای نقطه سرخ رنگی که بمقابل نور حساس است میباشد. این چشم ساده تنها قدرت تمیز نور شدید و نور خفیف را دارد یعنی چشم یوگلینا تصویر اجسام را در حیوان منعکس ساخته نمی‌تواند.

هر قدر ساختمان موجودات حیه تکامل نماید، بهمان اندازه چشمان نیز راه تکامل را می‌پیمایند. مثلاً یکنوع حیوانی بنام کرم زمینی وجود دارد که برخی سلول‌هایی در جلدش قرار دارد که میتوانند در مقابل نور و یا تاریکی حساس باشند. یعنی درین صورت حیوان میداند که کدام قسمت از جسمش بطرف روشنائی مواجه است.

حیوانی بنام سکا لوپ که یکی از حیوانات غیر فقاریه میباشد در حدود پنجاه الی دو صد چشم ساده ای که در دورادور جسمش قرار دارند دارا است. طوریکه هر چشم دارای عدسیه جداگانه بوده و در مقابل نور حساس میباشد. چشمها که در حقیقت در اطراف قشر حیوان قرار دارند، میتوانند حین شنای این نرم تن دواب کمک نمایند. و حیوان را متوجه طعمه‌ها و دشمنان وی گرداند.

سکا لوپ ها عبارتند از حیوانات بحری اند که از جمله نرم تنان بوده و دارای قشر سخت خارجی میباشد. چشمها درین حیوانات به تعداد زیاد در دو قطار و بنوع دور جسم وجود دارد.

یکی از ساده ترین حیوانی که میتواند به طریق مخصوص، نقشی از اجسام

ماحولش را در دماغ ساده خود - ترسیم نماید عبارت از کوبلیا میباشد که دارای جسم کاملاً شفاف است.

در حصه فوقانی جسم دودعد عدسیه نسبتاً بزرگی قرار دارد این عدسیه ها که روی بر جستگی‌های قرار دارند میتوانند شعاعات وارده نور را اخذ و آن را بداخل جسم به دو عدسیه کوچک دیگر برسانند. عدسیه‌های کوچک هر کدام دارای ساختمان چنگک مانندی بنام رادار میباشد که در اثر حرکت غیر منظم مقدار نور وارده را اخذ و آن را به دماغ ساده حیوان که در مرکز جسم قرار دارد - سوق دهد. شعاعات و عکس العمل‌های وارده به مغز - باعث نقش یک تصویر مبهم از اشیاء - در مغز حیوان میگردد.

در شکل عدسیه‌های بزرگ در قسمت فوقانی جسم، عدسیه‌های کوچک در حصه تحتانی و دماغ حیوان بشکل نقطه‌ای سیاهی در وسط جسم بهلا حفظ می‌رسد.

حشرات جانورانی هستند که دارای چشمان مرکب بوده و هر چشم از تعداد زیادی ساختمان‌های مشابه بهم ساخته شده است. هر چشم حشره که از صدها و یا هزاران عدسیه کوچک تشکیل گردیده و روی یک ساختمان محدب و بیض برآمده ای قرار دارد. قسمت زیرین هر یک از این عدسیه‌ها دارای اجسامی حساس به مقابل نور بوده و در اثر نور وارده از هر یکی از عدسیه‌ها متاثر میگردد. شعاعات وارده از جسم - به قسم ذره‌ذره روی هر یک از عدسیه‌ها تابیده و بالاخره اجتماع این ذره‌ها تصویری را از جسم دیده شده در مغز حشره - بوجود می‌آورد. باین صورت حشره اجسام را بشکل یکعده نقاط روشن و تاریکی می‌نگرد. اگرچه حساسیت چشمهای حشرات خیلی زیاد نیست باین هم علماً ثابت نموده اند که عده ای از حشرات میتوانند رنگ‌ها را تشخیص نمایند.

ساختمان چشم یک زنبور عسل که دارای تعداد زیادی عدسیه‌های کوچکی میباشد.

جالبترین نوعی چشم را میتوان در یکنوع ماهی کوچکی که در سواحل ابحار به سر می‌برد و پیرفتا لموس نامیده نامیده میشود ملاحظه نمود. چشمان ماهی مذکور روی عضو برجسته ای که دارای عضلات زیادی میباشد قرار دارد. چشمان این حیوان میتواند تنها در هوا اجسام را به بیند. بناء در موقع صید نمودن ماهی به سطح آب طوری قرار میگیرد که تنها دو چشم آن بکمک عضلات از کاسه سر خارج شده بر سطح آب بوده و متباقی جسمش تحت آب میباشد.

درین صورت از سطح آب طعمه را در آب دریافته و بطرفش حرکت نموده و آن را می‌بلعد. چون چشمان نمیتوانند در داخل آب فعالیت نمایند - بناء چشم‌های مذکور دوباره در حفره کاسه سر داخل شده و رویش را بپلک ضخیمی می‌پوشانند.

پیرفتا لموس حین قرار گرفتن در نزدیکی سطح آب و طرز استفاده از چشمان خود بقیه‌ها حیواناتی فقاریه ای ساده هستند که از چشمها در بلع نمودن مواد غذایی نیز کمک می‌گیرند. چون غذای آن‌ها را معمولاً حشرات و گرمهای زمینی تشکیل میدهد - بناء جهت نگه داری و جویدن این اجسام در دهن، بقیه‌ها مجبورند که دندان‌های قوی و بزرگی داشته باشند ولی چون دندان‌ها قدرت کافی نه دارند - بناء بقیه‌ها حین بلع نمودن مواد غذایی چشمان خود را می‌بندند. بسته شدن چشمان باعث فرو رفتن تخم چشمها در حفره سقف دهن شده و این فرو رفتگی‌ها بشکل دوگانه محدب بداخل دهن آشکار میگردد. برآمدگی‌های مذکور میتوانند موقتاً غذا را در دهن نگه دارد. پس دیده بقیه در صفحه ۶۲

# شخصیت زن

## در آئینه مطبوعات کشور

تهیه و ترتیب از: دهر

### نمایندگان افغانستان

#### در کنفرانس برلین



محترمه عالیہ حفیظ

در کنگره جهانی سال بین-المللی زن که با شتراک دو هزار نماینده از ۱۲۵ کشور در جمهوری دموکراتیک آلمان بر گزار شده بود، ریاست هیات افغانی را محترمه عالیہ حفیظ مدیر لیلیه دختران پوهنتون کابل به عهده داشت.

محترمه عالیہ حفیظ گفت: این کنگره از ۲۰ تا ۲۴ اکتوبر ۱۹۷۵ دایر گردیده بود و زنان جهان فیصله کردند که: - زنان روحا باید آزاد باشند.

- زنان حق مساوی با مردان داشته باشند.

- باید امتیاز از هیچ نقطه نظر میان شان وجود نداشته

و مساوی کلو نیا لیزم و امپر یالیزم که باعث پس مانی زنان شده از بین برود. - ملل متحد باید ده درصد

بودجه خود را در راه وسایل مختلفه برای پیشرفت زنان تخصیص بدهد و از وسایل جنگی بکاهد.

- باید برای زنان زمینه کار در کارخانه ها، مراکز صنعتی و زراعتی پیدا شود. - باید توجه بیشتر در قسمت صحت زنان بعمل آمده به تعداد شفاخانه ها و کلنیک های زنانه افزایش بعمل آید. - برای زنان زمینه تعلیمات مسلکی مهیا شود.

- زنان حق رای دمی را باید داشته باشند و قانونی در زمینه پاس شود، مخصوصا برای زنان آسیایی و افریقائی، امریکای لاتین که در ده سال گذشته از بسا جهات از حقوق خویش بی بهره و محروم مانده اند.

- مساوی دو زن داشتن و اضافه از آن تاثیر زیادی بالای روحیه اطفال شان دارد درین باره ما زنان میکوشیم تا قانونی وضع گردد. زیرا احترام خانواده ها شرط است و آنها باید به همدیگر خویش احترام داشته باشند. مساوی «فامیلی پلاننگ» نیز در قسمت افزایش اطفال در کشورها مدنظر باشد. در قسمت موضوعات مورد مباحثه و مناقشه خانواده ها باید سازمانهای روی کار آید تاراه حل برای موضوعات مطروحه را پیدا نموده و در دهه انکشاف

ارزیابی گردد.

- پروبلم بیسوادی که یکی از پروبلم های جهان شمول است باید از بین رفته تبعیضات بین پسر و دختر از آوان طفولیت تا کلانی نظر به فرهنگ هر کشور از میان بر داشته شود.

- امروز قرا ریکه مشاهده میشود چنین تبعیضات مانع تعلیم و تربیه زن و مرد گردیده باعث عقب مانی بعضی کشورها شده است.

- باید در قسمت تعلیم و تربیه معیو بین زن هم توجه شده و برای شان تاسیس مکاتب در نظر گرفته شود. - برای اینکه موضوعات متذکره جا مه عمل ببوشد، باید از همه او لتر مبارزه برای صلح و مساوات صورت گیرد زیرا پیشرفت زنان بدون صلح و مساوات امکان پذیر نمیشد.

چون زنان قلب رقیق داشته رؤف و دلسوز میباشند ممتنی صلح و سلم مردم دنیا هستند و زنان گفتند و ابراز نظر کردند که انکشاف در حالی صورت می پذیرد که آزادی کشورها سلب نگردیده در ساحات مختلف حیات اقتصادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملل تغییرات عمو می رو نما گردد. امید است که این کنگره کمک زیادی به جامعه بشری بتواند و ما نتایج مفید و مثمری از آن بگیریم. زیرا مجاهده ما زنان مجاهده برای مردمان جهان است تمام مسایلی که در مکسیکو گفته

شده ما آنرا تأیید و تأکید میکنیم مبارزه برای کار و برای فعال ساختن وسایل ارتباط جمعی و غیره به سوی مملکتی باشد زیرا در هر منطقه و هر جا نشان دادن لیاقت و استعداد و ذکاوت زنان شرط است محترمه عالیہ حفیظ گفت: نمایندگان افغانی در سه کمیسیون سهم گرفته بودند: - کمیسیون تعلیمات زنان - وسایل ارتباط جمعی. - زنان کارگر.

شامل شدن به کمیسیون ها آزاد بود و هر کس می توانست در هر کمیسیون که خواسته باشد شامل گردد.

در کمیسیون وسایل ارتباط جمعی محترمه و سیمه حکیمی و در کمیسیون زنان کارگر محترمه مستوره نواز به نمایندگی از افغانستان سهم گرفته بودند.

وی گفت: در کمیسیون که اشتراک نموده بود موضوع آنرا تعلیمات زنان تشکیل نموده بود.

درین کمیسیون ۲۲۶ نفر از ۴۷ کشور سهم گرفته بودند. محترمه عالیہ حفیظ نکات مهم این کنگره را چنین خلاصه کرد:

ما با استفاده ازین فرصت تاریخی و مسئولیت در مقابل نسل آینده همراه باین مجادله که جهان در عصر آینده چه خواهد باشد. با قیادار



گوشه ای از جریان کنفرانس زن در برلین

ژ و ندون

## نقش زن در تکامل جامعه

## مواظبت طفل

میشوند و آن وسایل و لوازم دسترس را مورد آرایش قرار میدهند درین اثنا با این حوادث و صد مانی مواجه میشوند که با آسیب دیدن آنها والدین متاثر میشوند ولی در آنوقت تاز و ندامت والدین بعد از یک حادثه و صدمه ارزشی ندارد و برای شان سودی نمی بخشد .

فی الواقع گارد، جاکو، ابره، تیشه و دیگر سامان برنده منزل که امروز دورتر از دسترس طفل گذاشته میشود گاوش های

اوممكن است سامان مذکور را بدسترس بیاورد و ظرف پرازاب جوش را که در جای مصنوعی تری گذاشته اند امکان دارد در اثر تجسس آن طفل دیگر آن جای بحال مصو نیستش باقی نماند، گذاشتن اجناس پارچه های شکسته شسته، آلات جارحه و غیره در جاهانی که اطفال به آنها رسیده می توانند خطراتی را بردی آنها پیش بینی میکنند .

پیشرفت های عصر تکنالوجی و ساینس زندگی بشر را از حلقه محدودیت مساو سادگی هابیرون کشیده و میکشد، هر قدر که از نتایج و پدیدهای نوین آن مستفید میشویم، بهمان تناسب زندگی ما پیچیده تر و مغلط تر میگردد و مخصوصا اندیشه های ما را نسبت به کودکان و اطفال ماعمق تر میسازد و مامجبور میگردیم تا در مواظبت و مراقبت آنها جدی تر باشیم و بیشتر از پیش بپندیشیم، زیرا با فراهم آوردی و استفاده از تسهیلات و هدایای ماشینی و تخنیک عصر تکنالوجی و ساینس بهمان تناسبی که اطفال و کودکان مایز گتر شده میروند و فعالیت های مانند چار غول، قدم زدن، پایین و بالا شدن، جست و خیزدن، تجسس و گاوش را آغاز میکنند خطرات ناشی از این همه فعالیتها به پیمانه روز افزون متوجه آنها میگردد، درینا مواقع اطفال در اثر احساس تجسس و گاوش به وسایل و لوازم تخنیک و ماشینی منزل نز دیک

خو شبخانه با طلوع آفتاب نظر نمون انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ در حیات و موقف اجتماعی زنان تغییرات کیفی و بنیادی رونما گردیده و پیشرفت های جامعه نوین سیم دانسته و حقوق یکسان را مطابق به منشور ملل و سال بین المللی زن نائل شد . اند پس بر زنان و خواهران آگاه و وطنپرست کشور لازم است مطابق به روحیه عالی نظام جمهوری و سنن عالی ویر افتخار افغانیت خویش این مامول برارنده را حفظ نموده با تحکیم و مبارزه با فاساد چنین اندیشه های نوین خدمت گذاری و صداقت شعاری را در پیشبرد جامعه خویش بکار ببریم .

والته تقلید کور کورانه از مرد های بیجا و غریب زده هرگز موفق زنان و دوشیزگان ما را بلند نمیرد بلکه زیور اصلی و جوهر اندوخته های علم و دانش را مکنر ساخته از کاروان تمدن فرستگیا دور نگه میدارد .

خلاصه همه خواهران و زنان گرامی بکوشند تا هر یک از اعضا مفید جامعه خود بوده در عمران کشور خویش سهم سود مندی را به عهده بگیریم .

از صفحات در خشان تاریخ و پیشرفت های شکوفان بشریت را مطالعه، تحلیل عمیق و بررسی دقیق نمائیم در تمام شئون و مراحل تکامل جوامع بشری نقش زنان

به صورت خلاق و جاویدان ثبت است .

زیرا از علوم و فنون امروزه تا صنایع مستظرفه زنان در پهلوی مردان دوشا دوش هم فعالیت نموده اند، البته میتوان نمود نه های سودمند وارزنده آنها از مبارزه را به بلخی برشد طرز تلقی آن عصر و فعالیت شهرمانانه و دلیرانه ملالی را در میدان نبرد خونین علیه متجاوزین استعمار وطن پر افتخار افغانستان و دیگر زنان با سهامت تاریخ جهان دریافت .

پس در جامعه ای که حیات بسر میریم و ترقیات که در همه رشته های زندگی بشر مشاهده میکنیم زنان نیز در امر تحولات و پیشرفت های کنونی سهم اند زنان در پهلوی سهم در خدمات عامه ثمره زندگی و اطفال خویش را تربیه نموده جوانان با درك سالم و مردان مفید و سودمند به جامعه تقدیم مینمایند .

## صدای آزادی زن

زن شخصیت سازنده دارد زن در هر موقعی که قرار داشته باشد، بازم نخستین مربی انسان و تهداب گذار شخصیت افراد اجتماع است، چون دودمان اوست که کودک نخستین روزها، ماه ها و سال های زندگی را میگذراند و با جهان بیرون آشنا میشود .

نابرابری های اقتصادی و اجتماعی که میان دو جنس مرد و زن مرزهای مشخص و درستی از ناحیه حقوق و امتیازات بوجود آورده بود در طول قرنهای متعددی زن را دور از فعالیت های عمده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی قرارداد، تا آنکه این دوره عاروبه فتور نهاد و عصر آزادی و برابری حقوق از دست رفته مردمان فرارسید .

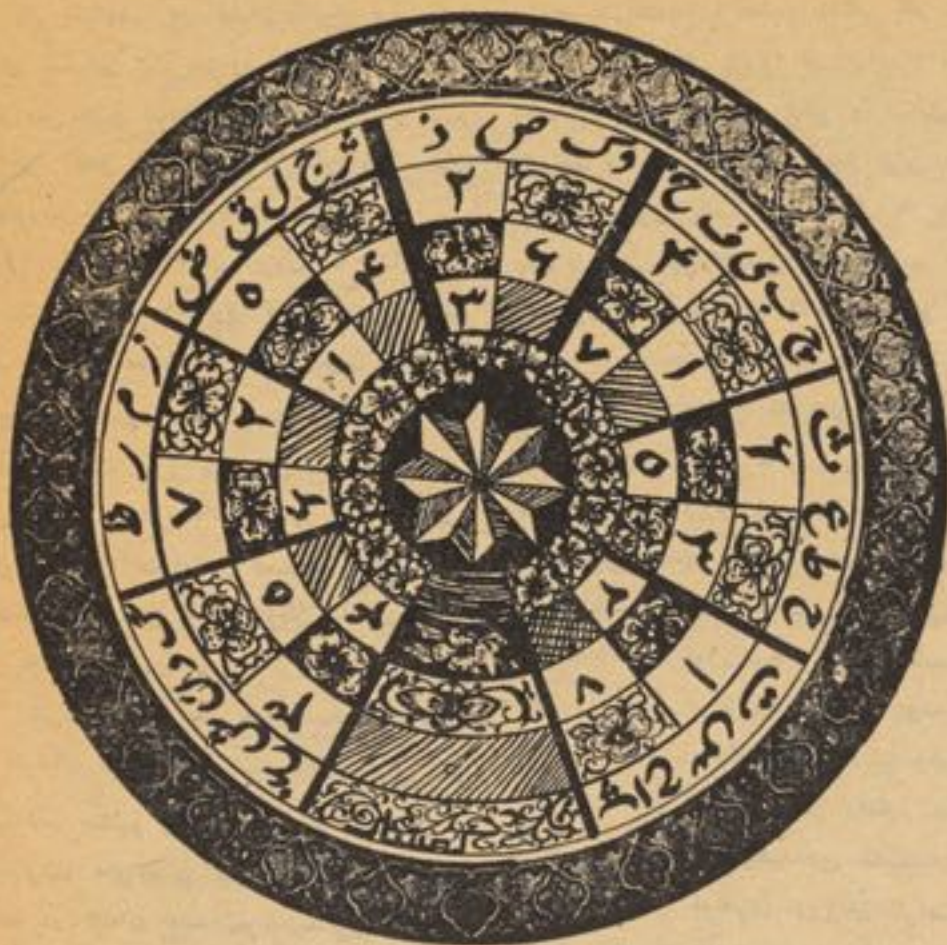
اکنون صدای آزادی زن در پهنای گیتی طنین الکن است، جنبش جهانی زن برابری حقوق و امتیازات او را طلب میکند، درین میان چیزیکه از همه مهتر است تبار و شخصیت اجتماعی خود زن است، که پس از سده های طولانی که در انقیاد بسر میرد بازم با شایستگی قدر افراشت و در کار سازماندهی اقتصادی کشور خود موفقانه اشتراک ورزید.

زن افغان در نظام جمهوریت برارندگی بیشتری نشان داده است او به ابیات رسانیده که شایستگی دارد رسالت تاریخی خود را در برابر نظام، وطن و مردم خود بدرستی انجام دهد .

زن موجود با آرزوست و دلش آکنده از امید هاست که هر چه خواهد بدو میسر گردد، و این مایه شادمانی او می گردد، طبیعت او گاهی گرفتگی از آن پیدا میکند که به آرزوی خود نرسیده است زن وقتی آینه انصاف را پیش رو گذارد لطف اواز احساس رقیقتش تا ب می گیرد آرزو هایش در حدود امکان اقتصادی محیطش نظم میگیرد، وقتی روح قناعت پیدا کرد هیچگاه چنین برجین نمی زند و همواره متبسم است، زن باید چون گل همواره خنده در لبان داشته باشد و از زندگی راضی باشد روحیه همجسمی بپیمود را از خود دور بدارد که یکی از بازمانده های نا پسند دیرینه بوده انسان را همواره رنج میدهد زن ها که بر راستی هم نقش مادری دارند و هم نقش سازندگی بادل پراز مهر و عاطفه زندگی را سزند یقین زنان روشن دل این را دریافته اند بادل خوش و باصفای زنانه به زندگی لبخند می کنند و حیات فامیل و یامحیط خود را روشنی از مهر و محبت میدهند زیرا اگر زن ها توانایی آنها دارند که نشاط در محیط خانوادگی آفرینند خود به خود خوش و خندان زندگی نموده و چراغ ذهن شان هموار براه و به خانه شان پرتو افکند و خانواده را مسعود دارند



## فال حافظ



در هر روز از هفته که میخواهد فال بگیرد به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف نام خود را انتخاب کند و آنرا از دایره بزرگ پیدا نماید. (فرقی نمی کند که حرف اول باشد یا دوم باشد یا مثلاً پنجم) در زیر همان حرف سلسی قرار دارد که دارای خانه های سفید و سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد ثبت شده است از آن سه عدد هر کدام را که دلخواه شماست انتخاب کنید و انگاره همان شماره در زیر نام همان روز از هفته مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ سیرین سخن دریافت نمایید.

مثلاً روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که سه است انتخاب و از جمله سه عددی که در زیر فوس مربوط به این حرف دیده میشود یعنی ۷۰ را اختیار نموده آید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعه کنید و بخوانید لسان اللفیظ بشما چه می گوید!

## تأثیر مواد غذایی

زیاد بوده مانند سودیم، پتاسیم، کلسیم، عدس، خرما و برنج موجود است.

و گوگرد.

۳- عناصری که مقدارشان جزئی است مانند منگنز، نیکل، کوبالت، المونیم.

کلور: برای حیات سلولهای بدن لازم بوده و در تغذیه زیر موجود است.

مغز گاوی، زردی مرغ، شلغم، انجیر.

سودیم: برای رشد و نمو و اعمال عصبی موجود در کاکو، مغز گاوی، زیتون، جگر.

پتاسیم: در انقباض کردن عضلات و اعصاب رول داشته در زیتون، لوبیا، انجیر، نخود، کشمش، بادام.

کلسیم: برای مقاومت استخوانها و دندانها رول پس از زنده را بازی نموده در بادام، شیر، انجیر، زرده تخم مرغ و پنیر پیدا میشود.

منگنیم: برای سخت شدن استخوانها و مقاومت بدن بکار رفته و در لوبیا، عدس، نخود، بادام وجود دارد.

مس: وجود مس برای تمام اندامهای بدن لازمی بوده برای جگر مخصوصاً بسیار ضروری می باشد و در مغز بادام، لوبیا، نخود، عدس موجود است.

کوبالت و المونیم: برای ساختن خون و فعالیت نموده و در جگر موجود است و همچنان در پسته، جگر موجود میباشد.

## شعر نو نیاز زمان

من در یکی از اشعار خود گفته ام: خنده کاذب به لب اما چه سود / اشک من با خنده ام / ظاهراً هر م شاد است لیکن ای دروغ زهر خود را غم به قلبم ریخته

به عقیده من این صدا صدای انسان امروز است که از غم خود سخن گفته و انسان هم عصرش خوب با این غم آشناست.

در سرودن شعر از کدام روش استفاده میکنید؟

من اشعاری به روش نو و هم چنان سبک کلاسیک سروده ام ولی بیشتر تمایلم بشوی روش نو است چه به عقیده من در شعر نو شاعر آزادانه میتواند احساسش را بازگو کند یا به عبارت ساده تر محتوی را فدای شکل نسازد.

به نظرت کدام شعر و چگونگی با اجتماع مصدر خد مت میشوند؟

در این جا باید روی کلمه تعهد و مسئولیت انگشت نهاد. بلی به عقیده من شاعر متعهد است که میتواند مصدر خد متی بر ای اجتماع عیش شود. چه شاعر است که خوبتر درد مردم را تشخیص میدهد و می تواند در پی علاج این درد بر آید و حالا این شاعر متعهد است که در این قسمت احساس مسئولیت میکند و میکوشد راه چاره ای برای درد های اجتماع عیش پیدا بد.

در قسمت تشکیل انجمن ها و بزم های شاعران مثلاً بزم های بهاری یا خزانیه چه عقیده دارید؟

به عقیده من تشکیل چنین انجمن ها و بزم ها تأثیر مثبتی در قسمت بلند رفتن سطح شعر در کشور می نماید چه شاعر از یک طرف میتواند چکیده های اندیشه اشرا به مردم پیشکش کند و از طرفی در بر خورد مستقیم خویش با مردم ارزش های خود را باز شناسد و به بر عکس از محدودیت و فرد گرایی های خود آگاه شود.

به عقیده تو شعر گفتن یعنی چه؟

شما عسری که واقعا

نمیدانم کدامین مرغ اندوه - به سر من سایه گسترده!

نمیدانم کدامین اشک حسرت گونه ام شسته!

نمیدانم چرا این قلب من لیریز غم گشته

نمیدانم... نمیدانم!!

ولی دانم که قلب من بسان غنچه دلتنگ است.

# فناك حافظ

## شنبه

۱- دل دو نیم شدو دلبر به ملامت برخاست  
گفت باها منشین گز تو سلامت بر خاست  
۲- که شنیدی که دین بزم دمی خوش بنشست  
که نه در آخر صحبت بندهامت بر خاست  
۳- در چمن باد بیاری ز کنار گل سرو

به هوا داری آن عارضی و قامت بر خاست  
۴- مست بگلشتی و از خلوتیان ملکوت  
به تما شای تو آشوب قیامت بر خاست  
۵- خیال روی تو در هر طریق همرفاست

نسیم موی تو پیو ند جان آگه ما ست  
۶- اگر بزلل دراز تو دست ما رسد  
گناه بخت پریشان و دست کوتاه ما ست  
۷- زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست  
پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی ددست

## یکشنبه

۱- ترکش عریده جوی و لبش افسوس کنان  
نیم شب دوش به بالین من آمد بنشست  
۲- عاشقی را که چنین باده شکیب دهنه  
کافر عشق بود گر نشود باده بر ست  
۳- بروای زاهدو پردرد کشان خرده مگیر

که ندارند جز این تحفه بها روز الست  
۴- آنچه او ریخت به پیمانه ما نوشیدیم  
اگر از خمر بهشت است و اگر باده مست  
۵- نگویم از من بدل بسپو کردی یسار

که در حساب خرد نیست سپو بر قلعت  
۶- بیا که با سر زلفت قرار خواهم کرد  
که گر سر م برود بر نهادم از قدمت  
۷- زان یار دلنواز شکریست با شکایت  
گر نکته دان عشقی بشنوتو این حکایت

## دوشنبه

۱- مدام هست میدارد نسیم جعد کسویت  
خرابم می کند هر دم فریب چشم جا دویست  
۲- پس از چندین شکبیانی سبی یارب توان دیدن  
که سمع دیده افروزیم در معراب ابرویت  
۳- سواد کوح بینش راعیز از بهر آن دارم

که جانرا نسجه باشد ز لوح خال عشویت  
۴- منو باد صبا مسکین دوسر گردان بی حاصل  
مناز افسون چشمه مست و اواز بوی کسویت  
۵- شراب و عیش نهان جست کار بی بنیاد

زدم بر صف رندان و هر چه بادا باد  
۶- ز حسرت لب شیرین هنوز می بینم  
که لا که میدمد از خون دیده فرهاد  
۷- چاه لیت افتاب هر نظر با د  
ز خوی روی خو بت ، خو تر یسار

## سه شنبه

۱- کسی کو بسته زلفت نیا شد  
چو زلفت در هم و زیرو زبر باد  
۲- دلی کو عاشق و دیت نیا شد  
همیشه غم فیه و خون جگر با د  
۳- مرا از تست غم دم تا زه عشقی

ترا هر ساعتی حسن دگر باد  
۴- ترکس هست نوازش کن مردم داش  
خون عاشق بقدر گر بخورد تو شش باد  
۵- چشمم از آئینه داران خطو خال شگفت

لبم از بوسه دبا یان پرو دو شش باد  
۶- ههای او ج سعادت بدام ما افتد  
اگر ترا گزری بر مقام ما افتد  
۷- درخت دوستی بشان که کام دل بیارارد  
نهال دشمنی بر کن که رنج بی شهاد آرد

## چهارشنبه

۱- مطرب عشق عجب سازو نوازی دا رد  
نقش هر نغمه که زد ده بجائی دا رد  
۲- عالم از ناله عشاق میا دا خالی  
که خوش آهنگ و فرح بخش صدائی دا رد  
۳- ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق

هر عمل اجری و هر گزده جزائی دارد  
۴- شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد  
بنده طلعت آن باش که آنس دارد  
۵- غم ابروی تو در صنعت تیر اندازی

برده از دست هر آنکس که گمانی دارد  
۶- در ره عشق نشد کس یقین محرم را ز  
هر کسی بر حسب فکر گمانی دا رد  
۷- با خرابات نشینان ز کرامت ملاف  
هر سخن جانی و هر نکته مکانی دارد

## پنجشنبه

۱- نی من تنها کشم تظا و ل زلفت  
کست که او داغ آن سیاه لدا د  
۲- با غیا نا ز خزان بی خبرت می بینم  
آه از آن روز که بادت گل رعنا بسپرد  
۳- رهزن دهر تفتست مشو این از او

اگر امروز تیر دست که فردا بسپرد  
۴- نیست در شهر نگاری که دل ما بسپرد  
بختم او یار شود رختم ازین جا بسپرد  
۵- اگر نه باده غم دل زیاد ما بسپرد

نبیب حاد که بنیاد ما ز جا بسپرد  
۶- اگر نه غفل به مستی فرو کشد لنگر  
چگونه گشتی ازین و رطه بلا بسپرد  
۷- طیب عشق منم باده دی که این معجون  
فرا غمت آرد و اندیشه خطا بسپرد

## جمعه

۱- سحر بلبل حکایت با صبا کرد  
که عشق دوی گل با ما چها کرد  
۲- مقام اصلی ما گوشه خرابات است  
خداش خبر دهد هر که این عمارت کرد  
۳- نماز در خم آن ابروان محرابی

کسی کند که بخون جگر طهارت کرد  
۴- دلم زحلقه زلفش بجان خورده استوب  
چه سود دید نهادم که این تجارت کرد  
۵- فردا که پیشگاه حقیقت شود بدید

شر منته و هر وی که عمل بر معجز کرد  
۶- بلبل خون دلی خورد و کلی حاصل کرد  
باد غیرت بصدش حال پریشان دل کرد  
۷- چوباد عزم سر گوی یار خواهم کرد  
نقش بوی خو نش مشکبار خواهم کرد

## هنر در لابلای قرنها

است. (صفحه تاریخ مدنیت های آسیای مرکزی بخش مربوط به مدنیت موهنجو دارو هر به نویسنده.. تا مالا تال بوت رایس چاپ واشنگتن ۱۹۶۵).

گرچه ها مو رابی او لین باد شاه قانونگذار بین النهرین قدیم تا اندازه حقوق و وجایب اهالی بابل را تعیین کرد اما قانون ها مورابی با حملات آسوری ها بر بابل تا لیرات خود را آهسته آهسته از دست داد. از همین جاست که طرز زندگی و احادی در مدنیت بین النهرین به ملاحظه نمی رسد.

این نوع طرز زندگی خصوصیات بی هنر بین النهرین بخشید که آنرا از هنر مصر متفاوت می سازد گرچه تبارز خصوصیات هنر پریمیتیف، چون عدم موجودیت پرسپکتف (تناسبات دقیق)، پراگندگی اشکال از نگاه دیزاین و ترکیب، هنر بین النهرین را تا اندازه شبیه هنر دوره های اولی مدنیت مصر می سازد اما با آنهم چنانچه قبلا تذکر یافت، طرز زندگی و موقعیت جغرافیایی بین النهرین به هنر آن خصوصیات جدا گانه بخشید.

آنچه در هنر بین النهرین بحیث یک خصوصیت عمده تبارز می کند عدم موجودیت یک شیوه بخصوص است که بصورت عنعنه از طرف هنر مندان قبول و برای سالیهای متعددی حفظ شده باشد. زیرا برخلاف تمدن مصر، فرهنگ بین النهرین زاده انکشاف تاریخی است که خشت های آنرا اقوام مختلف با عقاید مختلف در دوره های مختلف تاریخ گذاشته اند.

سومری ها و بابلیان تفاوت لسانی داشتند، گرچه تاثیر آنرا بالای هنر های بصری کمتر دیده می شود (نیم) اقوام هیتی که از شمال غرب به سر زمین بین النهرین مهاجرت نمودند بتاثر انداختن سابقه فرهنگی قوی قادر به ایجاد یک شیوه یا مکتب هنری مستقل نگردیدند (صفحه ۱۵) تاریخ هنر ملل شرق نویسنده چین آن ویسنان چاپ دوم نیویورک) و هنرشان تا اندازه ای خصوصیات هنر «یری تیف (بدوی) بر خور دار بوده آسوری ها تمایل به پذیرش شیوه های مختلف هنری شرق میانه و فرهنگ های همجوار آن داشتند. فارس ها که از نگاه فرهنگی و آیین

صفحه ۶۲

ارزش های عاطفی بیشتر نظر به هنر مصر بر خور دار می باشد. چنانچه اکثر آثار مصری با وجود آنکه زندگانی روز مره انسان ها را نشان میدهد اما کرکتر های خلق شده صامت بی روح و فاقد حرکت اند.

یکی از مثالهای ارزنده درین مورد تحرك و بیانگری عاطفی هنر بین النهرین مجسمه ریلیفی است که شیر مسافه زخمی را در حالت نزع نشان میدهد کشیدگی عضلات حرکت بدن شیر که در حال ناله است چنان بیانگری بر قدرتی دارد که در کمتر آثار مصری چنین مثالی دیده میشود. این اثر که مربوط به دوره مدنیت آسوری است و صحنه شکار آسوریانی پال امپراطور مقتدر آسوری را نشان میدهد. بیانگر گرایش هنر مند بسوی شیوه ریالیزم و با وجود عدم یکنواختی در تناسبات دقیق حالت طبیعی حیوان زخمی را به وضاحت آشکار میسازد. مثال در ی درینمو رد مجسمه ریلیفی دیگری است که از سنگ تراش یافته و تار ماسین یکی از فرمانروایان بین النهرین را در حال رهبری قشونش نشان میدهد. با وجود آنکه اثر از تناسب درست و پرس بکتیف (دوری و نزدیکی منطقی آسیا از همدیگر) بر خور دار نیست (باقی دارد)

## چشم و انواع آن

طوریکه هر چشم دارای یک عدسیه محدب و بزرگی بوده که روی تتاکل ها قرار دارد و میتواند در عمل یافتن غذا به حیوان کمک نماید.

موقعیت چشمان ماهیان - معمولا به محیطی که در آن زیست میکنند تعلق زیادی دارد. علاوه برین عمل عادت و طرز شکار هر حیوان نیز سهمی دارد. چنانچه نوعی ماهی چای بانی وجود دارد که دارای چشمانی در نواحی فوقانی سرش میباشد چون ماهی ملکور معمولا در سطح زیرین آب زندگی میکند - بناء مواد غذایی را که در حصه فوقانی در آب وجود دارد میتواند بواسطه چشمان خود بغوبی به بیند و از آن تغذیه نماید.

نمایش گاه چشمان حیوانات مختلف: حیوانات عالی دارای ساختار چشمان متفاوت وده ولی اصلا تشابهی زیادی در ساختار های داخلی آن وجود دارد. طور مثال سطح داخلی چشم همه آنها دارای «جرات حساس بمقابل نور میباشد که

میشود عضلاتی چشم را که انسان ها برای حرکت چشمای خود بکار میبرند - در بینه وظیفه محکم گرفتن غذا را در دهن به عهده دارد.

برخی حیوانات بحری دارای چشمان بزرگ و چرخنده ای هستند که میتواند به اطراف خود به حدود ۳۶۰ درجه نظارتی نماید. برخی دیگر بهمانند خارچنگ ها دارای چشمانی بروی یک ساقه نسبتا بلندی هستند که ساقه های چشمی میتواند در اثر حرکت جبهات مختلف راحت نظر گیرد. یکنوع صدف بحری بنام کوبین کو نج دارای چشمانی بزرگ روی عضو گوشتی و نرمی بنام تتاکل نامیده میشود. این نوع چشمان را در حلزون های خشکدزی که در مملک ها بکثرت یافت میشود - نیز مشاهده کرد.

در شکل اول خارچنگی را با چشمان متحرک وی که روی ساقه ای قرار دارد مشاهده می نمائید.

شکل دوم متعلق به صدف بحری است



کاو بالدار با سرادم (۸۷۰ ق م) مربوط به دوره مدنیت آسوری. این مجسمه از نگاه تکنیک دارای دو روش است (از پروفیل و تکنیک ریلیفی در آن بکار رفته و از مقابل شکل مجسمه آزاد را دارد) موزیم برتانبه

میتوانند - شعاعات وارده از اجسام رابه دماغ مرکزی حیوان انتقال دهند. حیواناتی که معمولا بهنگام شب تغذیه میکنند - دارای چشمان بزرگ با مردمک دائیروی و بزرگ میباشند و میتوانند از کمترین ذره ای نوری را که برجسمی به تابید استفاده نموده و آن رابه بینند.

چشم حیواناتی مثل گربه را که در شب و روز از آن استفاده میشود دارای ساختاری مخصوص اند که مردمک چشم میتواند در شب به حد اعظمی طور دایروی بزرگ گردد - بر خلاف بهنگام روز که نور زیاد وجود دارد - روزنه ای آن خیلی کوچک تر گردد. میتوان از روی ساختمان ظاهری چشم - تا اندازه ای نوعی حیوان را دانست که درین بحث دیده میشود.

بحث دیده میشود میاید. ساختمان چشم فقاریان عالی را نشان میدهد.

الف: چشم گربه

ب: چشم نوعی ماهی بنام سکیت

ج: چشم شارک

د: چشم مار

ه: چشم اختاپود بحری

و: چشم جلبانه گیکو

# بجواب نامه

## های شما

سلام دوستان !

امید داریم روز های پراز خورشیدی و سرور رادر ایام فرخنده عیداضحی میری نموده و بادلهای مملو از صفا و صمیمیت دوباره بکار های محروله تان پرداخته باشید .

خوب حالا می پر دازیم به بررسی نامه های دوستان تادیده شود چه سوالها و نظریاتی برای مجله خود شان دارند .

**شباغلی محمد حسن متعام صنف یازدهم دال لیسه شیر خان کندز**  
نامه بلند بالا و مطول برای مادرند آنها پس از تهنیت گویی و پیام های محبت آمیز شان به مجله ژو ندون و کار کنان آن، نظریات و پیشنهاداتی بسیار دارند که طی هفده سوال طرح کرده اند . که البته بسیا ری از نظریات شان قسما در ژو ندون عملی شده است .

ولی در مورد سایر سوالات شباغلی محمد حسن عرض میشود که تلاش ما فقط بخاطر بر آورده ساختن خواهش خوانند گان ژو ندون است ازینرو تا جایی که امکانات و زمینه عملی شدن آن موجود باشد . بطور ختم به منصفه اجراء گذاشته میشود .

**پیغله فیهمه از لیسه زر غو نه**  
طی نامه مینویسند که در مجله ژو ندون مانند سابق فوتو رومان نشر شود البته منظور ایشان از نشر فوتو رومان های خارجی است .

دوست عزیز: قبلا در مورد نشر فوتو رومان واشکا لاتیکه از ناحیه مصرف جست پیش می آید خدمت خوانند گان در صفحه بجواب نامه ها چیزهای نوشیم . ولی باز هم بخاطر قناعت بیشتر شما می نویسم که

درین مورد خوانند گان مجله ژو ندون نظریات یکسان ندارند و بسیاری از آنها طرفدار نشر فوتو رومان در مجله نیستند .

**پیغله صدیقه از مکتب ملالی!**

در مکتوبی که برای ما فرستاده از مجله ژو ندون خواسته آند تا مجله ژو ندون بیشتر به نشر موضوعات داخلی بپردازد .

در جواب باین عرض شود که کار کنان مجله تاحدود امکان درین راه تلاش مینمایند . یعنی منظور ما در درجه اول نشر مطالب داخلی است .

البته خدمت خوانند گان محترم باید عرض شود که مازید ترین نامه ایکه تا امروز گرفته ایم در مورد همین موضوع بوده است و علاقمندان ژو ندون این سوال را به نحوی از انجا طرح نموده اند .

**شباغلی غلام محمد نیاز مند!**

مامور وزارت داخله پیشنهادیکه شما طرح نموده اید امکان حل آن در همین صفحه بجواب نامه های شما موجود است .

شما اگر سوالی داشته باشید در همین صفحه بجواب نامه های شما جواب گفته میشود . ازینرو لازم نیست که صفحه اختصاصی که در گذشته هادر ژو ندون بچاپ میرسیده است دوباره احیا گردد .

**شباغلی محمد عزیز از قلعه**

**زمانغان!**

به نظر ما این سوال را، شما بایست از کسی میپرسیدید که درین رشته معلومات اختصاصی داشته باشد . البته همانطوریکه خود شما میدانید کسایتیکه درین باب سر

رشته و معلومات اختصاصی دارند تعداد شان خیلی زیاد است . عرض اینست که شما بیک مشوره ضرورت دارید و این باید بطور شفا هسی برایتان گفته شود .

**آقای محمد اکرم!**

چیزیکه عیان است چه حا جت به بیان است . ما هیچ فهمیده نتوا نستیم که منظور ازین سوال شماچه بوده است بخاطری که سوال تقریبا در مکتوب خود تان حل شده است .

**پیغله محبوبه صنف هشتم دال لیسه عا یشه درانی !**

ازینکه شما در نامه تان به مطبوعات اظهار علاقمندی کرده اید جای بسیار خوشی است .

راه ها و وسایل همکاری با روزنامه ها

و مجلات بسیار ساده است شما یا مطالب ارسالی تانرا پست نموده برای ما بفر ستید و یا اینکه برای سپردن مضمون به دفتر تشریف بیاورید . تا با نحوه و چگو نگه کار بیشتر آشنا شوید . در حال حاضر

نظر ما اینست که شما نخستین همکاری قلمی تانرا با مجله محبرب دکمکیانو انیس شروع کنید و این يك نقطه آغاز بسیار خوب برای شما خواهد بود .

راستی خد مت يك تعداد از

علاقمندان مجله ژو ندون باید عرض شود که آنها نیز مثل همکار ما

پیغله محبوبه تماس های با مجله اطفال داشته باشند . چه فکر میکنم این مجله بهتر میتواند بحل

پیشنهادات و سوالات شان بپردازد



حامد شکران خواننده محبوب جوانان

دولتی مطبعه

صفحه ۶۳

# مود و فیشن



سه نمونه لباس که از جدیدترین کتلاک ها برای علاقمندان جهان مود انتخاب نموده ایم

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**